

انجمن مدیران صنایع

کارآفرین

ماهنامه

شماره ۱۵۵ - شهریور ۱۴۰۲ - ۶۰ صفحه - ۱۰۰۰۰ تومان



Grand
Maghsoud
Group
+98-513-5152000
CONTACT US
WWW.GRANDMAGHSOUD.COM

تلاش
بهر
و خرد



اقتصاد رقابتی راه نجات ایران

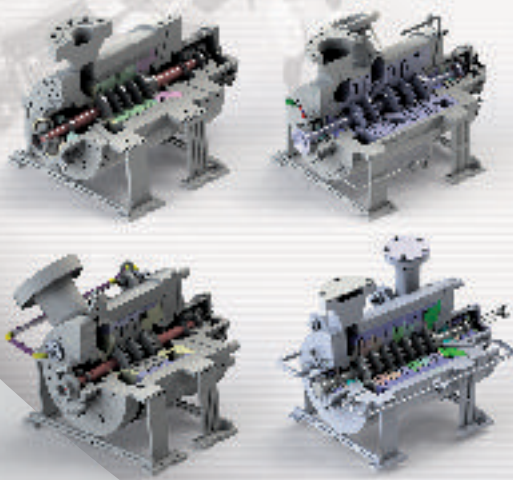
● سیمای ایران امروز ● کارنامه پژوهشی انجمن مدیران صنایع ● سیاست‌های ارزی در ایران



OTCE

شرکت تجهیزات توربو کمپرسور نفت

Empowered Knowledge | Sustainable Services



طراحی، ساخت و تأمین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و رفت و برگشتی



تأمین قطعات



اجرا و راه اندازی



طراحی مهندسی



office@otce-co.com

021-88604735-36-38

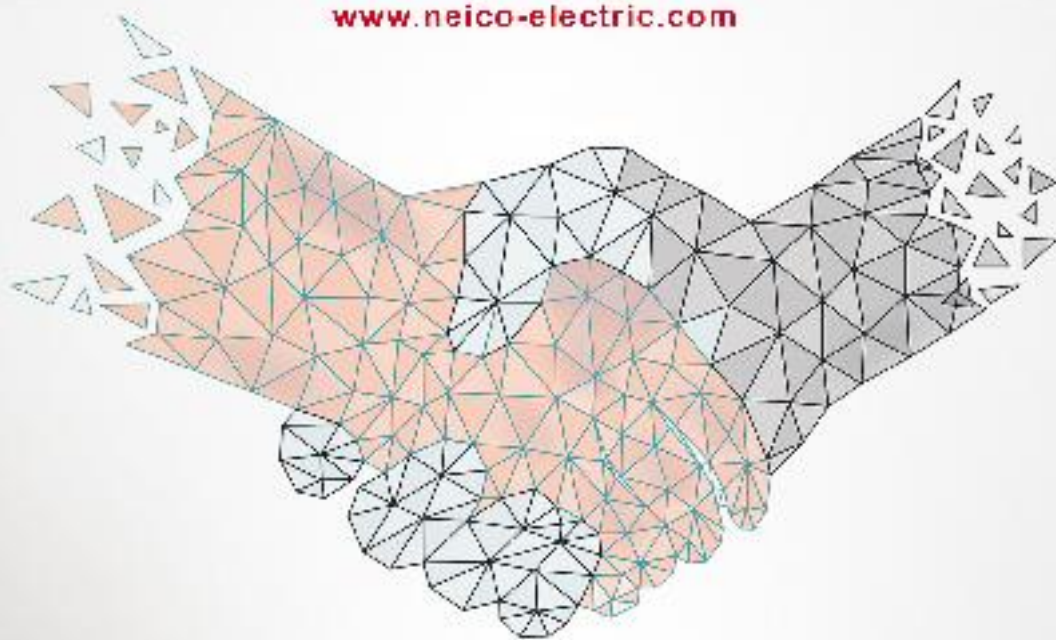
021-88604739

- خدمات ماشینکاری سنگین و نیمه سنگین با انواع ماشین آلات CNC کاروسل، بورینگ، فرز دروازه ای، و فرز ۵ محور
- خدمات بالانس دور پایین، دور بالا در خلاء برای انواع روتور ها و قطعات دوار
- خدمات اسپین تست برای انواع پره ها (Impellers)
- خدمات حرارتی و لحیم کاری در خلاء (Vacuum Brazing)
- ارائه خدمات فنی و مهندسی (مشاوره، خدمات بازرگانی، خدمات مدیریت پروژه)
- ساخت و تأمین انواع توربو ژنراتور جهت نیروگاه های کوچک و متوسط تا ظرفیت ۵۰ مگاوات

- طراحی، ساخت و تأمین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ جهت استفاده در ایستگاه های اکسپورت، خطوط انتقال گاز، واحد های Crack-Gas و بازیابی اتان.
- طراحی، ساخت و تأمین انواع الکترو کمپرسورهای سانتریفیوژ فرآیندی، گازهای اسیدی، مبرد و اتیلین
- طراحی، ساخت و تأمین انواع الکترو کمپرسورهای سانتریفیوژ Over-Hang و Integrally Geared
- تست مکانیکال و پرفورمنس کمپرسور
- تعمیرات اساسی کمپرسورهای سانتریفیوژ گاز
- تأمین و ساخت قطعات یدکی انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و ماشین های دوار

شروع همکاری

www.neico-electric.com



 **SUZUKI**[®]

ایده ژاپنی، تفکر جهانی



صنایع الکتریکی ناسیونال ایران

اصالت و کیفیت

ناسیونال

www.neico-electric.com

لوازم خانگی با تکنولوژی ژاپن
از ناسیونال تا تولیپس



صنایع الکتریکی ناسیونال ایران اسپر جابرا

National Iran Electric Industries Co. (LTD)





شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی رازی (سهامی عام)

Razi Industrial Group Investment

نوآوری پایان ندارد...





سلامی نوبه بانکداری دیجیتال

پرداخت قبوض،
خرید شارژ،
انتقال وجه،
صورت حساب
و انواع خدمات دیگر

تغییر حساب به
حساب وکالتی
جهت ورود به
بورس کالا

ثبت چک های
صیادی

کارتابل مدیریت
حسابهای حقوقی

افتتاح حساب
غیر حضوری

با استفاده از پلتفرم Hibank و افتتاح حساب، در فرعه کسب
حسابهای قرض الحسنه نیگ آفرین شرکت نمایید



Hibank.ir





یک نام و هزار لبخند

شرکت صنایع غذایی سحر

تلفن: ۰۹۰-۲۲۶۶۹۲۳۶-۲۲۶۶۹۲۴۰ و ۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۴۰ و ۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۴۰

WWW.SAHARFOOD.COM





بیمه تعاون

اعطای نمایندگی جنرال در سراسر کشور

- ✓ درآمد پایدار و نامحدود
- ✓ آموزش رایگان و مستمر
- ✓ بدون نیاز به سرمایه
- ✓ پشتیبانی و حمایت حرفه‌ای



شرکت بیمه تعاون با در نظر گرفتن آئین‌نامه شماره ۷۵ و ۹۶ بیمه مرکزی از افراد جویای کار و علاقمند به صنعت بیمه در زمینه اعطای نمایندگی دعوت به همکاری می‌کند.

مرکز ارتباط
بیمه تعاون | ۱۶۰۲
بدون پیش‌شماره

برای اطلاعات بیشتر و درخواست ثبت نمایندگی به b2n.ir/n78980 مراجعه کنید



www.taavon-ins.ir | www.drblime.com | taavonins.co | info@taavon-ins.ir | 1602

انتخابات دیرپاترین نهاد کارفرمایی ایران

در این نشست به پاس قدرانی از دبیران شعب انجمن در همکاری و مشارکت در پیشبرد اهداف انجمن با اهدای لوح از آنان تقدیر به عمل آمد: آقایان مهندس اکبر تظهیری مقدم دبیر و مدیر اجرایی انجمن مدیران صنایع شعبه گیلان، دکتر عباس الهی دبیر انجمن مدیران صنایع دفتر نیشابور، دکتر امیرمهدی مرادی دبیر اجرایی انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان رضوی و مهندس و حیدرضا امداد دبیر و مدیر اجرایی انجمن مدیران صنایع شعبه فارس در خاتمه با توجه به همیاری و همکاری برخی از اعضای انجمن در برگزاری مجمع عمومی انجمن به آنان لوح سپاس اهدا شد. شرکت‌هایی که ما را در این مجمع یاری رساندند عبارتند از: صنایع الکتریکی ناسیونال ایران، تجهیزات توروبو ک.

چندروز پس از برگزاری مجمع و در نخستین نشست اعضا دوره جدید فعالیت انجمن مدیران صنایع برای هیات رئیسه رای گیری شد. پس از شمارش آرای اعضای هیات مدیره مهندس محسن خلیلی به عنوان رئیس هیات رئیسه و نیز محمدرضا جابر انصاری و محمدحسین نصرالله فلاح به عنوان نایب رئیس و محمدرضا ستوده به عنوان دبیر کل و سیدحسین سلیمی به عنوان خزانه دار انتخاب شدند.

انجمن گزارش هیات مدیره در خصوص فعالیت‌ها و عملکرد سال ۱۴۰۱ و برنامه و بودجه سال ۱۴۰۲ را به اطلاع حاضران رساندند و آقایان: مهندس سیدحسین سلیمی خزانه دار و احمد اثنی عشری بازرس قانونی انجمن گزارش‌های خود را ارائه کردند.

پس از آن برای انتخاب اعضای جدید هیات مدیره رای گیری به عمل آمد که پس از شمارش آراء، مهندس محسن خلیلی، مهندس سیدحسین سلیمی، مهندس محمدرضا جابر انصاری، مهندس نصرالله محمدحسین فلاح، مهندس فاتح برائی، مهندس سهیل یزدانبخش، مهندس قاسم مصطفوی، جناب آقای مهندس مرتضی کاظمی، مهندس فاطمه هریس‌چیان هریس، جلیل افشارنژاد، دکتر اسکندر ستوده به عنوان اعضای اصلی و جناب آقای محمد مهدی راسخ و جناب آقای علی نقیب به عنوان اعضای علی البدل انتخاب شدند. همچنین دکتر احمد اثنی عشری به عنوان بازرس انجمن حایز بیشترین رای شدند. در این نشست همچنین در خصوص میزان حق عضویت در سال جدید و مبلغ ورودی اعضای جدید و انتخاب روزنامه کثیرالانتشار به رای گذاشته شد که مورد موافقت اعضای مجمع قرار گرفت.

دیرپاترین انجمن کارفرمایی ایران در نظام جمهوری اسلامی ایران که در روزهای پر از هیجان همان سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس شد همچنان با نیرومندی به کار خود ادامه می‌دهد. این نهاد که یکی از معدود نهادهای غیر دولتی است که در شماری از استان‌ها شعبه دارد روز ۱۴ تیرماه برای انتخاب اعضای دور تازه فعالیت خود مجمع عادی خود را برگزار کرد. مجمع عمومی عادی سالانه انجمن مدیران صنایع با مشارکت جمع کثیری از اعضای محترم تهران و شعب و با حضور نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۴/۱۶ در محل مجتمع فرهنگی و رفاهی دربند برگزار شد.

در شروع این نشست مهندس محسن خلیلی ریاست محترم هیات مدیره ضمن خوشامد به اعضا در خصوص مسائل مرتبط با صنعت و اقتصاد کشور مطالبی بیان داشتند. سپس مجمع با انتخاب آقایان دکتر علیمردان شیبانی به عنوان رئیس جلسه، مهندس سعید جابر انصاری و مهندس علی حمزه‌نژاد به عنوان ناظران و مهندس اکبر تظهیری مقدم به عنوان منشی جلسه، جلسه رسمیت یافت. پس از این اقدام‌ها محمدرضا ستوده دبیر کل









صاحب امتیاز: انجمن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رمضانعلی رویایی

سر دبیر: محمدصادق جنان صفت

اعضای تحریریه: شیما ستوده- احسان جنان صفت
فریدون اسعدی

مدیر اجرایی و صفحه آرایی:
علی صائمی

ویراستار:
فاطمه ابراهیمیان

حروفچین:
حمیدرضا خدابخش

نشانی: تهران، خیابان استادمطهری، روبه روی خیابان میرعماد

پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم

نمابر: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر ماخذ آزاد است
نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مصاحبه ها

لزوما نظر این نشریه نیست

مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است

نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است

مقالات و نظرات به دفتر تحریریه ارسال شود

مقالات رسیده پس داده نخواهد شد

متن اصلی مقالات ترجمه شده به پیوست ارسال شود

مقالات روی یکطرف برگ A4 نوشته وفاصله بین سطرها رعایت شود

برای مرور فهرست مقالات

به آدرس www.amsiran.ocm مراجعه کنید

چاپخانه:

پیمان نواندیش

اقتصاد رقابتی



تبیین روابط بدهی های دولت با متغیرهای مرتبط در سیستم بانکی



فعالیت های حاکمیتی و تصدی گری بسته به نظام و ساختار اقتصادی حاکم، نیازمند هزینه های جاری و سرمایه ای و تامین مالی این هزینه هاست. بر اساس اصول مالیه عمومی مالیات ها عمده ترین منبع تامین مالی هزینه های جاری دولت ها را تشکیل می دهند و فروش دارایی های سرمایه ای (واگذاری دارایی های سرمایه ای) هزینه های سرمایه ای را پوشش می دهد. دولت مجاز است دو تراز عملیاتی و تراز واگذاری دارایی های سرمایه ای را بنا به مصالح جامعه با کسری یا مازاد در مقطعی مواجه کند مشروط بر اینکه ارزش حال مجموع مازادها با مجموع کسری ها در هر یک از دو تراز طی دوره زمانی مشخص برابر صفر باشد... **صفحه ۱۳**

ناگفته ها از دهه سقوط رشد اقتصادی



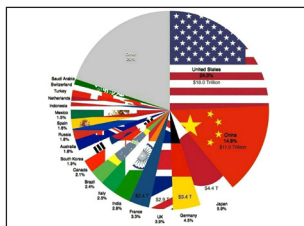
تحریم تنها دلیل وضعیت کنونی کشور به لحاظ اقتصادی نیست، بلکه تنگ شدن حلقه سیاست گذاران، رویگردان شدن از اصلاحات اقتصادی برنامه سوم توسعه، کم توجهی به عقلانیت اقتصادی در میان سیاست گذاران و افزایش تنش با جوامع بین المللی از دیگر دلایل در جازدن اقتصاد ایران ظرف ۲ دهه اخیر است. توقف رشد اقتصادی در دوره انقلاب امری طبیعی بود؛ با این وجود درآمدهای بالای نفتی کشور در دهه ۵۰ مانع از آن شد که کشور در این سال ها با بحران جدی مواجه شود، اما در ادامه و با آغاز جنگ، اقتصاد کشور آسیب های جدی دید به نحوی که کسری بودجه دولت در سال ۶۷ به ۵۰ درصد رسید... **صفحه ۲۵**

آثار رژیم چندرخی ارز در ناترازی های اقتصادی و تخصیص غیر بهینه منابع



اقتصاد ایران به ترتیب به علت پیوستگی ناترازی ناشی از کسری خالص پس انداز بخش عمومی، سلطه مالی رشد نسبت کل های پولی به تولید ناخالص داخلی و همچنین کسری جریان نقدی بخش خارجی از یک طرف با چالش مستمر تکانه های اسمی و از طرف دیگر افزایش نسبی سطح عمومی قیمت ها مواجه بوده که موجب افزایش نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی انتظارات تورمی نیز شده است. پیوستگی این تکانه های اسمی موجب شکل گیری چرخه باطل میان کسری مالی بخش حقیقی انبساط فزاینده کلهای پولی افزایش تورمی مازاد تقاضای اقتصاد کلان کاهش مجدد قدرت خرید پول ملی رشد بیشتر... **صفحه ۳۵**

سهم کشورها از اقتصاد جهان



بر اساس آخرین پیش بینی صندوق بین المللی پول (IMF) از چشم انداز تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۲۳، اعلام شده که تا پایان سال جاری میلادی اندازه اقتصاد جهانی به ۱۰۵ تریلیون دلار برسد؛ رقمی که در حدود ۵ تریلیون دلار بیشتر از سال قبل از آن یعنی ۲۰۲۲ است.

در واقع آمارها و برآوردها نشان می دهد که به صورت اسمی اندازه اقتصاد جهان از منظر تولید ناخالص داخلی ۵۳ درصد

افزایش یافته و نرخ تورم نیز ۲/۸ درصد خواهد بود. این مسأله در حالی رقم خورده که سال جدید میلادی با آشفتنگی و چالش های مهمی برای اقتصاد جهان آغاز شد؛ به طوری که شاهد فروپاشی چندین بانک امریکایی، تورم و نیز سخت تر شدن شرایط مالی در کشورهای مختلف بودیم... **صفحه ۴۷**

«اقتصاد رقابتی» راه نجات ایران

امکان توسعه و بزرگ شدن را از آنان سلب و این بنگاه‌ها را کوچک و متوسط و با تزریق انواع رانت‌ها چشم به دست دولت نگاه داشته‌اند که جز ایجاد فساد و عدم رشد و توسعه بنگاه‌ها و کیک اقتصاد نتیجه دیگری در بر نداشته است.

اکنون به نظر می‌رسد، ما اعضای «انجمن مدیران صنایع» به عنوان یک نهاد مدنی خوش سابقه و دیر پا، همچنان می‌بایست بر اصول اساسی و بنیادین اقتصادی و مبنای توسعه صنعتی تاکید نماییم. چرا که در صورتی این سرزمین دارای منابع غنی و جوانان با استعداد و تمدن دیرپا می‌تواند در جهان پیچیده امروز و گسترش تعاملات شبکه‌ای و اینترنتی و هوش مصنوعی و... بماند و بپاید که علم و خرد را محترم شمرده و با قرار گرفتن دولت در جایگاه سیاست‌گذاری و به قول معروف عرضه‌کننده «کالای عمومی» (امنیت، ایجاد زیرساخت‌ها، حفظ محیط زیست، ارتقا سلامت عمومی، ثبات مولفه‌های اقتصاد کلان و...) و بخش خصوصی در جایگاه تولید و عرضه‌کننده کالاهای عمومی، امکان حرکت سالم اقتصاد در قالب سازوکار بازار و نظام عرضه و تقاضا را فراهم آورد تا از این طریق با امکان تعامل مناسب با جهان و حضور در زنجیره تولید جهانی، بزرگ شدن اقتصاد و بالفعل شدن توانمندی‌های بالقوه بسیار این سرزمین محقق شود.

ارادتمند چه به عنوان خدمتگزار «انجمن مدیران صنایع» و چه در نهاد تازه تاسیس «بنیاد توسعه صنعتی محسن خلیلی» که با یاری و همکاری تعدادی از عالمان و صنعتگران برجسته تاسیس شده است و می‌تواند مکمل فعالیت‌ها و خدمات انجمن عزیز مدیران صنایع باشد، در جهت استقرار اصول بنیادین «آزادی» و «حق انتخاب» می‌کوشم تا به‌خواست خداوند متعال همچنان همان راهی را بروم که از سال ۱۳۳۲ و مشاهده غارت ننگین خانه دکتر مصدق، رفتم؛ راه حاکمیت عشق و علم و صنعت بر میهن مان.

بار دیگر نهایت سپاس و قدردانی خود را از حضور و یاری و کمک تک تک شما عزیزان و نیز اعضای محترم هیات‌مدیره و دبیرکل عزیز و کارشناسان و همکاران گرامی تقدیم می‌دارم و سلامتی و شادی و موفقیت همه شما بزرگواران را از درگاه پروردگار متعال آرزو می‌نمایم. سلامت و برقرار باشید.

خدایا چنان کن سرانجام کار

تو خشنود باشی و ما رستگار

سخنرانی مهندس خلیلی در مجمع انجمن

مدیران صنایع - تیرماه ۱۴۰۲



نام «قیمت‌گذاری» در اروپا وجود ندارد و این نظام عرضه و تقاضاست که قیمت‌ها را تعیین می‌کند و دولت‌ها با سیاست‌های پولی و مالی‌شان تورم را کنترل و حتی مصرف‌کنندگان داخلی را به قیمت صادرات بیشتر، استثمار می‌کنند.

متاسفانه این توصیه‌ها در آن زمان گوش شنوایی در حکومت پیدا نکرد و شاهد نزول اقتصاد کشور و بیماری هلندی و سقوط صنعتی در اواسط دهه پنجاه به واسطه سیاست «سرکوب قیمت‌ها» بودیم. روندی که با کمال تأسف و علیرغم تدوین و اجرای انواع قوانین و سیاست‌ها و به خصوص اجرای شش برنامه توسعه و تصویب عنقریب هفتمین برنامه، به جزئی جدا نشدنی از سیاست اقتصادی کشور تبدیل گردیده و هم امروز نیز همچنان با شدت و حدت از طریق ایجاد انواع نهادها و تعزیراتی حکومتی تداوم داشته است، سیاستی که اقتصاد کشور را به «اقتصاد دستوری» تبدیل کرده است. حدود ۵۰ سال است که متصدیان اقتصادی کشور «تورم» را گرانی معنا کرده و این تعریف ساده و بدیهی اقتصادی را که تورم «افزایش مداوم و پیوسته سطح عمومی قیمت‌هاست» نمی‌پذیرند و با آسیاب بادی به جدال مشغولند. با من صنعتگر و کارخانه‌دار و کاسب بازار و... می‌ستیزند در حالی که مشکل در عملکرد خود دستگاه دولت و خرج بیشتر از دخلش است و کسری بودجه و چاپ اسکناس و خلق پول و...

چند دهه است دیواری کوتاه‌تر از دیوار تولیدکنندگان آن‌هم صاحبان بنگاه‌های صنعتی خصوصی و مستقل پیدا نکرده‌اند که با نفی حقوق مالکیت‌شان که «حق مبادله آزاد» محصولات و خدمات‌شان در بازار و در محیط رقابتی است،

حمد و سپاس فراوان پروردگار متعال را که همچنان این مجال را فراهم آورد تا این ارادتمند در جمع شریف شما یاران بزرگوار و فرهیخته، افتخار حضور داشته باشم و ضمن تقدیر و تشکر از تشریف‌فرمایی و نیز زحماتتان برای انجمن‌تان، نکاتی را معروض دارم.

اگر نکات و مطالب امروز که خدمتتان عرض می‌کنم تکراری است به واسطه آن است که مسائل و مشکلات مبتلا به ما صنعتگران و فعالان اقتصادی و بسیاری دیگر از آحاد جامعه نیز تکراری است. شاید بد نباشد برای بیان این تکراری بودن مسائل و مشکلات، این خاطره را که خدمت بعضی از سروران نیز عرض کرده‌ام در این جمع شریف نیز بیان نمایم.

حدود سال ۱۳۵۳ در یکی از جلسات هیات‌مدیره سندیکای لوازم خانگی موضوع «قیمت‌گذاری» و ایجاد «اتاق اصناف» (سلف سازمان حمایت و سازمان تعزیرات و...) که از سوی حکومت وقت شروع شده بود مطرح شد. در آن جلسه ارادتمند که در دهه چهارم زندگی بوم و در مقابل سایر اعضای هیات‌مدیره، جوان محسوب می‌شدم، ضمن انتقاد از این اقدام حکومت، درخواست کردم سندیکا در این باره موضع‌گیری کند. جز یکی از اعضای هیات‌مدیره، بقیه اعضا علی‌رغم مخالفت با این اقدام حکومت، بیان این مخالفت را هزینه‌زا و در دسرفرین دانسته و با انجام آن مخالفت کردند. در همان جلسه پیشنهاد کردم، گروهی را برای بررسی چگونگی مبارزه با تورم در کشورهای اروپایی به یکی از این کشورها اعزام کنیم و بر اساس گزارش آن گروه اقدام نمایم. هیاتی که با هزینه اینجانب راهی اروپا شد در گزارشی اعلام کرد که چیزی به



سرمایه و تکنولوژی و تخصص به ایران بیاورند و ثروت‌های فروخته در دل زمین و دریاها را به درآمد تبدیل کنند، تا ابد قهر بود.

تامین اجتماعی

سیدابراهیم رئیسی با مشورت حلقه اول یارانش تصمیم گرفت نخستین پیام نوروزی خود در مقام ریاست‌جمهوری را در شهر خرمشهر و در مسجد جامع این شهر از صفحه تلویزیون برای شهروندان بفرستد تا نشان دهد با حسن روحانی تفاوت دارد و او رئیس یک دولت انقلابی است. با این همه او نتوانست بر جبر شغلی تاریخی خود استیلا یابد و با کسانی که سخنان او را گوش می‌کردند پیوند ژرفی برقرار کند. نگاه ماتش نشان می‌داد او کسی نیست که با مردم سخن گفته باشد و سخنانش که بیشتر به رجزخوانی شباهت داشت و خنده‌های ریزی که به اجبار می‌خواست لب‌هایش را باز و چهره‌اش را صمیمی نشان دهد نیز بر دل‌ها ننشست. شهروندان ایرانی، آگاهان سیاسی و نیز فعالان اقتصادی هنگامی که شنیدند او همان حرف‌های انقلابیون را بر زبان می‌آورد و با گرمی از دور زدن تحریم‌ها و شکست تحریم با تجهیز قوای داخلی می‌گوید، فهمیدند سال ۱۴۰۱ در سیاست خارجی دگرگونی بنیادینی رخ نخواهد داد. سیدابراهیم رئیسی درباره اقتصاد نیز طوری صحبت کرد که امیدواری تازه‌ای پدیدار نشد و شهروندان فهمیدند سال ۱۴۰۱ با دست‌فرمان رئیس دولت سیزدهم سالی نیست که آسایش اقتصادی و آرامش ذهنی برای آنها ایجاد شود. گزارش زیر کوشش می‌کند برخی رخدادهای تحولات با اهمیت سال ۱۴۰۱ را با محور فعالیت‌های دولت سیزدهم و نقد رفتار و گفتار دولت برای خوانندگان ارجمند توضیح دهد.

ایرانیان همانند همه شهروندان جهان در هر سرزمینی آرزو دارند خوشبخت باشند و شاد و عادی زندگی کنند و از بدبختی و رنج دور باشند. ایرانیان اما شوربختانه دهه‌های پرشماری است درگیر تنگناها و گرفتاری‌هایی شده‌اند که می‌شد نباشند، اگر در ایران بنگاه‌های نظرسنجی خصوصی وجود داشت و نتایج آن نیز اعلام می‌شد شاید راحت‌تر می‌شد سر درآورد ایرانیان در سال ۱۴۰۱ بیشتر احساس خوشبختی داشته‌اند یا بدبختی. اما این موسسه‌ها وجود ندارند و نمی‌شود بدون این نظرسنجی‌های مستقل پاسخی راستین برای آن پرسش پیدا کرد. کاش می‌شد ارزیابی دقیقی از این مسأله داشت و به دولت یادآور شد شهروندان از برآیند فعالیت‌های آنها احساس خوشبختی دارند یا نه.

واقعیت این است که چنین راستی‌آزمایی‌ای وجود ندارد. اما یک پژوهش انجام‌شده از مدیران عامل ۳۰۰ شرکت در ایران نشان می‌دهد بیش از نیمی از آنها با استرس زندگی کرده‌اند و بیش از ۸۰ درصد گفته‌اند بی‌ثباتی سیاسی مهم‌ترین دغدغه آنها برای اداره شرکت خود بوده است.

خطر بزرگ‌تر و نزدیک‌تر از همیشه

اداره‌کنندگان ایران هنوز به دو مسأله باور عمیق دارند: یک، بردباری و مدارای ایرانیان در برابر بدتر شدن کسب‌وکار و سقوط بیشتر رفاه مادی برای یک دوره کوتاه و دو، توانایی‌های طبیعت ایران برای تامین نیازهای حداقلی شهروندان ایرانی. نهادهای مسئول همچنین به توانایی‌های خود برای مهار هرگونه سرکشی و نافرمانی مدنی شهروندان و ناتوانی ایرانیان برای نافرمانی گسترده باور دارند. با استناد به این باورهاست که برخی نهادها به‌رغم همه سختی‌هایی که بر شهروندان تحمیل می‌شود و به‌رغم میل گسترده ایرانیان به مهاجرت و نیز با اینکه تضعیف زیرساخت‌های ایران روندی فزاینده را تجربه می‌کند و سیاست خارجی ایران از تعادل خارج شده و سازمان مبارزه سیاسی یک‌سویه شده و منتقدان از هر قشر و گروه و ماهیت فکری از صحنه رقابت بیرون رانده شده‌اند، باز هم بر ادامه همین رفتارهای ناکارآمد ادامه می‌دهند.

حالا یک دهه از شناسایی و شناساندن ابرچالش‌ها از سوی مسعود نیلی و دیگر اقتصاددانان همفکر او درباره ابرچالش‌ها می‌گذرد. وی ابرچالش‌ها را به سه دسته ابرچالش‌های مرتبط با طبیعت، ابرچالش‌های مالی و نیز ابرچالش‌های تقسیم و یادآوری کرد: مصداق‌های این ابرچالش‌ها مثل نبود آب کافی برای تولید زراعی، نبود منابع مالی برای دولت به کسری بودجه و تورم‌های بالاتر از ۴۰ درصد و نیز مقوله تامین منابع برای تامین اجتماعی بازنشستگان به کاهش رفاه مردم منجر می‌شود. واقعیت این است که در ده سال تازه‌سپری شده نه تنها ابرچالش‌ها برطرف نشده‌اند یا در مسیر اصلاح قرار نگرفته‌اند، بلکه در وضعیت بدتری قرار دارند.

علاوه بر مطالعات اقتصاددانان یادشده و دیگر اقتصاددانان که به معرفی ابرچالش‌های ایران انجامید، نشریه دیده‌بان امنیت ملی نیز در تبیین چالش‌های کشور در سال ۱۳۹۹، ۵۲ مسأله را با نظرخواهی از سیاستمداران، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و آگاهان امنیتی بیان و سپس آنها را در ۱۸ مسأله مهم‌تر،

تأثیرگذارتر و تأثیرپذیرتر دسته‌بندی کرد. در مطالعه یادشده تشدید تورم رکودی، شکاف دولت-ملت، ناکارآمدی برخی مسئولان، روند روزافزون نارضایتی، افزایش آسیب‌های اجتماعی، تشدید تحریم‌ها، افزایش تنش بین ایران و آمریکا، انزوای سیاسی ایران، امنیتی شدن ایران، کسری بودجه، بی‌تفاوتی نخبگان، تشدید فقر و کاهش قدرت خرید، افزایش اختلافات داخلی از جمله مسائل مهم ایران شناسایی شده بودند. با نگاهی به ژرفای تنگناهای ایران و نیز مسائلی که حل نمی‌شوند و چون به فردا افکنده شوند پیچیده‌تر می‌شوند، می‌توان با صراحت گفت خطر برای ایران از همیشه نزدیک‌تر است. آیا مسئولان که به خوبی ابرچالش‌ها و نیز مسائل تأثیرگذار در بدتر شدن روزگار ایرانیان را می‌شناسند، نمی‌خواهند دست از سیاستگذاری نادرست بردارند و به حل مسائل فکر کنند؟

تورم دورقمی مزمن و بیماری روحی

ایرانیان

مدیران و اداره‌کنندگان نظام جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با استکبار یا همان امپریالیسم آمریکا اندازه و مرزی نمی‌شناسند و باور دارند یا چنین نشان می‌دهند تا روزی که امپریالیسم آمریکا و سازمان و ساختاری به نام غرب نیرومند است و توانا، این نظام تهدید می‌شود و باید تا آخر راه رفت و استکبار را شکست داد. این راهبرد پیش از این از سوی کمونیست‌های استالینی و مائوتسه‌تونگ چینی داده شده بود و آنها نیز آمریکا را ببر کاغذی می‌دانستند و شماری از رهبران کشورهای توسعه‌نیافته را نیز با خود همراه کردند تا امپریالیسم را نابود کنند و رفاه و آرامش را برای مردم خود بیاورند. شوروی که قدرتی همتای آمریکا را پس از جنگ جهانی دوم به دست آورده بود، اما پس از ۷۰ سال فروپاشی را تجربه کرد و نظام تازه‌ای در این سرزمین پدیدار شد. جانشینان مائو نیز دست از لج‌بازی برداشته و نظام اقتصادی خود را به نیروی پایدار بازار جهانی پیوند زدند. نظام جمهوری اسلامی اما ۴۳ سال است برای این راهبرد بنیادین مبارزه می‌کند و البته این نبرد ابدی و تاریخی پیامدهایی داشته و دارد. یکی از پیامدهای این نبرد تاریخی در سیاست داخلی ایران این بود که می‌توان با پول‌پاشی شهروندان ایرانی را راضی کرد و به همین دلیل است که سیاستمداران ایرانی تنها به این می‌اندیشد که پول‌پاشی کند و به پیامدهای پول‌پاشی که همان رشد نقدینگی

رشد اقتصادی در سایه سرمایه‌گذاری خارجی



متأسفانه ایران هنوز نتوانسته است جذب سرمایه‌گذاری خارجی را قانونمند کند چون هنوز هم به باور کافی در این زمینه نرسیده‌ایم و هنوز در ساختار اقتصادی ما نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی جا نیفتاده است این در حالی است جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران همواره در اولویت کاری دولت‌ها قرار داشته و فارغ از میزان موفقیت برنامه‌ریزی‌های انجام شده، در همه برنامه‌های بالادستی کشور سهم قابل توجهی برای جذب سرمایه خارجی منظور شده است؛ چراکه ایران به عنوان کشوری نفت‌خیز و در حال توسعه، برای افزایش توان رقابتی و بهبود جایگاه خود در میان کشورهای در حال توسعه، انگیزه بالایی برای جذب فناوری‌های خارجی داشته و برای این کار روی جذب سرمایه خارجی نیز حساب ویژه‌ای باز کرده است.

باید قبول کنیم که بدون جذب سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌توان رشد کرد. قبل از اقدام دیگری، باید راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی را با توجه به وضعیت کشور شناسایی کنیم و به دنبال تضمین امنیت سرمایه‌گذاری باشیم. راهکار جذب سرمایه‌گذاری خارجی تبلیغات فاخر و

هدفمند نیاز دارد. تبلیغات غیرمفید تنها منجر به جذب آن دسته از سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود که جایی در کشورهای دیگر ندارند؛ بنابراین باید قبل از هر چیز تکلیف خودمان را مشخص کنیم.

پیش از پرداختن به این موضوع باید تاکید کنم که هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که بدون کمک سرمایه‌گذاری خارجی توانسته باشد رشد اقتصادی مثبت را تجربه کند. چین، ژاپن، آلمان، انگلیس، ترکیه، امریکا، هند مثال‌های این زمینه هستند؛ اما آیا ما هم مثل این کشورها برای سرمایه‌گذاران خارجی فرسش قرمز پهن می‌کنیم؟ رفتار آنها با سرمایه‌گذاران خارجی چطور است و ما به چه شکل؟ متأسفانه ما هنوز نتوانسته‌ایم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی خودمان را قانونمند کنیم چون معتقدم هنوز به باور کافی در این زمینه نرسیده‌ایم و هنوز در ساختار اقتصادی ما نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی جا نیفتاده است.

بنابراین اول از همه باید قبول کنیم که بدون جذب سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌توان رشد کرد. قبل از هر اقدام دیگری، باید راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی را با توجه به وضعیت کشور شناسایی کنیم و به دنبال تضمین امنیت سرمایه‌گذاری باشیم. اگر واقعاً هدفمان جذب سرمایه خارجی است، باید فضای کسب‌وکار اصلاح شود؛ که این شامل ثبات سیاسی و اقتصادی است.

ببینید سرمایه‌گذاران خارجی که تعصبی نسبت به سرمایه‌گذاری در ایران ندارند، بنابراین کشوری را برای سرمایه‌گذاری خود انتخاب

می‌کنند که شرایط بازدهی آن بیشتر باشد. فرض کنید فردی قصد سرمایه‌گذاری در ایران داشته باشد. با توجه به وضعیت نرخ ارز، آیا سودآوری سرمایه‌گذاری مانند ۱۰ سال قبل است؟

متأسفانه سرمایه‌گذاران داخلی ما درگیر مسائلی هستند که انگیزه سرمایه‌گذاری را از آنها می‌گیرد. فرض کنید یک سرمایه‌گذار به خاطر بدهی مالیاتی ممنوع‌الخروج شود، آیا انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری اصلاً می‌ماند؟ قوانین فضای کسب‌وکار نیازمند اصلاح است؛ به‌خصوص در شرایطی که اسیر تحریم‌های خارجی هستیم. در این شرایط نباید خودمان با قوانین داخلی جلوی پیشرفت سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی واقعی را بگیریم. برخی می‌گویند که چون تحریم هستیم، امکان اصلاح قوانین مربوط به فضای کسب‌وکار وجود ندارد اما به اعتقاد من همین الان زمان اصلاح است. با این وجود متأسفانه آنچه در عمل اتفاق افتاده است سخت کردن روزبه‌روز قوانین و مقررات است. رونق اقتصادی به حرف نیست. باید تصمیم بگیریم که آن را اجرا کنیم. چون در حین اجراست که می‌توانیم اشتباهات خودمان را پیدا کنیم و برای حل آنها برنامه‌ریزی کنیم. با یک مثال ساده توضیح می‌دهم، آشپز اگر مزه حلوا را نچشیده باشد، می‌تواند بگوید شیرین است یا نه؟ بنابراین باید اول حلوا پخته شود تا آن را بچشیم و ایراداتش را پیدا کنیم.

بخش خصوصی باید آزاد باشد اما متأسفانه بخش خصوصی در همه دوره‌ها کوچک شده است. معتقدم باید فرهنگ سرمایه‌داری در کشور تقویت شود. آموزش‌ها باید از دوران مدرسه داده شود تا کودکان ما از همان بچگی با فرهنگ کارآفرینی آشنا شوند و یاد بگیرند که سرمایه‌داری و کارآفرینی در کشور محترم است. از طرفی قوانین و مقررات برای سرمایه‌گذاران و فعالان بخش خصوصی تسهیل شود. بیشتر قوانین و مقرراتی که در حال حاضر وجود دارد به هیچ‌وجه در راستای رفع موانع تولید نیست. در کشورهای خارجی برای نمونه اگر بخشودگی جرایم مالیاتی امسال ۲۰ درصد باشد ممکن است که سال بعد ۲۲ درصد شود؛ اما هیچ‌وقت به ۱۸ درصد نمی‌رسد. به این دلیل که همیشه اصل بر ساده‌سازی یا تعدیل قوانین است اما در کشور ما کاملاً برعکس است.





تبیین روابط بدهی‌های دولت با متغیرهای مرتبط در سیستم بانکی

پیامدهای بدهی‌های دولت می‌بایست این نکته را در نظر داشت بدهی‌های دولت بسته به نوع و اندازه آن دارای پیامدهای متفاوتی بر اقتصاد کلان می‌باشد، بنابراین سیاست‌گذار با آگاهی از این پیامدها می‌تواند ترکیبی از نوع و اندازه بدهی‌ها ایجاد نماید که اولاً دولت توان باز پرداخت بدهی‌ها را داشته باشد، ثانیاً شرایط مساعدی برای اصلاح ساختار اقتصادی دولت ایجاد شود. از این رو بدهی‌های دولت می‌بایست به گونه‌ای ایجاد شود که پایداری بدهی را تأمین نماید در شرایطی که بدهی دولت پایدار باشد سطح بدهی یا پایین می‌آید یا بدون تغییر باقی می‌ماند و این به معنای کسری مالی صفر نیست که اگر نسبت بدهی از نرخ رشد GDP بالاتر رود بدهی دولتی تبعات اقتصادی را در پی خواهد داشت. که از مصادیق بارز آن می‌توان به آثار منفی بدهی‌های دولت بر نظام بانکی از کانال پایه پولی و متغیرهای آن اشاره نمود.

به همین منظور الزام جدیدی تحت عنوان پایداری بدهی در فضای کلان اقتصادی ضرورت می‌یابد، پایداری بدهی در واقع نوعی تعادل پویاست که به تغییر در سیاست‌های مالی نیاز ندارد و به ثبات مالی بلندمدت مربوط است زمانی که کسری‌های دولت افزایش می‌یابد

فعالیت‌های حاکمیتی و تصدی‌گری بسته به نظام و ساختار اقتصادی حاکم، نیازمند هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای و تأمین مالی این هزینه‌هاست. بر اساس اصول مالیه عمومی مالیات‌ها عمده‌ترین منبع تأمین مالی هزینه‌های جاری دولت‌ها را تشکیل می‌دهند و فروش دارایی‌های سرمایه‌ای (واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای) هزینه‌های سرمایه‌ای را پوشش می‌دهد. دولت مجاز است دو تراز عملیاتی و تراز واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای را بنا به مصالح جامعه با کسری یا مازاد در مقاطعی مواجه کند مشروط بر اینکه ارزش حال مجموع مازادها با مجموع کسری‌ها در هر یک از دو تراز طی دوره زمانی مشخص برابر صفر باشد. زمانی که اندازه دولت به صورت غیربهبینه توسعه یابد درآمدهای مالیاتی دولت جوابگوی هزینه‌ها نمی‌باشد و این کسری حتی با ایجاد مازاد در تراز دارایی‌های سرمایه‌ای قابل جبران نخواهد بود. در این حالت کسری بودجه مزمن یا ساختاری ایجاد خواهد شد. در چنین شرایطی دولت تا زمان اصلاح ساختار اقتصادی مجبور به ایجاد مازاد در تراز واگذاری دارایی‌های مالی و انباشت بدهی است.



دیون دولت در مخاطره قرار می‌گیرد و می‌بایست رفتار مالی از قواعد معینی تبعیت نماید تا بتواند این اهداف را تامین نماید. ناپایداری بدهی آثار منفی و بازدارنده‌ای بر اقتصاد کشورها دارد و مانع از ایفای تعهدات دولت نسبت به دیون خود می‌شود که این موضوع منجر به بی‌انضباطی مالی و اخلال در رشد اقتصادی می‌شود. البته دیدگاه‌های متفاوت و متعددی در این زمینه وجود دارد که به تعدادی از آنها در ذیل پرداخته خواهد شد.

برخی از مطالعات بر این تاکید دارند که افزایش بدهی دولت تا حدی برای افزایش رفاه عمومی به چند روش امکان‌پذیر است. اول اینکه بدهی‌های دولتی می‌تواند برای پس‌انداز استفاده شود در نتیجه علاوه بر سرمایه، بازده پس‌انداز نیز افزایش می‌یابد که باعث بهبود رفاه مالی می‌شود و دوم اثر برون فکنی سرمایه‌گذاری باعث افزایش نرخ بهره، نرخ مالیات و کاهش نرخ دستمزد می‌شود (تاکاجیما و تاکاشی ۲۰۱۷)

مینسکی (۱۹۸۶) با تاکید بر اینکه ماهیت اقتصاد سرمایه داری آن است که به مرور زمان تعهدات بدهی از حد تعادلی خود پیشی می‌گیرد علت اصلی اختلالات نظام مالی را افزایش این نوع بدهی‌ها و کاهش پیش از حد حاشیه ایمنی میدانند او معتقد است افزایش سرمایه‌گذاری بیشتر توسط وام‌ها صورت می‌گیرد و بنگاه‌ها با توجه به وجود انتظارات از آینده پر رونق نه تنها برای

بازپرداخت اصل بدهی‌های گذشته و (تامین مالی سفته بازانه) بلکه برای بازپرداخت بهره‌های آنان نیز متقاضی وام هستند (بازری پونزی) با این حساب به مرور زمان تعهدات بدهی اتکای کمتری به جریان واقعی سودها پیدا می‌کنند که این کاهش اتکاء، به نوبه خود باعث فعال شدن ساز و کار، افزایش شکنندگی و حرکت به سمت بحران مالی می‌شود و این دقیقاً چیزی است که بحران اخیر آن را بر اساس نظام بانکداری متعارف به اثبات رسانید.

بر اساس دیدگاهی از کینز بدهی‌های دولت باعث کاهش پس‌انداز ملی و خنثی شدن انباشت سرمایه می‌شود همچنین ریکاردو بر این باور است که بدهی‌های دولت با مالیات‌ها در آینده برابر است و اگر مصرف‌کنندگان آینده نگر باشند آنگاه بدهی‌های دولت هیچ تاثیری بر پس‌انداز ملی نخواهد داشت.

با توجه به ادبیات مذکور هر چند سطح بالای بدهی مانعی برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود اما تسویه آن از طریق ایجاد تورم و سوسه‌انگیز است.

زمانی بدهی دولت ایجاد نگرانی می‌کند که کسری بودجه دولت به قدری بزرگ باشد که نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی افزایش یابد در چنین حالتی بدهی دولت کاملاً دارایی‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و جان‌شینی

جبری به قدری زیاد می‌شود که می‌بایست از ابزارهای دیگری همچون ایجاد تورم و وضع مالیات‌های اضافی برای متعادل کردن آن استفاده نمود این امر منجر به تورم بالا می‌شود که ارزش واقعی ذخیره دولت را کاهش می‌دهد با توجه به اینکه دولت متعهد به پرداخت بدهی بر اساس ارزش اسمی می‌باشد این بدهی‌ها به تدریج محو می‌شود. این در حالی است که به تعویق انداختن کسری بودجه و در نتیجه انباشت بدهی‌های دولت سبب افزایش نگرانی در مورد عرضه پول از سوی افراد و بخش خصوصی می‌شود که افزایش تدریجی نرخ‌های بهره، تورم و افزایش فاصله بین نرخ بازگشت اوراق دولتی و نرخ بازگشت سرمایه از تبعات آن است.

از دیگر تبعات ناپایداری بدهی بالاخص در ایران که جز کشورهای صادرکننده نفت محسوب می‌شود، صرف درآمدهای حاصل از فروش نفت برای بازپرداخت بدهی‌ها و مخارج مصرفی می‌باشد این در حالی است که در یک اقتصاد متعادل این نوع از درآمدها می‌بایست صرف سرمایه‌گذاری‌ها و زیربنای اقتصادی گردد از این رو اتخاذ مکانیسمی که بتواند کسری بودجه را پوشش دهد و بدهی را در پایین‌ترین سطح ممکن تثبیت کند ضرورت می‌یابد

بر اساس آنچه گفته شد در اقتصاد زمانی که دولت‌ها با کسری مواجه می‌شوند می‌توانند آن

به بیان ساده‌تر افزایش و کاهش نرخ بهره باعث جذب یا دفع پول از بانک‌ها می‌شود و همین کار می‌تواند میزان پول در دست مردم و سایر بازارها را تحت تأثیر قرار دهد.

به‌طور طبیعی، تحت شرایط عرضه و تقاضا نرخ تعادلی سود بانکی تعیین می‌شود. و این نرخ بهترین روش برای هدایت منابع مالی به سمت توزیع بهینه در بخش‌های مختلف اقتصادی و جلوگیری از اتلاف آن محسوب می‌شود.

در حالی که تعیین دستوری نرخ سود بانکی کمتر از نرخ تعادلی، از یک طرف موجب اضافه تقاضا برای منابع مالی و در نتیجه آن جیره‌بندی منابع و به تبع آن ایجاد رانت می‌گردد و از طرف دیگر موجب افزایش احتمال به کارگیری منابع در پروژه‌هایی ناموجه به لحاظ اقتصادی می‌گردد که بازدهی لازم و مناسب ندارند.

در شرایطی که دولت در تعیین این متغیر دخالت می‌نماید کارایی مهم‌ترین متغیر سیستم بانکی به شدت مخدوش می‌شود و تعیین این موضوع به‌واسطه عدم تناسب آن با تورم و به منظور حمایت از تولید، به یک چالش در سال‌های اخیر تبدیل شده و مقاومت‌های موجود در بانک مرکزی برای کاهش و تعیین دستوری نرخ سود بانکی و اجرای سیاست‌های انقباضی، بیانگر یک وضعیت بحرانی در سیستم پولی - بانکی کشور دارد که نشانگر مشکلات عمیق و ساختاری در این حوزه از اقتصاد ایران است.

نرخ سود واقعی منفی یا نزدیک به صفر سپرده‌ها در سال‌های اخیر منجر به بروز پدیده سرکوب مالی شده است. نرخ سود تسهیلات کمتر از نرخ تورم عملاً منجر به جریان توزیع ثروت از سپرده‌گذاران به دریافت‌کنندگان تسهیلات خواهد بود. به عبارت دیگر شبکه بانکی در اثر سیاست‌های دولت تبدیل به وسیله‌ای می‌شود که از سپرده‌گذاران به نفع دریافت‌کنندگان تسهیلات توزیع ثروت می‌کند. تعیین چنین نرخ‌های سود بانکی به شیوه دستوری و بدون تناسب با نرخ تورم علاوه بر اینکه می‌تواند منتج به زیان‌های جبران‌ناپذیری برای اقتصاد ملی گردد.

در طرف سپرده‌گذاران نظام بانکی، نرخ‌های سود بانکی حقیقی منفی موجب کاهش انگیزه مردم برای سپرده‌گذاری در سیستم بانکی گردیده و برای کسب منفعت یا حداقل حفظ ارزش منابع مالی پس‌انداز شده خود، آنها را به خرید دارایی‌هایی مانند طلا، زمین و کالاهای با دوام

بانک برای تنظیمات مناسب پول و نقدینگی، اوراق قرضه دولتی که در دست مردم می‌باشد، خریداری کرده یا می‌فروشد.

زمانی که دولت بواسطه کسری‌های ایجاد شده از بانک مرکزی استقراض می‌نماید، در واقع بدهی‌های خود به بانک مرکزی را افزایش می‌دهد که در نتیجه آن پایه پولی افزایش می‌یابد گسترش هزینه‌های دولت و پایین بودن سطح درآمدهای نفتی، در سال‌های دهه هفتاد و کسری بودجه شدید دولت و تأمین بخش اعظم این کسری از طریق استقراض از بانک مرکزی به عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد پول پر قدرت شاهدهی بر این ادعاست. از دیگر مصادیق این امر می‌توان به افزایش درآمدهای نفتی از سال ۱۳۸۱ و ادامه روند آن از سال ۱۳۸۴، وابستگی بیش از حد هزینه‌های دولت به درآمدهای نفتی و در نتیجه تأمین بودجه دولت از طریق فروش درآمدهای ارزی حاصل از نفت به بانک مرکزی اشاره نمود که خالص دارایی‌های بانک مرکزی را افزایش داده و منجر به مهم‌ترین منبع افزایش پایه پولی شد.

این در حالی است که بانک مرکزی از میان منابع پایه پولی تنها بر بدهی بانک‌های تجاری و سایر موسسات اعتباری به بانک مرکزی و سایر دارایی‌های در اختیار خود کنترل دارد و نیز می‌تواند به وسیله عملیات بازار باز (خرید و فروش اوراق مشارکت دولت یا بانک مرکزی) به صورت محدودی حجم پایه پولی را کنترل نماید. بنابراین آشکار است که تحت تسلط سیاست‌های مالی بر نظام پولی، بانک مرکزی از قدرت کافی برای تعیین پایه پولی و تنظیم حجم پول به عنوان یکی از متغیرهای کلیدی جهت مدیریت نظام پولی، برخوردار نیست. گسترش سهم بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی و نیز بدهی دولت به بانک مرکزی در پایه پولی چالشی مهم است که اقتصاد کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

از این‌رو مدیریت پایه پولی برای جلوگیری و کنترل پیامدهای منفی همچون تورم ضرورت می‌یابد مدیریت پایه پولی به روش عملیات بازار باز و نرخ بهره امکان‌پذیر می‌باشد.

در روش عملیات بازار باز بانک مرکزی با خرید و فروش اوراق قرضه در زمان کاهش یا افزایش تقاضا برای پول با سود ثابت و معین بازار پول را کنترل می‌نماید.

روش دیگر کنترل پایه پولی، نرخ بهره است.

را از طریق استقراض داخلی و انتشار اوراق یا استقراض خارجی تامین کنند استقراض داخلی ممکن است از بانک‌های تجاری و مرکزی و حتی خانوارها باشد که منجر به افزایش بدهی داخلی دولت می‌شود.

از مهم‌ترین حقایق آشکار شده در اقتصاد ایران، بانک محور بودن نظام مالی در ایران و روند رو به رشد نقش دولت در اقتصاد کشور است که بسیار جای تامل و توجه دارد.

مطالب به شرح فوق به تبیین منشأ بدهی‌های دولت و پیامدهای آن پرداخته است، از آنجا که بدهی‌های دولتی بخش مهمی از منابع پایه پولی را تشکیل می‌دهد و از این کانال بر سایر متغیرهای پولی و بانکی همچون نقدینگی و سیاست‌گذاری‌های پولی تأثیر می‌گذارد از این‌رو در ذیل به بیان مفهوم و ساختار و عملکرد برخی متغیرهای سیستم بانکی و روابط آن با بدهی‌های دولت پرداخته شد.

متغیرهای نظام بانکی و بدهی‌های دولت

مهم‌ترین متغیر در تعیین حجم پول و نقدینگی، پایه پولی است و عبارت است از پولی که مستقیماً توسط بانک مرکزی به وجود می‌آید و شامل موارد ترازنامه بانک مرکزی می‌شود. به بیانی ساده، پول پر قدرت برابر است با جمع اسکناس و مسکوک، مسکوک به علاوه سپرده‌های بانکی نزد بانک مرکزی. در واقع پایه پولی، منبعی است که توسط بانک مرکزی منتشر شده و در چرخه اقتصاد در اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که بانک‌ها می‌توانند با استفاده از این منابع و از طریق خلق پول بانکی به گسترش حجم پول بپردازند. پایه پولی از سمت منابع شامل طلا، خالص دارایی‌های خارجی، خالص بدهی دولت به بانک مرکزی، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و سایر دارایی‌های بانک مرکزی می‌شود و از سمت مصارف اسکناس و مسکوک در دست مردم، نقدینگی موجود در صندوق بانک‌ها، ذخایر قانونی یا ذخایر اضافی به اضافه کل ذخایر اضافی نزد سیستم بانک مرکزی را در بر می‌گیرد.

در کشورهایی که بانک مرکزی فاقد استقلال است یا نظام مالیاتی ضعیفی دارند دولت برای تامین کسری بودجه خود از بانک مرکزی قرض می‌گیرد و کسری خود را پولی می‌کند. اما در کشورهایی که بانک مرکزی استقلال دارد، این



دولتی به نظام بانکی (شامل بدهی و سپرده آنها) نزد بانکها، (بدهی بخش غیر دولتی به نظام بانکی، پول) شامل اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و سپرده‌های دیداری نزد بانکها اشاره نمود.

نرخ رشد بالای نقدینگی در سال‌های اخیر حاکی از عدم موفقیت سیاست‌گذاران در کنترل نقدینگی است، به روایت کارشناسان اقتصادی تبدیل دلارهای نفتی به ریال و تزریق آن به اقتصاد کشور، سیاست‌های انبساطی بودجه‌ای بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و بستری رشد اقتصادی، اعطای دستوری تسهیلات بانکی به ویژه به بخش دولتی برای جبران نقدینگی آنها، کسری بودجه پنهان دولت و افزایش هزینه‌های جاری، ناتمام ماندن طرح‌های عمرانی و سنگین‌تر شدن کفه تقاضا در برابر عرضه، ابهام در بهره‌وری و مدیریت بنگاهداری دولتی و جبران کاستی‌های آنها با ابزارهای پولی، خلق نقدینگی توسط موسسات اعتباری خارج از نظارت بانک مرکزی، حجم بدهی دولت به نظام بانکی (به واسطه شدت گرفتن تحریم‌ها و کسری بودجه ناشی از آن) و افزایش بی‌رویه بدهی‌های معوق و برداشت بی‌رویه و فاقد پشتوانه لازم از خزانه از عمده دلایل افزایش نقدینگی در سال‌های اخیر محسوب می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رابطه تقریباً یک طرفه‌ای بین بدهی‌های دولت و متغیرهای بانکی در صورت عدم استقلال بانک مرکزی برقرار است که از آنجا به سلطه مالی دولت تعبیر می‌شود، از آنجا که بدهی‌های دولت بخشی از پایه پولی محسوب می‌شود، رشد بدهی‌های دولت ناشی از عواملی همچون کسری بودجه و... منجر به رشد پایه پولی و در نتیجه افزایش نقدینگی می‌شود، از طرفی دولت ممکن است، در قالب تصویب‌نامه‌ها بانکها را ملزم به اعطای تسهیلات به بخش‌های مختلف نماید این موضوع نیز منجر به افزایش بدهی بانکها به بانک مرکزی می‌شود از آنجا که این نوع از بدهی هم بخش دیگری از پایه پولی را شامل می‌شود رشد آن منجر به افزایش پایه پولی، نقدینگی و سایر پیامدهای اقتصادی می‌گردد از طرفی تعیین نرخ دستوری بهره توسط دولت که به منظور تحقق اهدافی خاص همچون حمایت از تولید یا سرمایه‌گذار و... صورت می‌گیرد به نوبه خود منجر به آسیب‌های جدی در نظام بانکی می‌شود.



به بانکها برای اعطای وام و تامین نقدینگی خواهد آورد و از این جهت، بر جریان نقدینگی تاثیرگذار خواهد بود.

بعضاً مفاهیم دیگری در تحلیل‌های اقتصاد کلان همچون عرضه پول یا نقدینگی مترادف با پایه پولی به کار می‌رود که تفاوت مشهودی با پایه پول دارند، بدین معنی که عرضه پول به کل پول‌ها و دارایی‌هایی که در کشور جریان دارند اطلاق می‌شود به این ترتیب در مورد حجم پول هر عاملی که سبب افزایش پایه پولی شود، عرضه (حجم) پول را افزایش می‌دهد. مقدار تغییر در عرضه (حجم) پول برابر است با ضریب فزاینده (تکائیری) خلق پول ضرب در تغییر پایه پولی، پایه پولی، نسبت اسکناس به سپرده، نرخ ذخیره قانونی و نرخ ذخیره اضافی از جمله عواملی هستند که بر حجم پول موثرند. نقدینگی نیز مفهوم متفاوتی است که برای میزان نقدشوندگی یک دارایی استفاده می‌شود. به بیانی دیگر می‌توان نقدینگی را میزان پول در جریان در هر مملکت عنوان کرد که بانک مرکزی پایه پولی را به عنوان یک دارایی نقدشونده در بازار به اجرا در می‌آورد از جمله عوامل موثر بر نقدینگی می‌توان به خالص دارایی‌های خارجی نظام بانکی (شامل دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و بانکها و نیز بدهی ارزی آنها)، خالص بدهی بخش

تخصیص دهند، نرخ بهره بین بانکی همزمانی که بانکها دچار کسری بودجه می‌شوند از یکدیگر استقراض می‌کنند و بانک وام‌دهنده سود دریافت می‌کند که میزان آن توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود. تغییرات این سود بر روی میزان نرخ بهره‌ای که بانک‌های برای حساب‌های بلندمدت، کوتاه‌مدت و... تصویب می‌کنند؛ موثر خواهد بود نرخ بهره بین بانکی در ایران تا حد زیادی به نرخ بهره ریپو نزدیک است و می‌توان با اغماض این دو مفهوم را معادل یکدیگر قرار داد.

نرخ ریپو توسط مقامات پولی برای کنترل تورم استفاده می‌شود. در صورت تورم، بانک‌های مرکزی نرخ ریپو را افزایش می‌دهند، زیرا این امر به عنوان بازدارنده بانکها برای استقراض از بانک مرکزی عمل می‌کند. این در نهایت باعث کاهش عرضه پول در اقتصاد می‌شود و در نتیجه به مهار تورم کمک می‌کند. البته باید توجه داشت که این گزاره در خصوص نظام‌های اقتصادی با نرخ بهره شناور مصداق بیشتری دارد و در ایران که نرخ بهره بانکی به صورت دستوری اعمال می‌شود، نرخ بهره بین بانکی به صورت مستقیم و لحظه‌ای بر نرخ بهره رایج تاثیرگذار نیست اما باعث کاهش یا افزایش قدرت وام‌دهی بانک‌های تجاری می‌شود و از این طریق در طول زمان مثلاً بالا بودن نرخ بهره بین بانکی، فشار زیادی



شورای نگهبان با ایراد به شرط حذف شرط سنی، آن را مغایر با اصل ۷۵ دانست و اعلام نمود با توجه به حذف شرط سنی ۴۵ سال برای مردان و ۴۰ سال برای زنان مذکور در تبصره ۲ ماده واحده لایحه دولت، از این جهت که در موارد دولتی شامل افرادی نیز می‌شود که با کمتر از حداقل شرط سنی مذکور بازنشسته می‌گردند مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی تشخیص داده شد. اصل ۷۵ قانون اساسی اعلام می‌دارد: طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تامین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد. پس از ایراد شورای نگهبان و پافشاری نمایندگان مجلس به مصوبه خود، موضوع در مجمع تشخیص مصلحت ارجاع داده شد که مجمع نیز نظر نمایندگان مجلس را تصویب نمودند که تاکنون در حال اجرا است و مشکلات آن نمایان شده است.

علاوه بر موضوعات فوق، در مجلس‌بندی به این تبصره افزوده شد مبنی بر اینکه: کارفرمایان کلیه کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی که تمام یا برخی از مشاغل آنها حسب تشخیص مراجع ذی‌ربط سخت و زیان‌آور اعلام گردیده یا خواهند گردید، مکلفند ظرف دو سال از تاریخ تصویب این قانون نسبت به ایمن‌سازی عوامل شرایط محیط کار مطابق حد مجاز و استانداردهای مشخص شده در قانون کار و آیین‌نامه‌های مربوطه و سایر قوانین موضوعه اقدام نمایند. هدف قانونگذار از این بند، بهبود محیط کارگاهی و برطرف کردن صفت سخت و زیان‌آوری بوده است. به این صورت که با ایمن‌سازی محیط کارگاه، رفته رفته کارگاه‌ها از فهرست کارگاه‌های سخت و زیان‌آور خارج شوند و در واقع افزایش ۴ درصدی حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور با هدف تشویق کارفرمایان به حذف سختی و زیان‌آور بودن کارگاه‌ها بوده و جریمه کردن محیط‌های سخت و زیان‌آور.

جزو موانع تولید و کسب و کار خود معرفی می‌کنند و در جلسات کمیته‌های پیگیری مشکلات صنعت نیز نواقص و مشکلات ناشی قانون و آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور مطرح بوده است.

سوابق قانونی

بر اساس تبصره اولیه ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴، کسانی که در مناطق بد آب و هوا و کارهای سخت و زیان‌آور اشتغال داشته باشند با ۲۰ سال متوالی یا ۲۵ سال متناوب به شرط داشتن ۵۵ سال می‌توانستند بازنشسته شوند. در سال ۷۱ با اصلاح این تبصره، این شرط سنی برای آقایان، ۵۰ سال و برای خانمها ۴۵ سال در نظر گرفته شد. پیرو آن و در سال ۱۳۷۹ دولت وقت لایحه‌ای را برای اصلاح مجدد این تبصره تقدیم مجلس نمود که سن بازنشستگی در این مشاغل را به ۴۵ سال برای آقایان و ۴۰ سال برای خانمها کاهش داد. همچنین بر اساس این لایحه ۲ درصد به نرخ حق بیمه مقرر در قانون تأمین اجتماعی افزوده شد که پیشنهاد شد در صورت تقاضای مشمولان قانون، به‌طور یکجا یا به‌طور اقساطی توسط کارفرمایان پرداخت شود. اما این پیشنهادات در صحن علنی مجلس با تغییرات زیادی همراه شد، در خصوص شرط سنی بازنشستگی، با پیشنهاد یکی از نمایندگان شرط سنی حذف شد و بر آن اساس کسانی که ۲۰ سال متوالی یا ۲۵ سال متناوب به کار سخت و زیان‌آور مشغول باشند می‌توانند بدون شرط سنی تقاضای بازنشستگی نمایند. همچنین افزایش نرخ حق بیمه تأمین اجتماعی ۴ درصد تصویب شد و مقرر شد بیمه‌شدگانی که دارای سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور به تاریخ قبل از تاریخ تصویب این قانون باشند می‌توانند با استفاده از مزایای قانون درخواست بازنشستگی نمایند در این صورت کارفرمایان مکلفند حق بیمه مربوطه و میزان مستمری برقراری را و همچنین چهار درصد (۴٪) میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل از قانون را یکجا به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نمایند.



مستمری مطالبه می‌شود که این امر یعنی عطف به ماسبق کردن قانون که موجب تحمیل هزینه‌های گزاف برای شرکتها گردیده است.

الف- مسائل و مشکلات قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و آیین‌نامه مربوطه

از تاریخ اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور مشکلات گوناگونی بروز یافته است. عملکرد ضعیف کمیته‌های تشخیص کارهای سخت و زیان‌آور، مشکلات بسیاری را به وجود آورده به طوری که نیروهای ماهر و متخصص از بدنه تولید و صنعت جدا شده‌اند و بار مالی فراوانی بر کارفرمایان به وجود آمده و در آخر به لحاظ برخورداری تعداد بسیار زیادی از کارگران از حمایت‌های قانون مذکور هزینه هنگفتی برای سازمان تامین اجتماعی صورت گرفته است. در ادامه به برخی از این مشکلات اشاره شده است:

احراز شرایط سخت و زیان‌آوری
 مشاغل سخت و زیان‌آور در هر واحد تولیدی بایستی با توجه به سوابق و بررسی شرایط کار و بازدید توسط کارشناسان مطلع و ذریب‌ت تعیین شود و سپس حکم شغل سخت و زیان‌آور احراز شود. تعیین سخت و زیان‌آور بودن شغل یا مشاغل بر اساس بررسی سوابق و شرایط محیط کار و توسط کمیته کارشناسان موضوع ماده (۲) آیین‌نامه و متعاقباً کمیته استانی مربوطه مشخص می‌شود و در مورد کارگاه‌هایی که دیگر وجود ندارند یا دچار تغییر شده‌اند مبهم است. همچنین در مورد مشمولانی که شاغل نیستند و کارفرمایی ندارند و در سنوات قبل بازنشسته شده‌اند موضوعیت پیدا نمی‌کند.

افزایش هزینه بنگاه‌های اقتصادی و سازمان تامین اجتماعی در حال حاضر هنگام بازنشسته کردن کارگرانی که در مشاغل سخت و زیان‌آور فعالیت می‌کنند و برای سال‌های قبل از تصویب قانون، کارگر در آن مشاغل فعال بوده است، به موجب اجزاء ۴ و ۶ بند (ب) قانون فوق درخواست ۴ درصد حق بیمه و سنوات سال‌های قبل را به همراه جرایم آن مطالبه می‌کنند که نه تنها موجب افزایش هزینه بنگاه‌های اقتصادی می‌شود بلکه هزینه سازمان تامین اجتماعی نیز برای پرداخت مستمری آنها افزایش پیدا کرده است.

به موجب این قانون، کارفرمایان موظف هستند، ظرف دو سال، کارگاه خود را استانداردسازی کنند. صاحبان کارگاه‌های جدیدالتاسیس نیز باید گواهی استاندارد و ایمنی را دارا باشند. این بخش از قانون را نهادهای متولی، اجرایی نکرده‌اند. در صورتی که هدف قانون گذار حفظ و سلامتی نیروهای کار و همچنین رفع صفت سخت و زیان‌آور یا استانداردسازی محیط کار و کاهش ساعت کار مطابق ماده ۵۲ قانون کار بوده است.

عطف به ماسبق شدن قانون در پرداخت حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور توسط کارفرما

با بررسی مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس در هنگام تصویب این قانون و پرداختن به موضوع مشاغل سخت و زیان‌آور، بیشتر مباحث پیرامون مشاغل بوده است که ماهیتاً سخت و زیان‌آور هستند از جمله کار در معدن یا کار با مواد شیمیایی؛ به عنوان مثال اظهار نظر یکی از نمایندگان هنگام دفاع از لایحه در مجلس به شرح زیر است: اینها در کارهایی مشغول هستند که که ریه آنها، دستگاه‌های تنفسی و شریانهای

با اجرایی شدن قانون مشاغل سخت و زیان‌آور از سال ۱۳۸۰، برای مدت سوابق اشتغال قبل از قانون فوق، اعلامیه‌های تامین اجتماعی شامل ۴ درصد مستمری و ۴ درصد حق بیمه صادر می‌گردد یعنی برای دوره‌های قبل از اجرایی شدن قانون (قبل از سال ۱۳۸۰) ۴ درصد حق بیمه و



دهند بسیاری از مشاغلی که طی سنوات اخیر مشمول قانون به اصطلاح «سخت و زیان‌آور» شده‌اند مشمول نخواهند شد. در قانون مشاغل سخت و زیان‌آور تمهیدات متعددی برای اصلاح و بازنگری ویژگی‌های سخت و زیان‌آور بودن کارها پیش‌بینی شده است که هیچ‌کدام از آنها به صورت جدی و موثر اجرایی نمی‌شود و تنها بازنشستگی پیش از موعد است که به اجرا درمی‌آید. اراده قانونگذار در این موضوع، حذف عوامل زیان‌آور از محیط کار بوده است و شرایط محیط کار با اجرای تکالیف این قانون باید به سمتی می‌رفت که محیط کار عاری از عوامل مخل سلامتی نیروی انسانی کار می‌شد. باید کارفرمایان به سمت اصلاح موارد مربوط به سختی کار در کارگاه‌های فعال حرکت کنند تا تعداد افراد بازنشسته براساس این قانون کاهش یابد. با انجام این اقدامات می‌توان از برخی بازنشستگی‌های پیش از موعد در تأمین اجتماعی جلوگیری کرد و در کاهش مصارف سازمان نیز تأثیر خواهد داشت.

لحاظ شدن شرط سنی برای بازنشستگی پیش از موعد به ویژه قانون مشاغل سخت و زیان‌آور اکنون ۷۰ درصد بازنشستگی‌های پیش از موعد را بازنشستگی افراد شاغل در بخش مشاغل سخت و زیان‌آور تشکیل می‌دهند و سایر گروه‌های مشمول این قانون ۳۰ درصد دیگر بازنشستگان پیش از موعد سازمان را شامل می‌شوند. نداشتن شرط سنی یکی از دلایل افزایش تعداد بازنشستگان پیش از موعد به ویژه در بخش مشاغل سخت و زیان‌آور است. این موضوع باعث شده بازنشستگی بدون شرط سنی افرادی با ۲۰ سال سابقه کار در مشاغل سخت و زیان‌آور، منجر به بازنشستگی افراد در

ساعت کار امکان تجدید قوا به نیروی کار داد. لذا در قانون مورد بحث و مقررات تکمیلی آن به سخت و زیان‌آور اشاره شده یعنی استنباط این است که هر دو مورد باید با هم دیده شود. از این رو باید به ماده ۵۲ قانون کار و فصل چهارم قانون کار در خصوص بهداشت و ایمنی کار توجه کافی نمود و در راستای رفع صفت سخت و زیان‌آوری اقدام کرد. آنچه در سنوات گذشته تقریباً توجه کافی و لازم به آن نشده است اندازه‌گیری بوده که ضروری است به نحوی از انحا در اصلاحیه آورده شود و تعریف سخت و زیان‌آور، درجه‌بندی آنها و نسبت سختی مشاغل هم معین گردد. همچنین ضروری است در این اصلاحیه تأکید شود این قانون از زمان تصویب به بعد لازم الاجرا است و عطف به ما سبق نخواهد شد. در ادامه به برخی از راهکارها و پیشنهادات اصلاحی جهت اصلاح قانون و آیین‌نامه اشاره شده است.

توجه به حفاظت و بهداشت کار به عنوان هدف اصلی قانون مشاغل سخت و زیان‌آور

با ملاحظه مقررات درج شده در قانون کار در مورد کارهای سخت و زیان‌آور چنین استنباط می‌شود مهم‌ترین نیت قانونگذار حفظ و سلامتی نیروی کار بوده است. به همین خاطر بر کم شدن ساعت کار و استفاده بیشتر از مرخصی استحقاقی و رفع مشکلات ناشی از ماشین‌آلات و ابزار کار (استاندارد شدن آنها) و اعمال مقررات بهداشتی (که معمولاً دربرگیرنده محیط کار نیز می‌باشد) تأکید شده است. به عبارت دیگر چنانچه نهادهای مشمول (وزارت کار، وزارت صنعت، سازمان استاندارد و...) به درستی و با دقت فصل چهارم قانون کار در خصوص «حفاظت و بهداشت کار» را رعایت نمایند و زیرساخت‌های لازم را قبل از بهره‌برداری کارگاه انجام

چطور رای به سخت و زیان آور بودن می‌دهند؟ وقتی کارفرمایی نداند که کارگاهی سخت و زیان آور است چگونه می‌تواند اصلاحی انجام دهد؟ همانطور که در بالا ذکر شد اگر شرایطی فراهم شود که سخت و زیان آور بودن مشاغل در زمان اجرا مشخص شود و کارگاه‌ها گواهی سالانه حفاظت دریافت نمایند می‌توان شرایطی را پیش‌بینی نمود تا حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور را به صورت ماهانه پرداخت نمود.

سطح‌بندی مشاغل سخت و زیان آور

در حال حاضر کلیه ضرایب در تمام گروه‌ها یکسان است و ضرایب باید تغییر کند. به عنوان مثال مشاغل گروه ب که ماهیتا سخت و زیان آور هستند با همان ضریب ۱٫۵ محاسبه شود. یعنی هر یک سال کار، یک سال و نیم سابقه کار در نظر گرفته شود، و به ترتیب سطوح شغلی دیگر بسته به میزان سخت و زیان آور بودن ضرایب پایین‌تری داشته باشند که این امر مستلزم اصلاح قانون است. در کمیسیون همه کارگران با ضریب یک و نیم بازنشسته می‌شوند. به‌طور مثال کارگری با سابقه ۲۰ سال و در نظر گرفتن ضریب یک و نیم، بازنشسته می‌شود که غیرمنصفانه است. یعنی کارگری که در عمق ۴۰۰ متری زمین کار می‌کند با یک کارگر ساده نانوائی یکسان محاسبه می‌شوند. بهتر است در بحث مشاغل سخت و زیان آور ضرایب متعددی برای مشاغل در نظر گرفته شود، به عنوان مثال ضریب یک و نیم برای معادن، ضریب یک و چهار دهم برای مشاغل در ارتفاع و یک و دو دهم برای مشاغلی مانند نانوابان و کارهای عادی و... تعریف شود.

تصمیم‌گیری کمیته بررسی کارهای سخت و زیان آور بر اساس گزارش‌های فنی و تخصصی

دستگاه‌های مختلف اندازه‌گیری یا کالیبراسیون در زمینه صدا سنجی یا نور سنجی یا هر پارامتر کنترلی دیگری دارای میزان خطای مجاز استاندارد هستند و در کمیته بررسی کارهای سخت و زیان آور حتی با دو دهم اضافه صدای مجاز ۸۵ دسیبل در یک ایستگاه کاری در واحد تولیدی که حداقل یکصد ایستگاه کاری در تولید دارد تمام واحد را حتی با زمینه کارگر ساده مشمول مینماید.

متأسفانه نتیجه این عمل چه خواهد بود کارگر ساده بدلیل عدم تامین مخارج زندگی با ۲۰ سال سابقه و سی روز حقوق بازنشستگی وارد بازار سیاه کار شده و حق بیمه‌ای بسازمان نخواهد پرداخت و کارفرمایان که تعهد در حفظ اشتغال او بمدت ده سال دیگر و پرداخت حق بیمه بسازمان داشتند با یک جریمه نقدی از این تعهد خلاصی یافته و پرداخت حقوق بازنشستگی برقرار شده که با یک محاسبه ساده صندوق تأمین اجتماعی که مربوط به همه بیمه‌شدگان می‌باشد با قطع دریافتی و شروع پرداخت برای بیمه‌شدگانی که با چهل سال سن بازنشسته شده و انشالله برای چهل سال دیگر مستمری قانونی خود را با افزایش سنواتی دریافت خواهند فرمود چه وضعی پیدا خواهد کرد.

سنین حدود ۴۰ سال و حتی کمتر از ۴۰ شود که این اتفاق هم پایداری صندوق‌های بازنشستگی را تهدید می‌کند و با هیچ منطق بیمه‌ای سازگار نیست. در قانون مشاغل سخت و زیان آور باید شرط سنی ۵۰ سال لحاظ شود تا دیگر برخی افراد با سنین بسیار پایین امکان استفاده از این قانون را نداشته باشند.

امکان احصا مشاغل سخت و زیان آور در زمان اشتغال و گواهی سالانه ارزیابی کارگاه

در حال حاضر تشخیص سخت و زیان آور بودن مشاغل در زمان بازنشستگی صورت می‌گیرد و بسیاری از کارفرمایان تا قبل از اینکه کارگری طرح شکایت نکرده باشد از سختی و زیان آور بودن کارگاه خود مطلع نیستند. لازم است کمیته‌های ماده ۵۲ و ۱۸ قانون کار فعال شود تا بصورت سالانه کارگاه‌ها مورد بازرسی قرار گرفته و صفت سخت و زیان‌آوری برای کارگاه‌ها مورد بررسی قرار گیرد. و در پایان هر سال مشخص شود که بخش‌های مختلف یک کارگاه میزان آلاینده‌های آنها برای اساس گواهی سالانه ارزیابی شود و کمیته‌های مربوطه بدون اندازه‌گیری حق تصمیم‌گیری نداشته باشند.

در حال حاضر به موجب ماده ۸۷ قانون کار اشخاص حقیقی و حقوقی که بخواهند کارگاه جدیدی احداث نمایند یا کارگاه‌های موجود را توسعه دهند مکلف‌اند بدو برنامه کار و نقشه‌های ساختمانی و طرح‌های مورد نظر را از لحاظ پیش‌بینی در امر حفاظت فنی و بهداشت کار برای اظهار نظر و تایید به وزارت کار و امور اجتماعی ارسال دارند و بهره‌برداری از کارگاه‌های مزبور منوط به رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی خواهد بود. همچنین در دیگر مواد فصل چهارم قانون کار «حفاظت و بهداشت کار» به‌طور کامل احصاء شده و مشخصاً وظایف کارفرمایان، دولت و کارگران برای رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی تعیین گردیده است.

توجه به این موارد سبب می‌شود تا کارفرمایان بتوانند نسبت به رفع آلاینده‌ها و پاک کردن محیط کارگاه اقدام کنند. این امر به این دلیل است تا کارفرمایی بعد از گذشت ۲۰ سال دفعتاً متوجه نشود که مشمول سخت و زیان آور شده است و مجبور به پرداخت مبلغی به صورت یک جا و به نرخ روز شود. اگر گواهی سالانه ارزیابی کارگاه ارایه شود در پایان هر سال با مشخص شدن عناوین مشاغل سخت و زیان آور، مبالغ مربوط به پرداخت حق بیمه نیز در آن سال تسویه می‌شود.

پرداخت حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور به صورت ماهانه

در خصوص مشاغل گروه ب که ماهیتا سخت و زیان آور هستند این امر اجرایی شود و در زمان اشتغال کارگر این مبالغ به صورت ماهانه پرداخت شود.

در خصوص مشاغل گروه الف، ایراد این است که شغلی بعد از گذشت بیست سال چگونه سخت و زیان آور بودن آن احراز می‌شود، ممکن است کارگاهی در بیست سال پیش طور دیگری اداره می‌شده است. وقتی امکان بازرسی از کارگاه در شرایط شغلی بیست سال پیش امکان‌پذیر نیست



کارفرمایان باید نیروی کار خود را هر سال آزمایش نمایند و در قبل از استخدام نیز گواهی سلامت را دریافت کنند تا کارگر نتواند خسارت و از کار افتادگی ناشی از کار را درخواست کند.

از تاریخ تصویب آیین نامه ۲ سال به کارفرمایان فرصت داده شده برای اصلاح محیط کار اقدام کنند تا از شمول گروه الف بیرون بیایند، اقدامی از طرف کارفرمایان صورت نگرفته است.

به موجب ماده ۵۲ قانون کار در کارهای «سخت و زیان آور» و زیرزمینی ساعات کار نباید از ۶ ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته تجاوز نماید. در صورت رعایت نکردن این موارد کارفرمایان جریمه خواهند شد.

لزوم اعلام نظر کارشناسی و در دقیق در پرونده‌ها

کارفرمایان باید از ظرفیت حضور نمایندگان کارفرمایان در شورای عالی کار و شورای عالی حفاظت فنی نمایندگان استفاده نمایند. نماینده کارفرما در شوراهای حل اختلاف، نظر مخالف خود را به صورت کارشناسی و دقیق ضمیمه پرونده نمایند و زیر امضای خود تاکید نمایند که با این نظر مخالف هستند. این موضوع باعث می شود تا نظر کارفرما و گزارش‌های دفاعی آنها در دادگاه‌های تجدیدنظر و دیوان عدالت اداری دیده شود. چرا که هنگام بررسی پرونده‌ها در دیوان عدالت اداری، هرآنچه در پرونده‌ها وجود دارد بررسی می شود و بر اساس آن تصمیم‌گیری خواهد شد.

لزوم دریافت گواهی بازرسی سالانه

همانطور که در مبحث مربوط به گواهی بازرسی سالانه کارگاه‌ها مطرح شد، در خصوص تاسیس کارگاه و ورود ماشین‌آلات نیز کارفرمایان باید تایید بازرسی را داشته باشند و در صورت وجود مشکل باید اعلام نماید مطابق قانون، ظرف دو سال مشکلات را برطرف خواهند نمود.

اجرای مصوبه شورای عالی کار و شورای عالی حفاظت ۲۳ مورد

این مصوبه اجرایی شود نیازی به هیچ آیین‌نامه دیگری نیست و اینها مشاغلی هستند که نیاز به آلاینده سنجی ندارند.

تقسیم حق بیمه پرداختی میان کارفرما، دولت و کارگر

در مباحث مجلس توجهی به این امر نشده است که محیطی مانند یک معدن را چگونه می توان حالت سخت و زیان‌آوری آن را حذف کرد که ۴ درصد اضافه پرداختی کارفرما کاهش یابد؟ در این مشاغل می توان پیشنهاد داد که ۴ درصد حق بیمه مشاغل گروه ب بین دولت، کارفرما و کارگر تقسیم شود. و در مورد مشاغل گروه الف، ۴ درصد را کارفرما موظف به پرداخت باشد تا انگیزه‌های باشد تا صفت سخت و زیان‌آوری را حذف نماید و از پرداخت این ۴ درصد معاف شود.

ج- توصیه به کارفرمایان

سخت و زیان‌آوری در حوزه پیمان

آیا مسئولیت بهسازی در محیط‌های کاری مربوط به کارفرما است یا پیمانکاران؟ اگر پیمانکاران صرفاً تامین‌کننده نیروی انسانی باشند مسئولیت با کارفرمای اصلی است. بر اساس مصوبه بهمن ماه ۱۴۰۱، پرداخت ۴ درصد باید در قراردادهای پیمانکاری دیده شود که اگر کاری سخت و زیان‌آور شناخته شد، پرداخت شود.

لزوم آشنایی با قوانین و مقررات

کارفرمایان باید قانون را رعایت کنند. در غیر این صورت در دیوان عدالت اداری محکوم خواهند شد. (عواملی از قبیل دریافت اقرارنامه محضری از کارگر، دریافت اسناد مالی از کارگر، تمدید قراردادهای یک ماهه برای مدت طولانی، معرفی کردن کارگر به عنوان شریک شرکت و... خلاف قانون است)



ناگفته‌ها از دهه سقوط رشد اقتصادی

اقتصادی ایجاد کرد. دولت نهم نیز این مسیر را ادامه داد و به این ترتیب اصلاحات اقتصادی از سال ۱۳۸۴ به بعد عملاً متوقف شد. در عین حال عقلانیت اقتصادی از دولت نهم و دهم به بعد کنار گذاشته شد. در عرصه سیاست‌گذاری نیز با تنگ کردن حلقه خودی‌ها، بدنه کارشناسان در سیاست‌گذاری ضعیف شد. در واقع در این سال‌ها افراد متعددی غیر کارشناس جایگزین افراد متخصص شدند. مجموعه‌ای از عوامل ذکر شده باعث شد تا اقتصاد کشور ظرف ۲ دهه اخیر وارد مسیر افول شود. درون‌زایی اقتصادی از میان برود و وضعیت کنونی به لحاظ رشد اقتصادی و تورم رقم بخورد. اصلاحات در برنامه سوم توسعه دستاوردهای مهمی را برای کشور به همراه داشت، از جمله تحول در نظام بانکداری کشور با ایجاد بانک‌های خصوصی. امروز عده‌ای کمر همت بسته‌اند که بانک‌های خصوصی را تعطیل کنند و آخرین دستاوردهای اصلاحات را نیز از میان ببرند. البته این نکته غیرقابل کتمان است که تاسیس بانک‌های خصوصی دستاوردهای نسبتاً محدودی داشت، چراکه تعدادی از این بانک‌ها نیز در بانک‌های دولتی ادغام شدند. نرخ بهره سپرده و تسهیلات به شدت پایین و به زیر نرخ تورم آورده شد و به این ترتیب نظام بانکی به ماشینی ایجاد رانت تبدیل شد. در پی این تصمیمات نادرست، تقاضا برای تاسیس بانک خصوصی به شدت افزایش یافت، اما اگر در اعطای مجوز به بانک‌های اولیه سختگیری می‌شد، چنین نتیجه‌ای حاصل نمی‌شد. در عین حال ظرف این دوره شاهد گسترش موسسات اعتباری بودیم، این موسسات عملکردی مشابه بانک‌ها داشتند، اما نظارتی همچون بانک بر آنها حاکم نبود و در نتیجه شاهد بروز فساد گسترده در اثر فعالیت آنها بودیم. بخشی از تورم کشور در دهه ۹۰ نتیجه گسترش بی‌برنامه بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری و خلق پول حاصل از فعالیت نادرست در دهه ۸۰ بود. با این وجود در دهه ۸۰ درآمدهای نفتی کشور، لنگر ارزی را به وجود آورد که مانع از آن شد که تورم ناشی از این سیاست‌های نادرست، نمایان شود. به محض کاهش درآمد ارزی در سال‌های ۹۱ و ۹۲، تورم فرصت بروز یافت و شاهد جهش تورمی بودیم.

منبع: دکتر موسی غنی‌نژاد - دنیای اقتصاد

تحریم تنها دلیل وضعیت کنونی کشور به لحاظ اقتصادی نیست، بلکه تنگ شدن حلقه سیاست‌گذاران، رویگردان شدن از اصلاحات اقتصادی برنامه سوم توسعه، کم‌توجهی به عقلانیت اقتصادی در میان سیاست‌گذاران و افزایش تنش با جوامع بین‌المللی از دیگر دلایل درجا زدن اقتصاد ایران ظرف ۲ دهه اخیر است. توقف رشد اقتصادی در دوره انقلاب امری طبیعی بود؛ با این وجود درآمدهای بالای نفتی کشور در دهه ۵۰ مانع از آن شد که کشور در این سال‌ها با بحران جدی مواجه شود، اما در ادامه و با آغاز جنگ، اقتصاد کشور آسیب‌های جدی دید به نحوی که کسری بودجه دولت در سال ۶۷ به ۵۰ درصد رسید. در عین حال کشور با تورم و مشکلات عدیده دیگری روبرو شد.

جنگ و رکود اقتصادی حاصل از آن و دولتی شدن اقتصاد پس از انقلاب اسلامی از مهم‌ترین دلایل بروز چالش‌های اقتصادی کشور ظرف دهه ۶۰ بود. بروز بحران اقتصادی در دهه ۶۰ تا جایی پیش رفت که سیاست‌گذاران به فکر اصلاح امور افتادند و برنامه‌های توسعه اقتصادی طراحی شد. البته اهداف برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی در میانه مخالفت‌ها چندان محقق نشد، اما اصلاحات از برنامه سوم فرصت عملیاتی شدن یافت. به هر ترتیب در برنامه سوم توسعه، اصلاحات مناسبی اجرایی شد و همین باعث شد تا کشور به مسیر رشد اقتصادی بازگردد. این اقتصاددانان مهم‌ترین اصلاحات در برنامه سوم توسعه را اینگونه عنوان کرد: یکسان‌سازی نرخ ارز، اصلاح پارانه انرژی و تاسیس بانک‌های خصوصی. این اصلاحات ریل‌گذاری مناسبی در مسیر توسعه اقتصادی کشور بود و نتیجه درخشانی را رقم زد؛ اما متأسفانه در سال‌های بعد ادامه نیافت و به مرور نتایج آن از میان رفت.

تصمیمات مجلس ششم و هفتم اولین سنگ‌اندازی در مسیر توقف توسعه اقتصادی کشور در دهه‌قبل بود؛ اما دولت نهم و دهم و در ادامه سایر دولت‌ها نیز این رویه را ادامه دادند. به این ترتیب می‌توان گفت این روند مانع‌زایی در مسیر توسعه اقتصادی کشور فراجناحی بوده است. تصمیم مجلس ششم در خصوص اعمال سقف در میزان رشد نرخ سوخت، پایه‌ریزی در مسیر سنگ‌اندازی اصلاحات اقتصادی بود؛ در ادامه مجلس هفتم با تثبیت نرخ ارز در سال ۱۳۸۳ اولین سنگ بزرگ را در مسیر اصلاحات

تولید نگرانی

چه کسانی دایماً ترس و نگرانی ایجاد می‌کنند. این کارشناس‌ها و اهل تحلیل نبوده‌اند که به ارقام و آمار نگاه کنند و نگرانی منتشر کنند. دوم اینکه اگر کار به روان‌درمانی اجتماعی رسیده آیا بهتر نیست یک روانشناس متصدی امر این بخش از اقتصاد شود؟ همچنین آیا لازم نیست در مورد مفاهیمی مانند ضخامت بازار و قدرت تسویه، و این دست مطالب که در مصاحبه مطرح شد، توضیح کار کردی ارایه شود؟ و اینکه سخنانی از این دست گفته می‌شود که سیاست‌های اقتصادی مقصدی به کار گرفته می‌شود و ترازنامه بانکها مقید و محدود می‌شود به چه معنی است؟ گمان این فدوی این است

دادن قشر دانشگاهی، کارشناس و اهل قلم که بیننده آن رسانه اینترنتی هستند بوده باشد. این فدوی هم علاقه خود به این مباحث را از دست داده‌ام. بنابر این اگر صحبت‌ها به روال سابق بود نکته‌ای برای طرح کردن موجود نمی‌بود اما چون در این مصاحبه مطالب بدیع و نو مطرح شد کنجکاوای برانگیخته شد. یک بخش سخن اینکه «عملیات روانی بر علیه ما و متغییرهای اقتصادی کشور انجام می‌شود و دایماً ترس و نگرانی ایجاد می‌کنند...» ظاهراً می‌فرمایند بانک‌های مرکزی دیگر هم متوجه کنترل حرکت‌های روانی هستند. در پاسخ باید گفت که اولاً خدا بهتر می‌داند

دوم، نمی‌دانم چرا دیگر کسی از صاحب‌نظران مستقل کمتر در مورد سیاست‌های اقتصادی حکومتی سخنی مطرح می‌کند. یا تصور می‌کنند این کار، آب درهاون کوبیدن است یا اینکه توجه عمومی به مطلب کاهش یافته که همان می‌شود. اخیراً مسئول گرامی مصاحبه‌ای داشته‌اند و برای این کار به جای استفاده از سیمای رسمی از یک رسانه اینترنتی مستقل برای مصاحبه دعوت کرده‌اند و مصاحبه‌کننده را هم خود انتخاب کرده‌اند که مشاور ایشان و مشاور قبلی و بیاری حق مشاور بعدی بوده و خواهند بود. این انتخاب رسانه هم بی‌دلیل نیست زیرا سیمای ملی بیننده بیشتری می‌داشت. دلیل این انتخاب شاید مخاطب قرار

پتروشیمی ارز را گیج کرد



بازگشت به فرمول در مورد خوراک واحدهای پتروشیمی بود اعلام کرده که برای جلوگیری از آثار تورمی نرخ تسعیر ارز جهت محاسبه قیمت پایه در بورس کالا تغییر نخواهد کرد. رفتارهای متناقض و التهاب‌آفرین در بخش پولی و ارزی و سیاست‌های مالی با وجود نمایش اتحاد در میان کابینه، اما به زودی برنامه نهادها را با برنامه رقیب مواجه می‌کند. اداره اقتصاد کلان نیاز به تجربه و مدیریت بالا دارد و البته نیاز دارد تا مدیران و فرماندهان از مدیریت نهادهای اداره‌کننده تبعیت محض نداشته باشند. رانتهایی که با این تصمیم‌های ناگهانی به جیب و دخل آنها می‌شوند که بر اطلاعات زودتر دسترسی پیدا می‌کنند. منبع: روزنامه جهان صنعت

پتروشیمی با افزایش ۳۰ درصدی مواجه شده است. چرا چنین تصمیم مهم و بزرگی که می‌تواند پیامدهای پرشمار در بورس اوراق بهادار و نیز در افزایش قیمت فرآورده‌های پتروشیمی داشته باشد، ناگهانی و بدون طرح و برنامه قبلی به صورت ناگهانی اجرا می‌شود؟ واقعیت این است که دولت سیزدهم برنامه کلان اقتصادی و نظام اقتصادی خاصی را دنبال نمی‌کند و به نظر می‌رسد در دام روزمرگی افتاده و دادوستد را با اختلال روبرو می‌کند. حالا پس از تصمیم ناگهانی بانک مرکزی که راه رشد قیمت صدها کالا را فراهم می‌کند و موجب خشم خبرگزاری تسنیم شده وزیر اقتصاد نیز که به صورت کامل حامی ایده پیش‌بینی‌پذیر بودن اقتصاد و

مدیران ارشد دولت در اقتصاد شامل وزیر اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی با تصمیم‌های به‌شدت متناقض به افزایش سرگیجه در اقتصاد دامن می‌زنند. جنس سرگیجه دیروز که از سوی بانک مرکزی ارایه و اجرایی شده است از جنس پتروشیمی است. در حالی که رسانه‌های دولتی از کارنامه بانک مرکزی به‌شدت دفاع می‌کردند، اما تصمیم تازه رییس بانک مرکزی درباره نرخ تسعیر ارز متعلق به پتروشیمی داد این خبرگزاری‌ها را نیز درآورده است. تسنیم علیه رییس بانک مرکزی چنین نوشته است: براساس ابلاغیه بانک مرکزی، نرخ تسعیر ارز جهت محاسبه قیمت پایه در بورس کالا با افزایش ۳۰ درصدی مواجه شده است. مشخص نیست بانک مرکزی با چه استدلالی در سال مهار تورم دست به این اقدام عجیب زده است. بعد از مصوبه هیات دولت درخصوص تغییر مدل قیمت‌گذاری خوراک گازی پتروشیمی‌ها حالا شاهد تحولات جدید و بعضاً غیرمنتظره در بانک مرکزی هستیم.

در این بین بانک مرکزی اقدام جدیدی را در دستور کار قرار داده است؛ این بانک در حالی نرخ تسعیر جهت محاسبه خوراک را ۳۷۵۰۰ تومان تعیین کرده که نرخ ارز جهت محاسبه قیمت پایه را نیز همین عدد لحاظ کرده است. بر این اساس ظرف یک روز قیمت پایه صدها محصول مختلف تولیدی واحدهای

در برجام بخش خصوصی هم بی حال بود

رفتند و پشت سر خود را نگاه نکردند. با این همه شرکت‌های کوه‌پیکری که کارنامه‌شان انبوهی از چنین رویدادهایی را نگه داشته بود در ایران ماندند و قراردادهایی نیز برای آوردن سرمایه و فاینانس بستند، اما داستان در جای دیگری نوشته می‌شد و دولت و بخش خصوصی با چشم‌هایی باز و شگفت‌زده دیدند که خانه در آب ساخته‌اند و سرمایه‌گذاران رفتند که رفتند. نگارنده در همان ماه‌های سپری شدن شور سرمایه‌گذاری در ایران از سوی خارجی‌ها به مدیران اتاق ایران یادآور شدم که یک گزارش کارشناسانه سترگ از آموشدها و گفته‌ها و آرزوها و نیز چرایی رفتن و

از مقام‌های نخست یا تراز اول کشورشان به ایران سرازیر شدند. آن روزها اتاق‌های بازرگانی ایران و شهرستان‌ها هر روز میزبان چند گروه از آرزومندان برای سرمایه‌گذاری در ایران بودند. خبرهای پرشماری از آموشد سرمایه‌گذاران به ایران در رسانه‌ها منتشر می‌شد و در آن روزها نوعی هم‌آوردجویی میان دیوان‌سالاران و سرمایه‌داران ایرانی در کشاندن پای سرمایه‌داران آمده به ایران نیز دیده می‌شد.

شوربوختانه رخدادهایی در داستان برجام پدیدار شد که آرام‌آرام از شمار گروه‌های آرزومند برای سرمایه‌گذاری در ایران کاست و آنهایی هم که به ایران آموشد داشتند

روزهایی که شهروندان ایرانی برای بستن پیمان آشتی با امریکا و همدستانش درباره پرونده هسته‌ای در شادی و سرمستی فرو رفته و ناباورانه به روزهای خوش آتی چشم دوخته بودند سپری شد. ایرانیان بردبار و مداراجو به این باور رسیده بودند که سران کشور با بستن پیمان صلح همراهند و همین همراهی این پیمان را استوار نگه خواهد داشت. در روزها و هفته‌های پس از برجام رخدادی شگفت‌انگیز و تازه در سپهر کسب‌وکار ملی در ایران دیده شد. صدها هیات بازرگانی و سرمایه‌گذاری از ده‌ها کشور اروپایی و آسیایی از جمله ژاپن، کره جنوبی و چین با همراهی یکی

زیرساخت‌های ایران در خطر



می‌خواهند از اهمیت ترانزیت ایران بکاهند. ایرانی که می‌توانست هاب انرژی منطقه باشد احتمالاً و با این دست فرمان شاید به واردکننده انرژی تبدیل شود. بندرها، سدها و نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌های ایران و چاه‌های نفت به دوران فرسودگی رسیده‌اند و خطر را برای ایران حتی در میان مدت افزایش می‌دهند. آگاهان و علاقه‌مندان به ایران باور دارند ادامه این وضعیت و با توجه به اقلیم پس‌رونده ایران روزهایی سخت در پیش خواهیم داشت و نهادهای مسئول باید به این مقوله توجه داشته باشند که با وجود تحریم‌ها ایران در این بخش زمین‌گیر خواهد شد.

منبع: روزنامه جهان صنعت

ترکیه برای ساخت سد در بالادست ارس و سرمایه‌گذاری برای توسعه جهانگردی، در عراق نیز توسعه بنادر جنوب عراق شرایط را گونه‌ای کرده است که پیش از این ایران کالاهای عراق را ترانزیت می‌کرد، الان رویه برعکس شده و عراق کالاهای ایرانی را ترانزیت می‌کند و ایران باید نفت و مواد معدنی خود را به عراق برساند و از آنجا نفت را صادر کند، مواد غذایی را هم باید از بنادر عراق وارد کند. در شرق ایران نیز توسعه بندر گوادر و بی‌حرکی ایران خطری است که مهم‌ترین منطقه راهبردی بندری ایران را از چرخه ترانزیت خارج خواهد کرد. ترکمنستان و حتی افغانستان نیز دنبال احداث کریدورهای تازه هستند و

تعارف را کنار بگذاریم و به تخصیص اعتبارات عمرانی بودجه‌های سالانه ایران در ۱۵-۱۰ سال تازه‌سپری‌شده نگاهی دقیق بیندازیم. واقعیت تلخ این است که دولت‌های ایران در این سال‌ها منابع کافی برای بخش عمرانی و نوسازی و توسعه زیرساخت‌ها اختصاص نداده‌اند. دولت‌های ایران در دهه ۱۳۹۰ و در دو سال فعالیت دولت سیزدهم به دلیل فشار تحریم نفت درآمد کافی برای تخصیص اعتبار به بخش عمران نداشته‌اند. از سوی دیگر روزه‌های ورود سرمایه‌های خارجی به روش‌های گوناگون بسته شده و سرمایه‌گذاران داخلی نیز توانایی و جرات و اجازه ورود به بخش‌های زیرساختی را به دست نیاورده‌اند. به این ترتیب زیرساخت‌های ایران در بخش‌های گوناگون با فرسودگی و فقدان بازسازی و توسعه روبرو شده و از ناتوانایی‌های آنها کاسته می‌شود.

نبود سرمایه برای اختصاص به توسعه زیرساخت‌ها تنها خطر بزرگ برای سرزمین ایران نیست. خطر بزرگ‌تر تحرک فوق‌العاده دیگر کشورها به ویژه همسایه‌های بلافصل و کمی دورتر ایران برای جذب سرمایه‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری از منابع داخلی برای توسعه زیرساخت‌هایی است که در صورت بهره‌برداری از آنها وضعیت ایران در مرزها و در مناسبات منطقه‌ای و جهانی بدتر از امروز خواهد شد. سرمایه‌گذاری کلان

خواب لکوموتیوها

با بحران مالی مواجه شدند و به این ترتیب تعمیر و نگهداری لکوموتیوهای بخش خصوصی نیز با مشکل مواجه شده است. در فروردین ماه سال ۱۴۰۲ از ۱۷۵ دستگاه لکوموتیو متعلق به بخش خصوصی، ۱۲۹ دستگاه آماده به کار بوده اما در تیر ماه سال جاری از ۱۷۷ دستگاه لکوموتیو تحت مالکیت بخش خصوصی فقط ۹۸ دستگاه آماده به کار بوده است. به گفته او، در سه سال اخیر علاوه بر مشکلات مالی، افزایش جدی تعداد و شدت سوانح نیز بر شتاب کاهش ناوگان لکوموتیو آماده به کار افزوده است که به خاطر مقاومت راه آهن در برابر درخواست‌های کارشناسان برای انتشار آمار سوانح، اطلاعی از مقدار اثرگذاری این عامل در دست نیست. هنوز صورت حساب‌های مربوط به آبان ماه ۱۴۰۱ تسویه نشده است. به علاوه شرکت

با وجود تأکید قوانین و اسناد بالادستی بر خروج دولت از حوزه تصدی‌گری ریلی، فقط مالکیت ۳۰ درصد از لکوموتیوهای باری (معادل ۱۴ درصد از مجموع کل لکوموتیوهای باری، مسافری و مانوری) در اختیار بخش خصوصی است. شرکت دولتی راه آهن هنوز مابقی لکوموتیوها را به بخش خصوصی واگذار نکرده و با وجود بهره‌وری کمتر و هدردهی بیشتر نسبت به بخش خصوصی، آنها را در مالکیت خود نگه داشته است. علت اصلی کاهش تعداد لکوموتیوهای آماده به کار تا ابتدای سال ۱۴۰۲، ناتوانی شرکت راه آهن در تعمیر و نگهداری لکوموتیوهای تحت مالکیت خود بود. اما از آغاز سال ۱۴۰۲ شرکت‌های خصوصی مالک لکوموتیو هم به دلیل انباشت طولانی مدت مطالباتشان نزد شرکت راه آهن و کمبود نقدینگی

در فروردین ماه سال ۱۳۹۹ از مجموع ۹۵۴ دستگاه لکوموتیو کشور، ۵۸۳ دستگاه آماده به کار بوده است. در تیر ماه سال ۱۴۰۲ نیز از مجموع ۹۹۱ دستگاه لکوموتیو، ۵۱۳ دستگاه آماده به کار بوده است. به عبارتی هر چند در این بازه زمانی ۳۷ دستگاه لکوموتیو جدید به شبکه ریلی اضافه شده اما در مقابل ۱۰۷ دستگاه لکوموتیو، سرد و از مدار خدمت خارج شده است. این داده‌های آماری گویای یک واقعیت دهشتناک است که در بازه ۸۸ سال‌های که از زمان بهره‌برداری راه آهن سراسری ایران می‌گذرد، هر سال تقریباً ۱۱ لکوموتیو به ناوگان ریلی کشور اضافه شده اما کاهش آماده به کاری ناوگان لکوموتیو کشور صرفاً طی یک بازه زمانی حدود سه ساله از آغاز ۱۳۹۹ تا اوایل ۱۴۰۲، معادل ۷۰ دستگاه و تقریباً به اندازه ۱۰ سال از تاریخ راه آهن کشور بوده است.

فوق ثروتمندان چقدر ثروت دارند؛ تعدادشان در آسیا و غرب رو به افزایش است یا کاهش؟



این گروه از افراد است. به گزارش آلتاراتا، هند در سال ۲۰۲۲ با رشد ۳ درصدی در جمعیت فوق ثروتمندش، یکی از سریع‌ترین رشد‌ها را در میان اقتصادهای جهان ثبت کرد. اقتصاد هند هم در سه ماه ژوئن ۷۸ درصد رشد کرد که بالاترین در یک سال بوده است. در سطح جهانی، بیش از ۵.۴ درصد از جمعیت فوق ثروتمند کم شده که اولین کاهش سالانه در چهار سال گذشته به حساب می‌آید. با توجه به نوسانات اخیر، آلتاراتا پیش‌بینی کرده است که در پنج سال آینده جمعیت فوق ثروتمند جهان از ۳۹۵ هزار و ۷۰ نفر به ۵۲۸ هزار و ۱۰۰ نفر افزایش یابد و تعداد این جماعت در آسیا بیشتر خواهد بود. همچنین انتظار می‌رود امریکای شمالی موقعیت خود را به عنوان پیشروترین منطقه فوق ثروتمند جهان حفظ کند.

نفر رسیده است. این کاهش تا حد زیادی مدیون چرخه افزایش نرخ بهره فدرال رزرو امریکا است. از آنجایی که تورم امریکا به بالاترین سطح خود در ۴۰ سال گذشته رسیده، فدرال رزرو افزایش نرخ بهره خود را از مارس ۲۰۲۲ آغاز کرد. اما خاورمیانه، امریکای لاتین و کارائیب در سال گذشته شاهد پیشرفت‌های قوی در تعداد جمعیت فوق‌العاده ثروتمند خود بوده‌اند. خاورمیانه جهشی ۱۵.۷ درصدی در جمعیت فوق ثروتمند خود ثبت کرده که عمدتاً به دلیل افزایش قیمت کالاها بود. در امریکای لاتین و کارائیب هم این جمعیت رشد ۱۷.۵ درصدی داشته است. در میان ۱۰ مکان برتر جمعیت فوق ثروتمند ذکر شده در این گزارش که شامل امریکا، چین و هنگ‌کنگ می‌شود، تنها هند شاهد افزایش تعداد

براساس گزارش موسسه داده و اطلاعات آلتاراتا، جمعیت فوق ثروتمند آسیا در سال گذشته حدود ۱۰.۹ درصد کاهش یافته است. این کاهش، بیشترین افت منطقه‌ای در جهان بوده است. در این گزارش آمده است: «جمعیت فوق‌العاده ثروتمند آسیا در سال ۲۰۲۲ با ۱۱ درصد کاهش که بیش از هر منطقه دیگری بوده به ۱۰۸ هزار و ۳۷۰ نفر رسید.» این شرکت خاطر نشان کرد که بازارهای بزرگ فناوری مانند کره جنوبی و تایوان بار عمده مشکلات صادرات و مصرف را که به خاطر جنگ به خطر افتاده، متحمل شده‌اند.

براساس این مطالعه، افراد با ثروت خالص فوق‌العاده بالا، افرادی هستند که دارایی خالص آنها بیش از ۳۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. این گزارش نشان می‌دهد که مجموع دارایی خالص جمعیت فوق ثروتمند آسیا ۱۲.۱۳ تریلیون دلار بوده است. این رقم در اروپا ۱۱.۷۳ تریلیون دلار تخمین زده شده است. بعد از آسیا، اروپا بدترین عملکرد منطقه‌ای را در کاهش جمعیت فوق ثروتمند خود داشته است. به این ترتیب تعداد آنها ۷.۱ درصد کمتر شده و به صد هزار و ۸۵۰ نفر رسیده است. طبق این گزارش، این وضعیت «عواقب مستقیم» حمله روسیه به اوکراین بوده است.

طبق این گزارش، امریکای شمالی، بزرگ‌ترین بازار فوق ثروتمندان جهان با مجموع دارایی خالص ۱۶.۴۷ تریلیون دلار، با کاهش ۴ درصد مواجه شده و تعداد این جمعیت در آنجا به ۱۴۲ هزار و ۹۹۰



ایران به شدت در حال تغییر است

حتی یک توافق کم اهمیت ایران و آمریکا، به طور عینی به نفع امنیت خاورمیانه است. ایران نیز به شدت در حال تغییر «سیاست عربی» خود است. کنت پولاک، تحلیلگر آمریکایی در **ForeignPolicy** (۲۰۲۳/۸/۱۵) می نویسد: «تقریباً به هر کجا که نگاه کنید، تهران اکنون انگیزه‌های مثبتی برای همکاری ارایه می‌دهد و عمدتاً تاکتیک‌های توسل به زور را محدود می‌کند». در واقع، تهران روابط دیپلماتیک خود را با امارات از سر گرفته است، ایران و سودان برای بازگرداندن روابط دیپلماتیک به توافق رسیده‌اند، ایران در حال عادی‌سازی روابط با مصر، تعمیق روابط با عمان و عراق

است. این امر می‌تواند نشانه‌ای از تلاش تهران برای کاهش تنش در تقابل با ایالات متحده باشد. این رویکرد ایرانی‌ها، به راه‌حلی مثبت برای مشکل برجام امید می‌دهد که به نوبه خود به کاهش تنش‌ها در سراسر خاورمیانه کمک می‌کند. هیچ تردیدی نیست که برای رهبری محافظه کار رادیکال ایران، تمایل به لغو یا تضعیف تحریم‌های ضد ایرانی، تنها مشوق «جهت‌آزمایی» سیاست آن است. و برای اینکه مورد انتقاد محافل رادیکال‌تر قرار نگیرد، دولت از افزایش این کار پرهیز و تبلیغات ضد آمریکایی را تشدید می‌کند. اما حتی چنین گفت‌وگوی بین ایران و آمریکا،

سیاست چندجانبه و چند سطحی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه با هدف تامین منافع کشور، نه تنها در سطح منطقه‌ای بلکه در مقیاس جهانی است. ماه‌هاست که تهران با تلاش‌های دیپلماسی محرمانه با واشنگتن گام‌هایی برای کاهش تنش بین ایران و آمریکا برمی‌دارد. هم‌اکنون پیشرفت‌هایی در زمینه مبادله زندانیان، آزادی دارایی‌های مسدود شده ایران، کاهش برخی تحریم‌های آمریکا بر فروش نفت ایران و احتمالاً غنی‌سازی اورانیوم ایران حاصل شده است. آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید که ایران سرعت غنی‌سازی اورانیوم را کاهش داده

کامیابی در توسعه بدون رشد اقتصادی

بهبود بخشیده و در شاخص‌های سلامت سیاسی ۱۰ درصد رشد داشته است. این تغییرات مثبت سیاسی وضعیت بسیار بهتری را برای این کشور رقم زده است. هرچند عربستان همچنان از نظر مشارکت‌طلبی نظام سیاسی و شاخص‌های مربوط به دموکراسی وضعیت مناسبی ندارد، اما گام‌های اولیه و مهمی را در توسعه سیاسی برداشته است. در بین شاخص‌های سیاسی کشور عربستان، ارتقای شاخص آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات بسیار چشمگیر است و از منظر عملکرد رسانه‌ها، انتقادی بودن، مستقل بودن، کمتر شدن سانسور و خودسانسوری رشد بسیار زیادی در نمرات شاخص‌های مربوطه در سال گذشته مشاهده می‌شود.

در حوزه اجتماعی، شاخص توسعه جنسیتی ۱۲ درصد و شاخص برابری جنسیتی ۱۰ درصد رشد داشته‌اند و ایمنی و امنیت در حوزه اجتماعی نزدیک به ۳۰ درصد افزایش داشته است. عربستان در حوزه محیط زیست در طول سال ۲۰۲۲ نسبت به سال قبل تقریباً در انتشار همه گازهای گلخانه‌ای روند رو به بهبود داشته است و گازهای گلخانه‌ای کمتری را منتشر کند که سیاست‌های مربوط به آن جای یک مطالعه دقیق‌تر و جدی‌تر دارد. کاهش انتشار آلودگی‌های زیست‌محیطی اصلی‌ترین تغییری است که در حوزه محیط زیست در طول سال گذشته در کشور عربستان رخ داده است. منبع: دکتر مرتضی درخشان - سایت پویا توسعه

آن تمرکز نکرده است، زیرا توسعه عربستان نیز مانند بسیاری از کشورها نفتی از عدم توازن بسیار بالا آسیب دیده بود. شاخص‌های سیاسی عربستان وضعیت خوبی را نشان نمی‌دهد و فاصله منفی بسیار زیادی با میانگین جهانی داشته است و از نظر توسعه فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز در سال ۲۰۲۱ زیر میانگین جهانی بوده است. اما تغییرات در سیاست‌های یکساله کشور عربستان توازن را در توسعه بسیار افزایش داده است. یعنی تمرکز از بخش اقتصادی که نقطه قوت عربستان به حساب می‌آمده برداشته شده و به سایر بخش‌ها معطوف شده است. به همین سبب تنها زیر یکسال توانسته است به لحاظ توسعه فردی از مرز میانگین جهانی عبور کرده و فاصله مثبت و چشمگیری نیز با میانگین جهانی پیدا کند. فاصله منفی حوزه اجتماعی و زیست‌محیطی نیز در طول سال گذشته بسیار کم و نزدیک به صفر شده است. اما در حوزه سیاسی با وجود بهبود وضعیت و کاهش فاصله با میانگین جهانی همچنان وضعیت کشور عربستان فاصله معنی‌داری دارد. تغییراتی که عربستان در طول سال گذشته در حوزه فردی، اجتماعی و سیاسی داشته است را با هم مرور می‌کنیم تا بفهمیم بهبود دقیقاً از چه شاخص‌هایی آغاز شده است. در حوزه سیاسی کشور عربستان در طول سال گذشته از منظر آزادی‌های مدنی توانسته ۳۹ درصد بهبود ایجاد کند و این میزان تغییر آن هم در طول یکسال شگفت‌انگیز است. همچنین این کشور عدالت و برابری سیاسی را ۱۲ درصد

عربستان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای آسیای غربی است که ۳۶ میلیون جمعیت دارد. این کشور به لحاظ بزرگی اقتصاد پس از کانادا و اسپانیا در رتبه ۱۷ جهان قرار گرفته است و از نظر درآمد سرانه نیز پس از فرانسه و انگلستان در رتبه ۲۸ جهان قرار دارد. در مجموع این کشور به لحاظ اقتصادی وضعیت خوبی دارد و هرچند از نظر سیاسی به دلیل نظام پادشاهی و کمبود مشارکت‌طلبی نظام سیاسی، کمتر توسعه یافته به حساب می‌آید اما روند سال‌های اخیر این کشور امیدواری‌هایی را ایجاد کرده است.

عربستان در سال ۲۰۲۱ از نظر شاخص ترکیبی توسعه در بین ۱۵۴ کشور در رتبه ۹۹ ایستاده بود و تنها ۶ رتبه از ایران (دارای رتبه ۱۰۵) بالاتر بود و بیشتر این تفاوت را در منظر اقتصادی می‌توان جست‌وجو کرد. اما در طول سال گذشته عربستان با تغییرات و سیاست‌هایی که اعمال کرده به رتبه ۸۸ جهانی صعود کرده و فاصله‌ای ۲۹ رتبه‌ای با ایران در سال ۲۰۲۲ ایجاد کرده است. عربستان با همین تغییر توانسته خود را از دسته چهارم یعنی «کشورهایی با توسعه در وضعیت هشدار» به دسته سوم یعنی «کشورهای در آستانه توسعه» برساند. اما واقعاً چه تغییراتی در کشور عربستان رخ داده که نتیجه‌ای اینچنین مطلوب به دست آمده است؟ تغییرات منظرهای توسعه در این کشور را در طول سال ۲۰۲۲ در نمودار زیر مشاهده می‌کنید. البته عربستان از نظر اقتصادی بالاتر از میانگین جهانی بوده و به همین دلیل در سال گذشته بر روی

پیامدهای روش مبارزه سیاسی بر اقتصاد

ریسک فعالیت‌های اقتصادی در ایران این است که برنده انتخابات بدون برنامه از پیش تهیه شده کار خود را آغاز می‌کند. کاندیدای اصولگرایان نیازی نمی‌بیند برنامه بدهد، زیرا می‌داند اولاً از سوی شورای نگهبان احراز صلاحیت می‌شود و دوماً رقابت‌های نیرویی برای نقد ندارند، زیرا رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی در اختیار اصولگراها است. در چنین وضعیتی بود که انتخابات پیشین ریاست‌جمهوری با درصد نسبتاً کمتری نسبت به دوره‌های قبل برگزار شد. حالا این شرایط حاکم است و در سال‌های ۱۳۸۴ تا امروز یعنی به مدت ۱۸ سال است نهاد دولت با نیرومندترین عناصر ایرانی کار نکرده و به دلیل اینکه در روش موجود برای کسب قدرت سیاسی کینه‌ها به اوج می‌رسد همه کارهای کاربلد دولت قبلی دور از میدان عمل ایستاده‌اند و نظاره‌گر رفتار و تصمیم‌های ضعیف‌ترین کابینه پس از انقلاب هستیم. ادامه این روش‌ها برای کسب قدرت، نهاد دولت را به نیروهای غیراصیل و ناکارآمدتر خواهد سپرد. تغییر نیمی از اعضای اقتصادی دولت و ادامه کار با تبصره و اما و اگر بقیه اعضای باقی مانده گروه اقتصادی همان اثری است که روش مبارزه سیاسی بر ایرانیان تحمیل کرده و خواهد کرد.

منبع: محمدصادق جنان‌صفت - ساعت ۲۴

کاندیداهای مبارزه برای کسب قدرت سیاسی نهفته در دولت عده‌ای را رد صلاحیت کند و اینگونه شده است که روش مبارزه سیاسی با محدودیت واقعی و گسترده روبرو شده است. این ایجاد محدودیت در آخرین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری به اندازه‌های عجیب و ژرف و گسترده بود که فردی مثل علی لاریجانی را نیز از گردونه انتخاب شدن و جریان مبارزه بیرون انداخت. روش مبارزه سیاسی برای کسب قدرت در ایران به گونه‌ای است که به دلیل نبود حزب‌های نیرومند و شناسنامه‌دار و دارای عضو و کادر مشخص و با مرام و اساسنامه معلوم و پیدا، در دوره‌های انتخاباتی، نیروهای سیاسی ناگزیرند زیر پرچم‌های دو جناح درآیند؛ جناح اصولگرا و جناح اصلاح‌طلب. اما مسأله اصلی این است که اصلاح‌طلب‌ها ناگزیرند در انتخاب کاندیدای خود به جای اینکه شایسته‌ترین و ورزیده‌ترین کادر خود را به میدان مبارزه بفرستند کاندیدایی را انتخاب کنند که می‌دانند از سوی شورای نگهبان احراز صلاحیت می‌شود. از سوی دیگر اصولگراها نیز با توجه به اینکه اعتماد کافی دارند که هر کادری را معرفی کنند از سوی شورای نگهبان احراز صلاحیت می‌شود کوشش نمی‌کنند ورزیده‌ترین کادر را به میدان بیاورند. یک دلیل اصلی بالا بردن

براساس قانون اساسی فعلی، ایرانیان هر چهار سال یک بار برای انتخاب ریاست‌جمهوری نظام اسلامی ایران پای صندوق‌های رای می‌روند. با لحاظ کردن روش و منش شادروان‌هاشمی‌رفسنجانی و حسن روحانی که هیچ کدام اصلاح‌طلب نبودند و بیشتر در میانه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان می‌نشستند و با لحاظ کردن دوره ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی و نیز دوره ریاست احمدی‌نژاد، ریسی می‌توان ادعا کرد منصب و مقام ریاست‌جمهوری پس از جنگ بیشتر در اختیار اصولگرایان بوده تا اصلاح‌طلب‌ها. از سوی دیگر نگاهی به دوره‌های ۱۱ گانه مجلس قانونگذاری و جداکردن دوره‌های اول تا سوم و دوره ششم با جرات می‌توان گفت اصولگراها بیشترین دوره‌های انتخابات مجلس را به خود اختصاص داده‌اند. آیا واقعیت و ذهنیت شهروندان ایرانی با ذهنیت اصولگرایان همراه بوده که آنها بیشترین دوره‌های ریاست بر دو قوه اصلی کشور را به دست آورده‌اند. به نظر می‌رسد یک نگاه از سر اشاره نشان می‌دهد هرگاه انتخابات با محدودیت‌های کمتر از سوی نهادهای بالادستی برگزار شده اصلاح‌طلب‌ها برنده بوده‌اند. این وضعیت راه را برای روش تازه انتخابات باز کرده است. به این معنی که نهادی به اسم شورای نگهبان این اختیار را دارد که از میان

تک رقمی شدن نرخ تورم در تمامی کشورهای عضو منطقه یورو

استونی نخستین کشورهای عضو منطقه یورو بودند که در نوامبر ۲۰۲۱ به نرخ تورم دو رقمی تن دادند. بر پایه گزارش یورواستات، طی ماه اوت، نرخ تورم در ۱۰ کشور عضو پیمان پول واحد اروپایی از جمله آلمان، ایتالیا و بلژیک شاهد کاهش و در ۱۰ کشور دیگر همچون فرانسه و اسپانیا با شاهد افزایش بود. با این وجود، اسپانیا و بلژیک با نرخ تورم ۲.۴ درصدی دارای پایین‌ترین نرخ افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در بازه یک‌ساله منتهی به اوت گذشته بوده‌اند. نرخ تورم منطقه یورو پس از آنکه در اکتبر ۲۰۲۲ به اوج ۱۰.۶ درصدی رسید، دچار سیر نزولی شد و طی دو ماه گذشته پایین‌ترین حد خود را طی ۱۰ ماه گذشته تجربه کرده است. با این وجود، نرخ هدف‌گذاری شده بانک مرکزی اروپا ۲ درصد که همچنان فاصله محسوسی با نرخ متوسط منطقه یورو دارد و همین امر، احتمال افزایش دوباره نرخ بهره در این منطقه را بالا نگه داشته است. مطابق اعلام بانک مرکزی اروپا افزایش نرخ تورم در منطقه یورو بیش از همه متاثر از تبعات همه‌گیری ویروس کرونا و تهاجم نظامی روسیه به خاک اوکراین بوده است.

منبع: یورونیوز



با نرخ تورم دو رقمی خداحافظی کرد. نرخ تورم در این کشور که از مارس ۲۰۲۲ به بالای ۱۰ درصد صعود کرده بود، طی فوریه گذشته به قله ۱۵.۴ درصدی رسید و سپس سیر نزولی گرفت تا اینکه طی اوت گذشته به ۹.۶ درصد رسید. لیتوانی و

تازه‌ترین برآورد اداره آمار کمیسیون اروپا (یورواستات) حاکیست که نرخ تورم منطقه یورو در ماه اوت بدون تغییر نسبت به ماه پیش از آن، همچنان ۵.۳ درصد بوده است. در میان کشورهای عضو منطقه یورو، اسلواکی به عنوان آخرین کشور



آثار رژیم چندنرخی ارز در ناترازی‌های اقتصادی و تخصیص غیر بهینه منابع (مطالعه موردی: اقتصاد ایران)

خلاصه مدیریتی

اقتصاد ایران به ترتیب به علت پیوستگی ناترازی ناشی از کسری خالص پس انداز بخش عمومی، سلطه مالی رشد نسبت کل‌های پولی به تولید ناخالص داخلی و همچنین کسری جریان نقدی بخش خارجی از یک طرف با چالش مستمر تکانه‌های اسمی و از طرف دیگر افزایش نسبی سطح عمومی قیمت‌ها مواجه بوده که موجب افزایش نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی انتظارات تورمی نیز شده است. پیوستگی این تکانه‌های اسمی موجب شکل‌گیری چرخه باطل میان کسری مالی بخش حقیقی انبساط فزاینده کل‌های پولی افزایش تورمی مازاد تقاضای اقتصاد کلان کاهش مجدد قدرت خرید پول ملی رشد بیشتر انتظارات تورمی و افزایش مضاعف سطح عمومی قیمت‌ها شده است. این آثار، در شرایط پایداری محدودیت‌های ناظر بر عدم دسترسی به شبکه‌های پرداخت و تسویه پولی بین‌المللی و همچنین کسری مستمر خالص پس‌انداز داخلی، باعث افزایش فزاینده قیمت‌ها و حتی ناپایداری در بازارهای مختلف مالی شده است. افزایش پیوسته سطح عمومی قیمت‌ها در کنار عدم تسویه بازارهای مالی به‌طور عام و بازار

پول به‌طور خاص به ترتیب موجب شکل‌گیری نرخ‌های بهره واقعی منفی و همچنین تغییر لنگر اسمی انتظارات تورمی از بردار نرخ‌های بهره اسمی سیاستی به سمت نرخ ارز اسمی شده است. در همین راستا، تأثیرپذیری انتظارات تورمی از تغییرات قدرت خرید پول ملی نرخ‌های برابری (پایداری تکانه‌های اسمی مذکور در طی، زمان ضرورت مدیریت مستمر بازار ارز و نیز گرایش به سمت رژیم چند نرخ‌های ارز را جهت تعدیل روند فزاینده قیمتی در کوتاه‌مدت به عنوان آخرین (انتخاب) اجتناب‌ناپذیر ساخته است. رژیم چند نرخ‌های ارز با هدف مقابله با تضعیف مستمر قدرت خرید خانوارها، کاهش هزینه‌های تولید تخصیص ارز ترجیحی برای تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و نیز تعدیل آثار تورم انتقالی (متأثر از کاهش مقطعی قدرت خرید پول ملی در تعداد بسیار محدودی از اقتصادهای در حال توسعه و ایران طی یک دهه گذشته مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از این رژیم به ترتیب موجب بروز چالش‌های مختلفی در قالب تخصیص غیر بهینه نهاده‌های تولید و منابع مالی کاهش رشد اقتصادی، تضعیف مولفه‌های سلامت مالی نهادهای اعتباری (بانک‌ها، موسسات اعتباری



۱- مقدمه

نوسانات نرخ ارز در اقتصادهای صنعتی و نوظهور با توجه به درجه باز بودن، تجاری از طریق تأثیرات مستقیم در هزینه‌های واردات و نیز هزینه فرصت کالاهای صادراتی به ترتیب موجب تغییرات قیمت و رشد تولیدات بخش‌های قابل تجارت و غیرقابل تجارت در کوتاه‌مدت و میان مدت می‌شود. تضعیف (تقویت) قدرت خرید پول ملی در کوتاه‌مدت موجب افزایش (کاهش) قیمت کالاهای قابل تجارت و در میان مدت در قالب یک سازوکار انتقال در بازارهای مالی و عوامل تولید عملاً قیمت کالاهای غیر قابل تجارت را نیز متأثر می‌سازد. افزایش کاهش درجه باز بودن تجاری موجب تقویت (تضعیف) سازوکار انتقال مذکور و افزایش (کاهش) شدت اثرگذاری نوسانات نرخ ارز در تغییرات سطح عمومی قیمت محصولات و عوامل تولید در یک اقتصاد می‌شود. آثار انتقالی تغییرات نرخ ارز در قیمت‌های داخلی همچنین به وضعیت اقتصاد کلان انتظارات تورمی و شیوه قیمت‌گذاری بنگاه‌های صادرکننده کالا و خدمات بستگی دارد افزایش (کاهش) نرخ ارز همچنین از طریق تأثیر در رابطه مبادله و نسبت قیمت‌های کالاهای داخلی به خارجی، موجب تعدیل مزیت‌های رقابتی صادراتی

نبوده صرفاً از طریق کاهش تدریجی شکاف میان نرخ‌های رسمی و غیررسمی و مدیریت عدم تعادل‌های کلان در میان مدت و نیز تعدیل چالش‌های زیرساختی ناظر بر مبادلات مالی تجاری بین‌المللی میسر است. آثار تورم انتقالی حاصل از افزایش ادواری نرخ‌های اسمی اسعار (بخش‌های قابل تجارت و غیرقابل تجارت) در قالب تضعیف روند رشد پایدار غیرتورمی خروج منابع مالی از بخش‌های حقیقی به مالی (ضد رشد) و ناپایداری تراز پرداخت‌ها (خصوصاً جریان نقدی ارزی) و بازار ارز که در شرایط تداوم چالش‌های مربوط به تحریم‌های مالی-تجاری بین‌المللی (عدم دسترسی به خدمات اعتباری جهانی و محدودیت مبادلات برون‌مرزی پول داخلی) به وقوع پیوسته مستقیماً موجب تعمیق رژیم چند نرخ و گسترش موانع حرکت به سوی یکسان‌سازی نرخ ارز طی دهه گذشته شده است. در این راستا مدیریت عدم تعادل‌های مالی (خصوصاً کسری بودجه بخش عمومی) در کنار تقویت قدرت تصفیه بازارها (بازارهای، عوامل، مالی و ارز) و تقویت استقلال و کارایی ابزارهای سیاست پولی با هدف کاهش اختلالات میان مدت در رژیم چند نرخ ارز (با فرض تداوم محدودیت‌های برون‌زای مالی تجاری بین‌المللی)، به عنوان آخرین انتخاب برای اقتصاد ایران قابل پیشنهاد است.

و لیزینگ‌ها)، کاهش ظرفیت وام‌دهی و عرضه محصولات اعتباری (مضيقه اعتباری)، رشد سهم مبادلات سوداگرانه و احتیاطی از کل مبادلات ارزی افزایش انتظارات تورمی و نیز رشد عدم تعادل و ناپایداری تراز پرداخت‌های ارزی شده است. مجموعه این چالش‌ها اگرچه ناپایداری بازار ارز را تحت رژیم چند نرخ افزایش داده میزان اتکا به این رژیم را نیز (در شرایط تعدیل شکاف میان نرخ‌های حمایتی رسمی و غیر رسمی اسعار) تقویت ساخته است.

اقتصاد ایران در کنار چالش‌های فوق با افزایش ریسک‌های ساختاری ناظر بر مبادلات مالی-تجاری بین‌المللی در قالب محدودیت‌های گسترده متأثر از عدم دسترسی به شبکه‌های پرداخت و تسویه بین‌المللی قطع روابط کارگزاری با نهادها و موسسات اعتباری خارجی (حتی در قالب روابط کارگزاری غیراعتباری مبتنی بر وثیقه و سپرده) عدم دسترسی به خدمات موسسات بیمه اعتباری و ممیزی بین‌المللی و محدودیت عملیاتی بازار برون‌مرزی پول ملی نیز مواجه بوده که از یک طرف ناپایداری تراز پرداخت‌های ارزی را تشدید ساخته و از طرف دیگر نسبت مبادلات نقدی به تعهدی بخش خارجی اقتصاد کشور را طی دهه گذشته افزایش داده است کاهش عدم تعادل‌های بازار ارز در شرایطی که خروج از چالش‌های ساختاری و تغییر در رژیم چند نرخ در میان مدت میسر



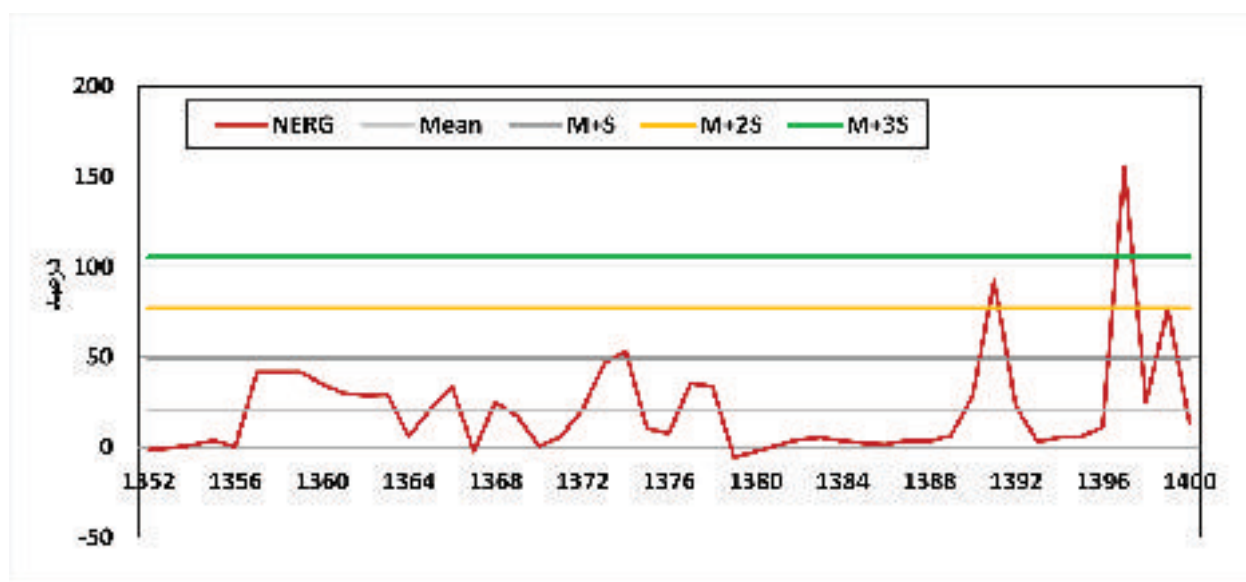
و نیمه دوم دهه ۱۳۷۰، نكول بازپرداخت تعهدات ارزی خارجی طی نیمه نخست دهه ۱۳۷۰ و نیز تشدید تحریم‌های دو و چندجانبه مالی تجاری بین‌المللی طی دهه ۱۳۹۰ به‌طور قهری از رژیم ارزی چند نرخی استفاده کرده است. در همه تکانه‌های چهارگانه حداقل رشد سالانه نرخ ارز اسمی (NERG) بیشتر از مجموع متوسط رشد دوره‌ای و یک انحراف معیار بالاتر از نوسانات تاریخی آن بوده (شکل ۱) که البته سه از چهار تکانه مذکور حداقل دو انحراف معیار بالاتر از متوسط رشد تاریخی نرخ ارز بازار آزاد بوده است.

به (رسمی با متغیرهای منتخب بخش‌های حقیقی (رشد اقتصادی)، خارجی (تراز تجاری غیر نفتی) مالی (نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی) و پولی (رشد نقدینگی و نسبت خالص بدهی دولت به پایه پولی)، و همچنین تورم به عنوان فروض، پایه برای اقتصاد ایران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳- رژیم چند نرخی ارز در اقتصاد ایران اقتصاد ایران طی ۴۳ سال گذشته به استثنای دهه ۱۳۸۰، همواره به علت تکانه‌های چهارگانه حاصل از خالص خروج سرمایه در سال‌های پس از انقلاب، کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های جنگ تحمیلی

اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه طی چهار دهه گذشته، عملاً استفاده از رژیم‌های چند نرخی ارز از طریق اخلال در سازو کار قیمت‌های نسبی از یک طرف موجب تخصیص غیر بهینه عوامل اولیه تولید، کاهش بهره‌وری، کل و نیز تضعیف روند رشد پایدار اقتصادی شده و از طرف دیگر باعث کاهش نسبی رشد صادرات، وخامت تراز تجاری و همچنین افزایش آسیب‌پذیری ثبات مالی و قیمتی نسبت به تکانه‌های خارجی شده است (ال همیانی و ویرون، ۲۰۱۹).

در این پژوهش رابطه میان رژیم چند نرخی ارز (برحسب نسبت نرخ‌های برابری غیررسمی



شکل ۱. رشد نرخ ارز اسمی بازار آزاد (دلاری)

مالی بانکی خارجی مستقیماً صادرات کل کشور به‌طور عام و صادرات بخش نفت به‌طور خاص کاهش و همچنین هزینه‌های سربار مبادلات مالی تجاری خارجی و نتیجتاً کسری موازنه ارزی اقتصاد ایران به‌شدت افزایش یافت هم‌زمان دسترسی به سامانه‌های پرداخت و تسویه بانکی بین‌المللی جهت وصول درآمدهای صادراتی تخصیص دارایی‌های خارجی به منظور تأمین مالی واردات مدیریت ذخایر بین‌المللی، و نیز انتقالات ارزی به‌شدت محدود شد. در همین راستا عدم تمدید خطوط اعتباری متنوع ارزی از بازارهای پولی جهانی (برای تأمین مالی واردات) در کنار تعلیق فرایند صدور بیمه‌های اعتباری و تجاری به ترتیب باعث محدودسازی مبادلات مالی - تجاری اشخاص مقیم، مضیقه و کاهش شدید عرضه در بازار ارز و رشد تقاضاهای مالی - تجاری ارزی (تقاضاهای مبادلاتی، احتیاطی و سوداگرانه ارز) شد که نهایتاً زمینه شکل‌گیری مازاد تقاضا و گسترش شکاف میان نرخ‌های رسمی و غیررسمی (شکل ۲) اسعرا را فراهم ساخت. پیامدهای

خدمات غیر اساسی و همچنین نرخ بازار آزاد برای واردات بخش‌های خدماتی (مسافری، حمل و نقل، خدمات عمومی فرهنگی دولتی و...) و سایر بخش‌های تجاری بوده که طی سال‌های ۱۳۷۳ - ۱۳۸۱ مورد استفاده قرار گرفت. در همین راستا، طی سال‌های دهه ۱۳۸۰ به ترتیب با اعمال اصلاحات گسترده مالی - پولی - تجاری در سطوح مختلف ابزارها نهادها بازارها و مقررات، گسترش انضباط مالی توسعه روابط کارگزاری مالی تجاری خارجی افزایش برون زای درآمدهای صادراتی (نفتی و غیرنفتی) و همچنین دسترسی گسترده به منابع مالی اعتباری بین‌المللی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)، عملاً شرایط برای اجرای موفق سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز برای دوره ۱۳۸۲ - ۱۳۹۰ فراهم شد. در این مدت شکاف میان نرخ ارز اسمی رسمی و نرخ ارز اسمی بازار آزاد به حداقل رسید.

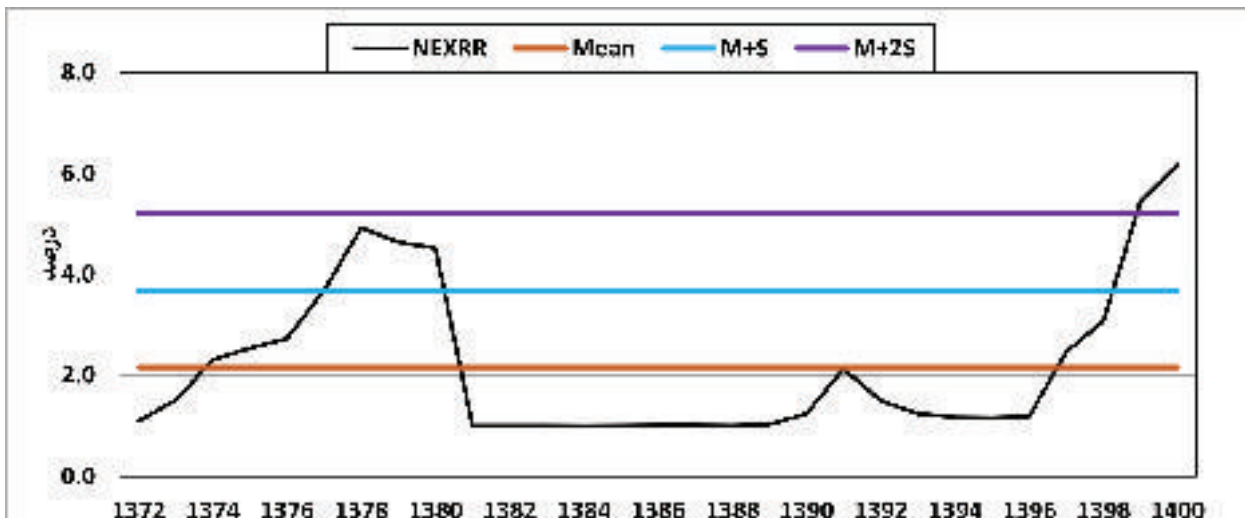
طی دهه ۱۳۹۰، به علت گسترش تحریم‌های هدفمند دوجانبه و فرآیند بین‌المللی و نیز تعلیق روابط کارگزاری

رژیم چند نرخی طی دهه منتهی به سال ۱۳۷۰ به ترتیب مشتمل بر نرخ‌های پایه دولتی برای واردات کالاهای اساسی، نرخ‌های ترجیحی برای واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌های نرخی صادراتی برای تسعیر صادرات غیرنفتی و همچنین نرخ بازار آزاد برای مبادله سایر منابع مصارف ارزی مورد استفاده بوده است. در اوایل دهه هفتاد (سال ۱۳۷۲) با هدف تخصیص کارآمدتر منابع ارزی و اصلاح روند قیمت‌های نسبی عوامل تولید و بهبود بهره‌وری کل اقتصاد سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز توسط مقامات پولی به اجرا درآمد که پس از دو سال به علت بروز تکانه‌های مربوط به کاهش قیمت و درآمدهای صادراتی نفت و نیز بروز بحران نكول بازپرداخت تعهدات بین‌المللی ارزی عملاً بازگشت به رژیم چند نرخی ارز اجتناب‌ناپذیر شد. این رژیم چند نرخی مشتمل بر نرخ‌های سه‌گانه پایه دولتی (بخش نفت و واردات کالاهای اساسی)، نرخ‌های مبادله‌ای (نرخ‌های پایه به علاوه گواهی سپرده) برای تسعیر صادرات غیرنفتی و تأمین مالی واردات کالاها و

یارانه‌های غیر مستقیم دولت به آحاد جامعه و نیز اخلاص در مزیت‌های قیمتی و سازوکار تخصیص منابع مربوط به بخش‌های مورد حمایت و همچنین تشدید نیازهای ارزی و رانتهای تجاری مالی این بخش‌ها انعکاس یافته است.

۱۳۷۰ و نیز شرایط تحریم چهار سال گذشته، شکاف میان نرخ‌های برابری غیر رسمی به رسمی نسبت به متوسط روند تاریخی حداقل سه برابر افزایش یافته که به ترتیب در قالب عدم نفع درآمدهای صادراتی بخش نفت دولت

دیگر بروز چالش مذکور کاهش پلکانی قدرت خرید پول ملی و تعمیق ناترازیهای اقتصاد کلان مالی (پولی) تحت رژیم چند نرخ ارز طی دهه ۱۳۹۰ (۱۳۹۰-۱۴۰۰) بوده است. مطابق شکل ۲، طی بحران بدهی اوایل دهه

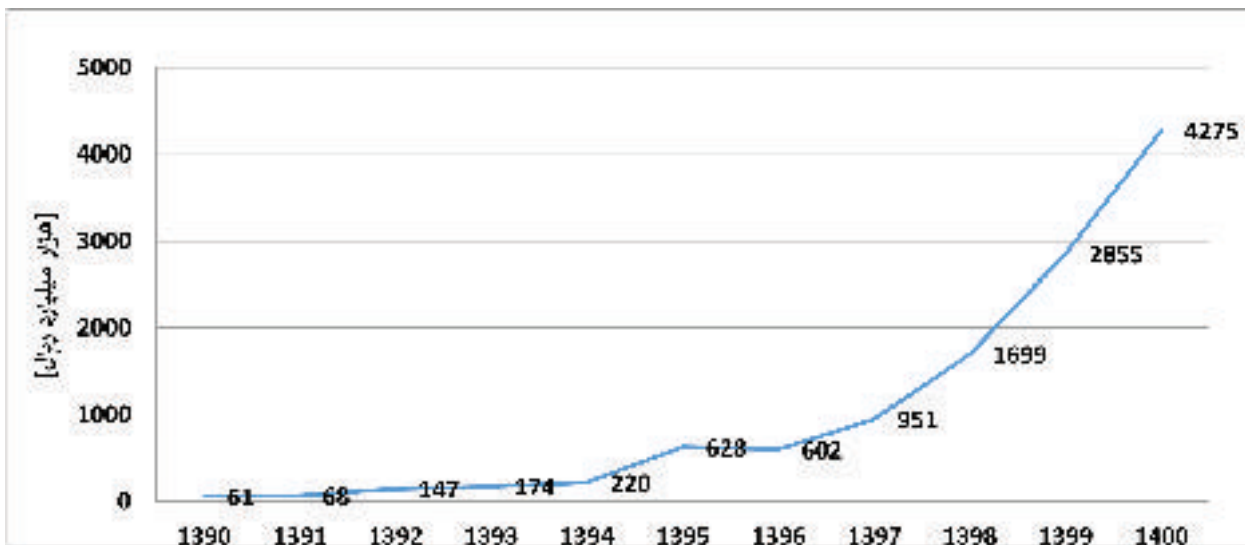


شکل ۲ - نسبت نرخ ارز (دلار/ریال) به رسمی (NEXRR)

نوسانات همراه نشده زیرا اصلاح نرخهای پایه نیز باعث رشد بیشتر انتظارات تورمی و تورم کل می‌شد. تداوم روند تحریم‌های مالی - تجاری بین‌المللی و نیز استمرار تعلیق روابط کارگزاری تجاری بانکی - خارجی در کنار پایداری نرخ‌های بالای تورم انتظاری موجب عدم گسست ماریج (مذکور در شرایط عدم انضباط مالی و کسری پیوسته پس‌انداز ناخالص داخلی) در اقتصاد کشور شد.

هزینه‌ها)، رشد سطح عمومی قیمت‌ها (رشد هزینه‌های تأمین مالی بخش عمومی از محل افزایش نرخ‌های سود بازار اوراق قرضه) و همچنین تشدید شکاف میان نرخ‌های ترجیحی و بازار آزاد ارز طی مقاطع مختلف تاریخی در سه دهه گذشته شده است. این شکاف به رغم آنکه روند واگرایی ادواری داشته، عملاً با سیاست اصلاح تدریجی نرخ‌های پایه ترجیحی جهت کاهش دامنه

رژیم چند نرخ موجب شکل‌گیری مقطعی ماریج تورمی حاصل از رشد نسبی تقاضا (نقدینگی و هزینه ناخالص داخلی) نسبت به عرضه (در بخش‌های منتفع از نرخ‌های ترجیحی)، افزایش کسری پس‌انداز ناخالص داخلی بخش عمومی (شکل ۳) به علت رشد عدم نفع فروش ارز ترجیحی سمت درآمدی و افزایش نسبی اعتبارات تخصیصی براساس نرخ موزون ارز (سمت



شکل ۳ - واگذاری دارایی‌های دولتی (جاری)



۴- چالش‌های استفاده از رژیم چند نرخي ارز در اقتصاد ايران ۱-۴- رژیم چند نرخي ارزی و مازاد تقاضا در بازار ارز

رژیم چند نرخي ارز از طریق ایجاد مزیت‌های ناپایدار در قیمت‌های نسبی نهاده‌های تولید وارداتی و رابطه مبادله تجاری (منتفع از نرخ‌های ارز ترجیحی) به ترتیب موجب تضعیف قدرت رقابت نهاده‌ها و تولیدات داخلی و خامت تراز تجاری و همچنین انقباض نسبی اجزای تقاضای ناخالص داخلی (خالص صادرات غیرنفتی) می‌شود. منابع ارزی ترجیحی نوعی یارانه برای واردات کالاها و خدمات تلقی شده که با هدف کاهش رشد هزینه‌های مصرفی خانوار (عرضه و قیمت‌گذاری یارانه‌ای کالاها اساسی) و همچنین تولیدکنندگان تخصیص می‌یابد. این سازوکار حمایتی به ترتیب برای دولت مرکزی هزینه و برای خانوارها و بخش‌های تولیدی نوعی یارانه (مستقیم و غیرمستقیم) تلقی می‌شود که مستقیماً زمینه اختلال در سازوکار قیمت‌های نسبی و نیز تخصیص غیربهبینه عوامل تولید و منابع مالی در بازارهای عوامل و پول را فراهم می‌سازد. در همین راستا دولت از طریق تخصیص منابع ارزی یارانه‌ای عملاً مزیت‌های قیمتی برای کالاها و مصرفی و نهاده‌های (واسطه‌ای و سرمایه‌ای) وارداتی (منتفع از نرخ‌های ترجیحی) ایجاد کرده که نخستین پیامد آن افزایش شدت واردات و مصرف آنها در سید مصرفی خانوار و فرایند تولید بخش‌های مختلف اقتصادی (صنایع دارویی مواد غذایی دام و طیور، انرژی، حمل و نقل، و...) است. قیمت‌های نسبی ارزاتر کالاها و خدمات یارانه‌ای - وارداتی به ترتیب موجب جایگزینی آنها به جای کالاها و خدمات داخلی و همچنین رشد مصرف آنها در سطوح پایین‌تر مطلوبیت نهایی خانوار و ارزش تولید نهایی بنگاه‌های تولیدی در اقتصاد کشور می‌شود. این سیاست حمایتی ضد تورمی در میان مدت موجب کاهش قدرت رقابت تولیدات داخلی و در نتیجه تضعیف رشد اقتصادی و تراز تجاری غیر نفتی اقتصاد کشور شده است.

کالاها یثیت سفارش شده با نرخ‌های ارز ترجیحی لزوماً منطبق با نرخ‌های یارانه‌ای مورد قیمت‌گذاری و عرضه قرار نگرفته و بعضاً بدون تغییر یا پس از پردازش ساده مورد صادرات مجدد (شکر، روغن خوراکی، دارو، گندم، آرد و...) قرار می‌گیرند. بسیاری از واردکنندگان کالاها و خدمات وارداتی به منظور بهره‌مندی از منابع ارزی یارانه‌ای و همچنین حقوق و عوارض ترجیحی، در سنوات گذشته اقدام به جعل کدهای

کالایی یا اظهارنامه‌های گمرکی کردند. این فرایند به ترتیب موجب افزایش مازاد تقاضا برای اسعار ترجیحی (بالا تر از ظرفیت عرضه دولت)، رشد مازاد تقاضای کل افزایش مستمر شکاف میان نرخ‌های برابری اسعار غیررسمی و رسمی و همچنین تداوم ناپایداری بازار ارز در فرایند حفظ آریبترای نرخ‌های برابری مذکور گردید. به عبارت دیگر این رژیم چند نرخي حتی در شرایط مازاد اولیه تراز حساب جاری و نیز پایداری و ثبات بازار ارز به تدریج موجب افزایش تقاضای اسعار ترجیحی (با مفروض داشتن قیمت و هزینه‌های حمل و بیمه جهانی کالاها و حمایتی وارداتی) و نیز تعمیق فرایند تخصیص غیربهبینه عوامل تولید و منابع در بازارهای کالاها و خدمات حمایتی (افزایش مصرف خانوار و بنگاه‌های تولیدی به علت قیمت‌های نسبی حمایتی پایین‌تر) می‌شود. در همین راستا، شکل‌گیری پایدار مازاد تقاضا در بازار اسعار ترجیحی موجب رشد تقاضای احتیاطی ارز برای واردات کالاها و خدمات مورد حمایت و نیز افزایش تقاضای سوداگرانه در بازار مذکور شده که عملاً با رشد مضاعف متوسط نرخ‌های برابری اسعار همراه بوده است. افزایش مستمر نرخ موثر اسمی ارز تحت رژیم چند نرخي همچنین موجب کاهش عرضه منابع صادرات غیرنفتی با هدف حفظ قدرت خرید منابع درآمدی صادراتی و پس‌انداز نهادی شده که مستقیماً زمینه افزایش تعداد و شدت تکانه‌های وارده در بازار اسعار را فراهم می‌سازد. کاهش فاصله زمانی تکانه‌های وارده بر نرخ‌های برابری اسعار در یک سازوکار ماریج نه تنها موجب رشد بیشتر تقاضا نسبت به عرضه (حتی در شرایط اعمال پیمان ارزی صادراتی) می‌شود بلکه به علت پایداری فرایند تخصیص ارز ترجیحی حساسیت نیروهای عرضه و تقاضای بازار را نیز طی زمان در مقابل نرخ‌های آتی مورد انتظار کاهش خواهد داد؛ به طوری که کشش نیروهای عرضه و تقاضای بازار تضعیف و در مقابل اندازه تکانه‌های وارده بر نرخ‌های برابری اختلالات، بازار و همچنین ناپایداری تراز پرداخت‌های ارزی تقویت شده است.

کاهش ادواری ارزش پول ملی متأثر از رشد پیوسته مازاد تقاضا عملاً موجب افزایش نااطمینانی در بازار ارز، رشد مضاعف تقاضای معاملاتی اسعار ترجیحی و همچنین افزایش تقاضاهای احتیاطی و سوداگرانه اسعار غیر ترجیحی (به علت رشد نااطمینانی ناشی از افزایش شکاف میان نرخ‌های ارز ترجیحی و غیرترجیحی) در اقتصاد ایران شده است. رشد تقاضای احتیاطی و سوداگرانه در غیاب بازار مشتقات ارزی به‌طور عام و بازار سلف به‌طور خاص باعث گسترش

سرمایه‌گذاری اشخاص مقیم بر روی دارایی‌های خارجی به عنوان یک دارایی مالی باثبات شده که در ادبیات مالیه بین‌الملل به عنوان دلاریزاسیون شناخته می‌شود تبدیل بخشی از پس‌انداز مالی اشخاص و نهادهای داخلی به دارایی‌های خارجی (اسعار مختلف طلا رزمرازهای باثبات اوراق بهادار خارجی و سپرده‌های ارزی خارج از کشور) موجب شکل‌گیری کسری خالص حساب مالی سرمایه تراز پرداخت‌های ارزی اقتصاد ایران شده که مستقیماً زمینه انبساط بیشتر تقاضا، تشدید اختلالات بازار ارز و نیز شتاب فرایند کاهش ارزش پول ملی را فراهم ساخته است. این چالش نه تنها عدم تعادل بازار ارز را افزایش داده، بلکه ثبات و جریان وجوه میان بازارهای مالی (ارز طلا سهام مستغلات پول) را نیز دچار اختلال ساخته که البته با انتقال منابع مالی از بخش‌های حقیقی به سمت بازارهای مالی موجب تعمیق مضیقه اعتباری بخش‌های مولد رکود سرمایه‌گذاری ناخالص حقیقی و همچنین تضعیف روند رشد پایدار غیرتورمی شده است.

۲-۴- رژیم چند نرخي و عدم تعادل‌های پیوسته اقتصاد کلان

زنجیره عدم تعادل‌های تاریخی بخش‌های حقیقی و پولی که در شرایط عدم تعمیق مالی در اقتصاد کلان و عدم بهبود خالص مبادلات مالی بین‌المللی در قالب افزایش نسبت کسری پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی و نیز رشد نسبت نقدینگی به تولید (شکل ۴) انعکاس یافته است، در شرایط استفاده از رژیم چند نرخي ارز به ترتیب باعث اختلال در فرایند تخصیص بهینه عوامل تولید و منابع مالی، رشد مازاد تقاضا (افزایش بیشتر تقاضا نسبت به عرضه ارز)، عدم تعادل ادواری در بازار ارز و همچنین ناپایداری و کسری جریان نقدی‌تر از پرداخت‌های ارزی می‌شود. چرخه عدم تعادل بخش‌های حقیقی و پولی که به بخش خارجی منتقل شده در شرایط استفاده از رژیم چند نرخي ارز به دلیل رشد نسبی واردات منتفع از نرخ‌های ترجیحی نسبت به صادرات مورد تسعیر با نرخ‌های غیرترجیحی مشمول پیمان ارزی موجب تضعیف تراز تجاری غیرنفتی (الگوی جذب) و نیز کاهش مضاعف رابطه مبادله و قدرت خرید پول ملی می‌شود. در همین راستا، افزایش متوسط نرخ ارز اسمی از طریق انبساط خالص دارایی خارجی بانک مرکزی (شکل ۵) در کنار آثار پولی کسری پس‌انداز ناخالص داخلی (رشد خالص بدهی دولت به بانک‌ها و بانک مرکزی)، عملاً موجب انبساط مضاعف کل‌های پولی شده که در قالب



به منظور توقف چرخه مذکور، استفاده کوتاه مدت از این رژیم اجتناب‌ناپذیر است. در رژیم چند نرخ ارز، واردکنندگان جهت بهره‌مندی از شکاف میان نرخ‌های ترجیحی (نرخ ارز دولتی و نرخ نیما) و نرخ‌های بازار آزاد غالباً، قیمت ارزش هزینه‌های حمل و بیمه کالاها را وارداتی مورد ثبت سفارش را بیش از اظهار می‌کنند. شکاف میان نرخ‌های دولتی، نیما و بازار آزاد نیز طی سال ۱۴۰۰ به طور متوسط ۵۷۰ درصد و ۱۸ درصد بوده که به عنوان حاشیه سود واردات قابل شناسایی است. به عبارت دیگر در شرایط بیش از اظهار حداقل ۲۰ درصدی ارزش ثبت سفارش کالاها را وارداتی (قیمت به علاوه هزینه‌های حمل و بیمه)، عملاً واردات در قیمت‌های برابر با بهای کالاها و خدمات داخلی (سربه سر) نیز توجیه‌پذیر بوده، زیرا سود تجاری واردات از طریق دو متغیر شکاف نرخ‌های ارزی و همچنین اندازه بیش از اظهار وارداتی تحقق‌پذیر خواهد بود. این فرایند اگرچه متقابلاً موجب افزایش نسبی (تنبیهی) حقوق و عوارض گمرکی پرداختی برای واردات نیز می‌شود، مقادیر بیشتر حاشیه سود مربوط به تفاضل نرخ‌های برابری تخصیصی برای واردات (تفاوت نرخ‌های تسعیر رسمی و غیر رسمی) عملاً انگیزه‌های بیش از اظهار واردکنندگان را توجیه می‌کند. در خصوص صادرات غیرنفتی نیز به علت الزام صادرکنندگان به توثیق پیمان ارزی جهت عرضه منابع ارزی صادراتی در سامانه مبادلاتی نیما انگیزه‌های انتفاعی مشابهی جهت کم‌اظهاری صادرات شکل گرفته است زیرا صادرکنندگان معادل مبالغ کم‌اظهاری نسبت به نرخ مبادلاتی نیما را با نرخ بازار آزاد تسعیر می‌کنند و از عواید مربوط به مابه‌التفاوت نرخ‌های متفاوت تسعیر بهره‌مند خواهند شد.

در این راستا، صادرکنندگان متقابلاً برگه‌های سبز گمرکی و اظهارنامه‌های صادراتی را با نرخ‌های کمتری اظهار می‌دارند که از یک طرف موجب (کاهش عوارض احتمالی پرداختی صادراتی کاهش مالیات علی‌الحساب صادرات غیرنفتی و همچنین عوارض صادراتی کانی‌های معدنی و فلزی) و از طرف دیگر باعث بهبود حاشیه سود صادرات آنها از محل فروش و تسعیر درآمدهای صادراتی (با نرخ ارز بازار آزاد) می‌شود. در نهایت، می‌توان گفت در رژیم ارز چند نرخ اطلاعات صادرات غیرنفتی و واردات و متقابلاً اظهارنامه‌های مربوطه به ترتیب کم‌اظهاری و بیش از اظهار داشته و همچنین اطلاعات پایشی مبادلات مالی تجاری خارجی و تراز تجاری کشور نیز تورش‌دار خواهد بود. این تورش به علت اختصاص منابع مربوط به مبادلات مذکور در قالب انتقالات ارزی (خالص خروج سرمایه از

اقتصاد و تخصیص مقادیر بالاتری برای مصارف خدماتی) موجب تشدید عدم شفافیت و تضعیف سازوکار پایش منابع و مصارف ارزی اقتصاد ایران شده که در شرایط بروز تکانه‌های مقطعی داخلی کسری خالص پس انداز ناخالص داخلی و تورم بالا و خارجی (تحریم و کاهش درآمدهای صادراتی) عملاً فرایند سیاست‌گذاری ارزی را نیز دچار اخلاص خواهد ساخت.

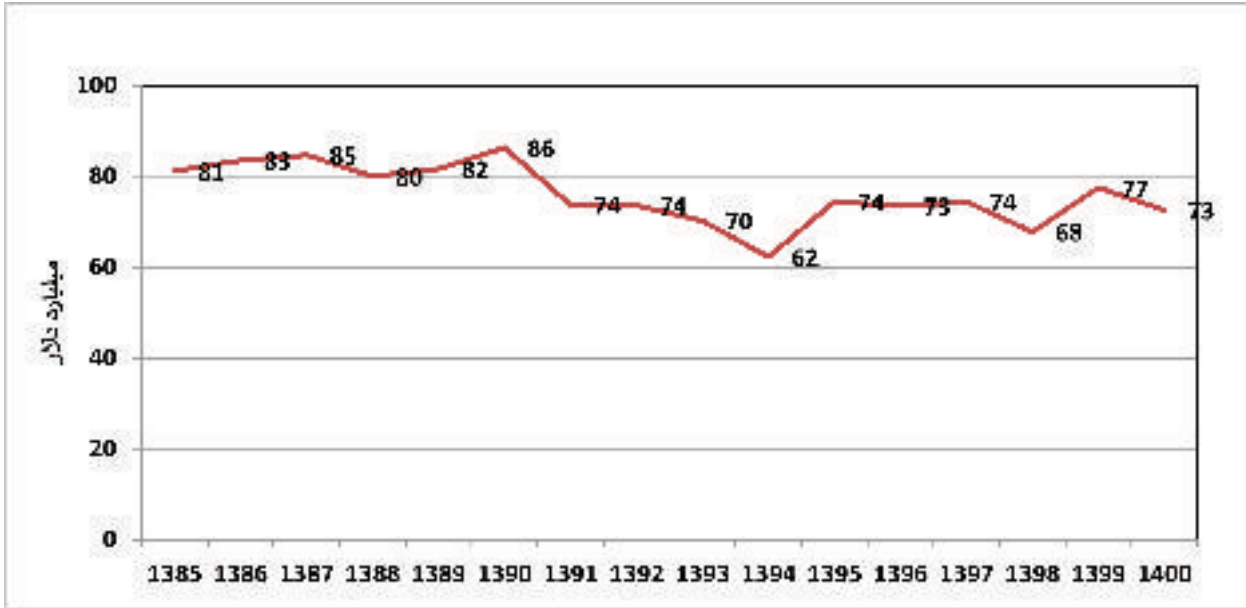
۴-۴- رژیم چند نرخ و مضیقه اعتباری

رژیم چند نرخ ارز از یک طرف تقاضا برای محصولات و خدمات اعتباری متکی بر نرخ‌های ترجیحی و از طرف دیگر سهم دارایی‌های ارزی بانک‌ها را در ترازنامه شبکه بانکی افزایش می‌دهد و واردکنندگان از منابع ارزی ترجیحی و غیر ترجیحی (به علت نااطمینانی نرخ‌های برابری و انتظار کاهش ادواری ارزش پول ملی حتی در بازار غیررسمی) بوده که موجب تبدیل بخشی از دارایی‌های ترازنامه بانک‌ها به انواع مختلف دارایی‌های خارجی می‌شود. این فرایند به صورت دفتری باعث افزایش سودهای عملیاتی و غیر عملیاتی بانک‌ها از محل کارمزد خدمات اعتباری و تغییرات نرخ‌های تسعیر تسهیلات مذکور می‌گردد. در این راستا، افزایش دارایی‌های خارجی در قالب سپرده‌های ارزی نزد بانک‌های بین‌المللی (ارز و طلا) تسهیلات ارزی به اشخاص مقیم و سرمایه‌گذاری روی ابزارهای مالی و اوراق بهادار بین‌المللی عملاً سهم دارایی‌های قابل تصرف شبکه بانکی جهت عرضه محصولات و خدمات اعتباری غیرارزی را نیز کاهش می‌دهد افزایش محصولات و تسهیلات اعتباری ارزی اگرچه وضعیت باز ارزی بانک‌ها را به عنوان یک مولفه سلامت مالی بهبود بخشیده، در شرایط بروز تکانه‌های کاهش ارزش پول ملی موجب نکول اقساط بازپرداخت دیون مذکور توسط مشتریان و واردکنندگان شده که نخستین آثار انتقالی آن به ترتیب در قالب کاهش مضاعف دارایی‌های قابل تصرف و محصولات اعتباری (برحسب پول ملی و اسعار خارجی در بانک‌های با سهم بالای تسهیلات ارزی)، کسری جریان وجوه بانک‌ها و همچنین شکل‌گیری فرایند استقراض از بازارهای بین بانکی و بانک مرکزی (اضافه برداشت کوتاه‌مدت) انعکاس می‌یابد. در تحلیل نهایی تبدیل سهمی از منابع مالی شبکه بانکی به صورت مختلف دارایی‌های خارجی در کنار افزایش احتمال نکول تسهیلات اعتباری ارزی (مشمول افزایش نرخ)، مستقیماً ظرفیت بالقوه اعتباری بانک‌ها را دچار انقباض و مضیقه

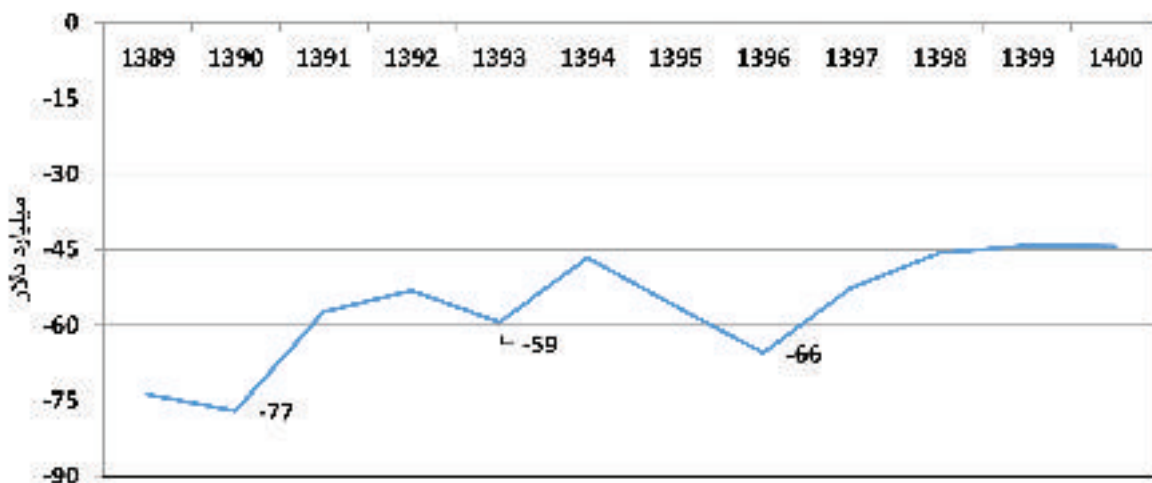
خواهد ساخت. عدم افزایش نرخ‌های برابری اسعار حامل آثار معکوس در تصمیم‌های واردکنندگان و خصوصاً مشتریان بهره‌مند از محصولات ارزی متکی بر نرخ‌های حمایتی بوده، زیرا آنها علاوه بر دسترسی آسان به این محصولات اعتباری، عملاً از منافع و نرخ‌های ترجیحی (خصوصاً نرخ‌های تثبیتی) نیز منتفع خواهند شد. این پدیده انگیزه مشتریان جهت تسویه تعهدات و دیون ارزی متکی بر نرخ‌های ترجیحی را کاهش داده و باعث تشدید مضیقه اعتباری و کاهش مضاعف سهم منابع اعتباری قابل تصرف شبکه بانکی می‌شود که در کنار کسری و عدم تعادل جریان وجوه بانک‌ها باعث انبساط اضافه برداشت افزایش کل‌های پولی، و همچنین تضعیف مولفه‌های سلامت مالی و تشدید ریسک‌های اعتباری، بازار و نقدینگی شبکه بانکی می‌شود.

۴-۵- عدم دسترسی به شبکه‌های پرداخت و تسویه بین‌المللی

همزمانی شکل‌گیری رژیم چند نرخ ارز در کنار بروز چالش‌های ساختاری مربوط به عدم انطباق با ضوابط سلامت مالی و نظارت احتیاطی بین‌المللی نظام مالی بانکی (مقررات سلامت مالی کمیته بال ضوابط حاکمیت شرکتی، مقررات نظارت احتیاطی گروه ویژه اقدام مالی پیرامون مقابله با پولشویی - مبارزه با جرایم سازمان یافته فرار مالیاتی مقابله با تأمین مالی تروریسم استانداردهای گزارش‌دهی مالی بین‌المللی، و...)، اعمال تحریم‌های مختلف دو و چندجانبه بین‌المللی (بخش‌های نفتی، بانکی حمل و نقل، بیمه، بازرگانی، صنایع پایه، و...)، توقف عرضه خدمات بیمه‌های اعتباری تجاری خارجی برای شرکت‌های ایرانی در بازارهای جهانی و توقف ممیزی و رتبه‌بندی اقتصاد کشور توسط موسسات رتبه‌بندی بین‌المللی از یک طرف موجب قرارگیری اقتصاد ایران در گروه پرریسک‌ترین اقتصادهای جهانی و از طرف دیگر باعث توقف دسترسی اشخاص مقیم به سامانه‌های پرداخت و تسویه (پولی- مالی) بین‌المللی شده است. این چالش‌ها همچنین موجب بروز محدودیت‌های شدیدی در فرایند دسترسی به دارایی‌های خارجی اشخاص مقیم (دولت، بانک مرکزی، نهادهای عمومی شبکه بانکی، شرکت‌ها اشخاص)، محدودیت وصول و انتقال بین‌المللی درآمدهای صادراتی عدم دسترسی مستقیم اشخاص مقیم به سامانه‌های تأمین اعتبار و تسویه پولی- مالی بین‌المللی (در فرایند مبادلات مالی- تجاری)، و نیز محدودیت دسترسی به درگاه‌های مبادلات و انتقالات الکترونیکی خارجی (اسعار و رمزارزها) شده است به طوری که آثار غیرمستقیم آنها موجب



شکل ۶. سهم عبادرات بخش نفت و بنروشمیمی در منابع حساب جاری ترازو داخلی



شکل ۷. تراز حساب جاری غیر نفتی - غیر پتروشیمی

غیر متمرکز برون مرزی اسعار (تحت مدیریت بانک مرکزی) بود که عملاً مورد استفاده قرار نگرفت. تشکیل بازار برون مرزی اسعار با قابلیت عرضه قراردادهای سلف حداکثر یک هفته‌ای (پنج روز کاری) از یک طرف ریسک نوسانات نرخ‌های برابری را برای مبادلات مالی - تجاری بین‌المللی عاملین اقتصاد کاهش می‌دهد و از طرف دیگر دسترسی محدود به سامانه‌های پرداخت و تسویه بین‌المللی (جهت مبادلات ریال با اسعار مختلف) را تسهیل می‌سازد. این سیاست همچنین می‌توانست مازاد تقاضای بازار ارز را از محل رشد ادواری تقاضاهای احتیاطی و سوداگرانه به تدریج

نااطمینانی و ریسک فعالان اقتصادی در بازارهای نقدی و تعهدی اسعار و همچنین افزایش توانر تکانه‌های ادواری را فراهم ساخته است. تعدیل محدود شدت تحریم‌ها طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۶ موجب بهبود نسبی روابط کارگزاری بانکی بین‌المللی میان بانک‌های داخلی با شعب خارجی خود و همچنین تسهیل فرایند عرضه خدمات غیر اعتباری ارزی خارجی شد که در کنار تعمیق بازار آتی سکه (با سررسیدهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت)، موجب کاهش اختلالات سوداگرانه قیمت‌های طلا و اسعار در اقتصاد کشور گردید. این رخداد فرصت مناسبی جهت تشکیل بازار یکپارچه آتی و نیز بازار

۴-۷- عدم شکل‌گیری بازارهای برون مرزی و مشتقه ارزی و تداوم رژیم چند نرخ ارز

عدم تشکیل بازار مشتقات ارزی (حداقل با قابلیت مبادله ابزارهای معاملات سلف کوتاه‌مدت روزانه و هفتگی) و همچنین توقف فعالیت بازار برون مرزی ارز به ترتیب موجب فقدان عرضه ابزارهای پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز کاهش مبادلات مالی بین‌المللی اسعار (در شرایط تحریمی)، ضعف مدیریت اختلالات و رشدهای مقطعی متأثر از مازاد تقاضای نقدی (در شرایط کمبود ارز نقدی) شده که مستقیماً زمینه افزایش

مرزی پول ملی نیز مواجهه بوده که از یک طرف ناپایداری تر از پرداخت‌های ارزی را تشدید ساخته و از طرف دیگر نسبت مبادلات نقدی به تعهدی بخش خارجی اقتصاد کشور را طی دهه گذشته افزایش داده است. کاهش عدم تعادل‌های بازار ارز در شرایطی که خروج از چالش‌های ساختاری و تغییر در رژیم چند نرخ در میان مدت ممکن نباشد، صرفاً از طریق کاهش تدریجی شکاف میان نرخ‌های رسمی و غیررسمی و مدیریت عدم تعادل‌های کلان در میان مدت و نیز تعدیل چالش‌های زیر ساختی ناظر بر مبادلات مالی تجاری بین‌المللی میسر است.

آثار تورم انتقالی حاصل از افزایش ادواری نرخ‌های اسمی اسعار بخش‌های قابل تجارت و غیرقابل (تجارت در قالب تضعیف روند رشد پایدار غیرتورمی، خروج منابع مالی از بخش‌های حقیقی به مالی و ناپایداری تراز پرداخت‌ها (خصوصاً جریان نقدی ارزی) و بازار ارز که در شرایط تداوم چالش‌های مربوط به تحریم‌های مالی - تجاری بین‌المللی (عدم دسترسی به خدمات اعتباری جهانی و محدودیت مبادلات برون مرزی پول داخلی) به وقوع پیوسته مستقیماً موجب تعمیق رژیم چند نرخ و گسترش موانع حرکت به سوی یکسان‌سازی نرخ ارز طی دهه گذشته شده است. در این راستا مدیریت عدم تعادل‌های مالی خصوصاً کسری بودجه بخش عمومی در کنار تقویت قدرت تصفیه بازارها (بازارهای عوامل، مالی و ارز)، تقویت استقلال و کارایی ابزارهای سیاست پولی با هدف کاهش اختلالات میان مدت در رژیم چند نرخ ارز (با فرض تداوم محدودیت‌های برون‌زای مالی - تجاری بین‌المللی)، به عنوان آخرین انتخاب برای اقتصاد ایران پیشنهاد می‌شود.

منبع: پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

از افزایش نسبت تورم داخلی به خارجی و کسری جریان نقدی) مواجه‌اند، عملاً به عنوان یک رژیم با کارآمدی کمتر اما اجتناب‌ناپذیر مورد استفاده سیاست‌گذاران پولی قرار می‌گیرد. این رژیم با هدف حمایت از قدرت خرید خانوارها، کاهش هزینه‌های تولید (تخصیص ارز ترجیحی برای تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای) و نیز تضعیف آثار تورم انتقالی (متأثر از کاهش مقطعی قدرت خرید پول ملی) در تعداد بسیار محدودی از اقتصادهای در حال توسعه و ایران طی یک دهه گذشته مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از رژیم چند نرخ ارز به ترتیب موجب بروز چالش‌های مختلفی در قالب تخصیص غیر بهینه نهاده‌های تولید و منابع مالی کاهش رشد اقتصادی، تضعیف مولفه‌های سلامت مالی نهادهای اعتباری (بانک‌ها، موسسات اعتباری و لیزینگ‌ها) کاهش ظرفیت وام دهی و عرضه محصولات اعتباری (مضیقه اعتباری) رشد سهم مبادلات سوداگرانه و احتیاطی از کل مبادلات ارزی، افزایش انتظارات تورمی و نیز رشد عدم تعادل و ناپایداری تراز پرداخت‌های ارزی می‌شود مجموعه این چالش‌ها اگرچه ناپایداری بازار ارز را تحت رژیم چند نرخ افزایش داده میزان اتکا به این رژیم را نیز (در شرایط تعدیل تدریجی شکاف میان نرخ‌های حمایتی رسمی و غیر رسمی) اسعار تقویت ساخته است.

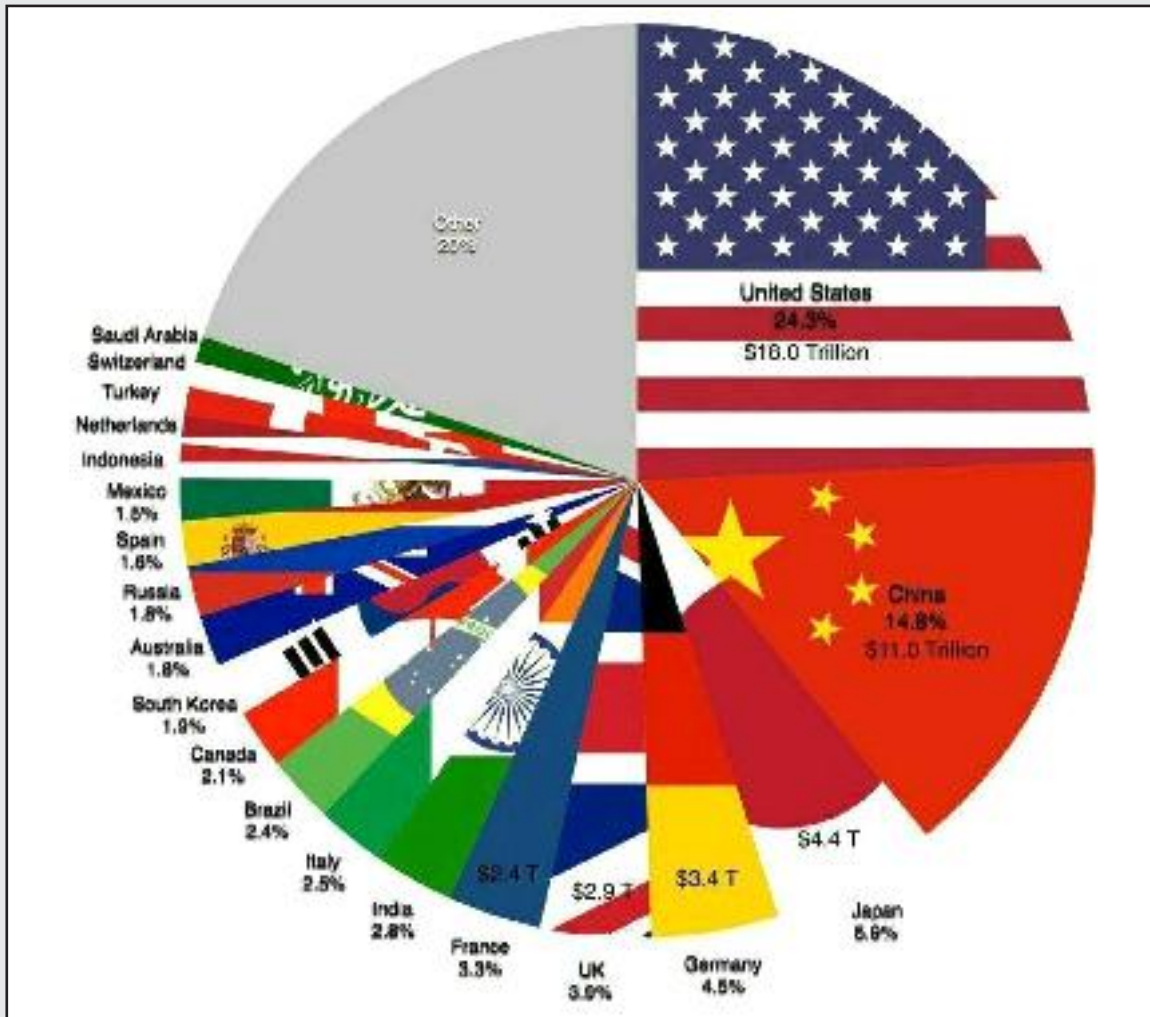
اقتصاد ایران در کنار چالش‌های فوق با افزایش ریسک‌های ساختاری ناظر بر مبادلات مالی تجاری بین‌المللی در قالب محدودیت‌های گسترده متأثر از عدم دسترسی به شبکه‌های پرداخت و تسویه بین‌المللی قطع روابط کارگزاری با نهادها و موسسات اعتباری خارجی (حتی در قالب روابط کارگزاری غیر اعتباری مبتنی بر وثیقه و سپرده)، عدم دسترسی به خدمات موسسات بیمه اعتباری و ممیزی بین‌المللی، محدودیت عملیاتی بازار برون

اعتبار سازوکار انتقال پولی می‌شود؛ اما در میان مدت به محض بروز تکانه‌های کاهش ارزش پولی ملی و افزایش ناگهانی قیمت تمام شده تسهیلات ارزی سبب رشد سهم تسهیلات ارزی غیرجاری (سررسید گذشته معوق و مشکوک‌الوصول)، کاهش محسوس قدرت وام دهی بانک‌ها، افزایش هزینه مطالبات سوخت شده کسری جریان نقدی موسسات اعتباری و همچنین افزایش استقراض از بازار بین بانکی، اضافه برداشت شبانه از بانک مرکزی و نهایتاً رشد قیمت تمام شده منابع مالی شبکه بانکی می‌شود. چرخه پنج مرحله‌ای اتکا به منابع اعتباری بین‌المللی جهت تأمین مالی واردات مدیریت ناکارای تکانه‌های پیوسته ارزی افزایش نسبت تسهیلات اعتباری غیرجاری، تشدید مضیقه اعتباری و نیز افزایش قیمت تمام شده منابع مالی شبکه بانکی از یک طرف موجب گزینش معکوس تأمین مالی فعالیت‌های پر ریسک‌تر (با بازدهی مورد انتظار بالاتر) و از طرف دیگر باعث تضعیف مضاعف سرمایه پایه شبکه بانکی (برحسب دلار) و قدرت تأمین مالی بالقوه آنها می‌شود. این فرایند به‌طور بالقوه آسیب‌پذیری تراز پرداخت‌های خارجی و همچنین ناپایداری رژیم چند نرخ ارز را تشدید ساخته که نخستین پیامد آن رکود تورمی ادواری در اقتصاد کشور بوده است.

۵- نتیجه‌گیری

رژیم چند نرخ ارز برای اقتصادهایی که با عدم تعادل‌های پیوسته بخش‌های حقیقی (کسری پس انداز ناخالص داخلی)، عدم تعادل پولی و خارجی، سلطه، مالی کشش‌های اندک تجارت خارجی (صادرات و واردات) مبادلات محدود و پرنوسان مالی - تجاری بین‌المللی تورم‌های بالا و همچنین تکانه‌های ادواری بر نرخ‌های برابری اسعار (متأثر





سهم کشورها از اقتصاد جهان

اقتصادهایی که کوچک تر شدند

براساس آخرین پیش بینی صندوق بین المللی پول (IMF) از چشم انداز تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۲۳، اعلام شده که تا پایان سال جاری میلادی اندازه اقتصاد جهانی به ۱۰۵ تریلیون دلار برسد؛ رقمی که در حدود ۵ تریلیون دلار بیشتر از سال قبل از آن یعنی ۲۰۲۲ است. در واقع آمارها و برآوردها نشان می دهد که به صورت اسمی اندازه اقتصاد جهان از منظر تولید ناخالص داخلی ۵/۳ درصد افزایش یافته و نرخ تورم نیز ۲/۸ درصد خواهد بود. این مسأله در حالی رقم خورده که سال جدید میلادی با آشفتگی و چالش های مهمی برای اقتصاد جهان آغاز شد؛ به طوری که شاهد فروپاشی چندین بانک آمریکایی، تورم و نیز سخت تر شدن شرایط مالی در کشورهای مختلف بودیم. با این حال کارشناسان معتقدند که افزایش ۵ تریلیون دلاری در تولید ناخالص داخلی جهان، حاکی از انعطاف پذیری اقتصادی است.

در همین رابطه سایت وبژوال کاپیتالیزم در گزارشی به نقل از بانک جهانی تصریح کرد که مطابق انتظارات ایالات متحده آمریکا همچنان بزرگترین اقتصاد جهان با تولید ناخالص داخلی ۲۶/۹ تریلیون دلار خواهد بود. رقمی که از مجموع تولید ناخالص داخلی ۱۷۴ کشورها جهان بیشتر بوده و ۲۵/۵ درصد از اندازه کل اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است. در رتبه دوم نیز مانند گذشته چین با پیش بینی تولید ناخالص داخلی ۱۹/۴ تریلیون دلاری برای سال جاری قرار دارد. همچنین برآوردها حاکی از آن است که از رتبه یک تا پنج بزرگترین اقتصادهای جهان به غیر از مواردی معدود، اتفاقی خاصی از لحاظ رتبه بندی ایجاد نشود. به طور مثال پیش بینی شده که هند در سال جاری میلادی با تولید ناخالص داخلی ۲/۷ تریلیون دلاری با عبور از بریتانیا به رتبه پنجمین اقتصاد بزرگ جهان برسد. برآورد صندوق بین المللی پول به تفکیک قاره و کشوری که در رتبه نخست تولید ناخالص داخلی قرار دارد، حاکی از آن است که در قاره آفریقا، نیجریه با ۵۰۶ میلیارد دلار در رتبه نخست قرار دارد. در آسیا نیز قاعدتاً چین با ۱۹/۴ تریلیون دلار در رتبه اول قرار داشته و در اروپا آمارها حاکی از آن است که آلمان با ۴/۳ تریلیون دلار بیشترین تولید ناخالص داخلی این قاره را به خود اختصاص داده است. در خاورمیانه عربستان سعودی با ۱/۱ تریلیون دلار بیشترین تولید ناخالص داخلی را داشته و در آمریکای شمالی نیز رتبه اول متعلق به ایالات متحده است. علاوه بر این در اقیانوسیه هم استرالیا با ۱/۷ تریلیون دلار و در آمریکای جنوبی، برزیل با ۲/۱ تریلیون دلار در کلام بزرگترین اقتصادهای این قاره ها را تشکیل می دهند.

مطابق برآوردهای انجام شده، پیش بینی می شود که ۲۹ کشور از لحاظ اقتصادی نسبت به سال ۲۰۲۲، کوچک تر شوند؛ امری که باعث کاهش ۵۰۰ میلیارد دلاری در تولید ناخالص اقتصادی جهانی خواهد شد. شواهد نشان می دهد که به احتمال زیاد، اقتصاد روسیه تا پایان سال جاری میلادی با کاهش ۱۵۰ میلیارد دلاری در تولید ناخالص داخلی در میان ۲۹ کشور رتبه اول را داشته باشد. بعد از روسیه نیز مصر و کانادا، هریک با کاهش ۸۸ و ۵۰ میلیارد دلاری در رتبه های بعدی کاهش تولید ناخالص داخلی قرار دارند. در مورد مصر، این افت را می توان تا حدی با واحد پول این کشور (پوند مصر) توضیح داد که از اواسط سال ۲۰۲۲ ارزش آن در برابر دلار آمریکا حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است. همچنین در حالی که بخش مهمی از کاهش تولید ناخالص داخلی کانادا به کاهش قیمت نفت از اواسط سال گذشته بازمی گردد، این مسأله برای روسیه همزمان با کاهش قیمت نفت به مجبور شدن این کشور برای فروش نفت با تخفیف به واسطه تحریم نیز مرتبط می شود. در این راستا شواهد نشان می دهد که در سال جاری میلادی عربستان با ۴۶/۲ میلیارد دلار، نروژ با ۲۵ میلیارد دلار، کویت با ۱۹ میلیارد دلار، عمان با ۹ میلیارد دلار، امارات با ۸/۵ میلیارد دلار، آفریقای جنوبی با ۶/۶ میلیارد دلار و قطر با ۵/۹ میلیارد دلار از جمله اقتصادهای مهمی باشند که با کاهش تولید ناخالص داخلی روبرو می شوند. البته نکته حائز اهمیت این است که هر چند نهادهایی مانند صندوق بین المللی پول در پیش بینی تولید ناخالص داخلی نسبتاً دقیق عمل می کنند، اما از آنجا که چنین برآوردهایی در ابتدای سال جاری میلادی انجام شده، ممکن است تا پایان ۲۰۲۳ دستخوش تغییراتی شود. در واقع نکته کلیدی پیش بینی های صندوق بین المللی پول برای رشد تولید ناخالص داخلی ۲۰۲۳ به این بستگی دارد که کشورها چگونه بتوانند تورم را بدون کاهش تولید و مهار کنند. آن هم در شرایطی که وضعیت نقدینگی با چالش مواجه است. با این حال مطابق پیش بینی انجام شده ۱۰ اقتصاد بزرگ جهان از لحاظ تولید ناخالص داخلی عبارتند از: آمریکا با ۲۶/۹ تریلیون دلار، چین با ۱۹/۴ تریلیون دلار، ژاپن با ۴/۴ تریلیون دلار، آلمان با ۴/۳ تریلیون دلار، هند با ۳/۷ تریلیون دلار، انگلیس با ۲/۱ تریلیون دلار، فرانسه با ۲/۹ تریلیون دلار، ایتالیا با ۲/۱ تریلیون دلار، کانادا با ۲/۰۹ تریلیون دلار و برزیل با ۲/۰۸ تریلیون دلار. همچنین ایران در رتبه بندی صندوق بین المللی پول با ۲۶۸ میلیارد دلار در رتبه ۴۲ قرار داشته و ۰/۳۵ درصد از اندازه اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده است.

آرزوتیننی‌های عاشق دلار



دولت‌های چپ‌گرا در امریکای جنوبی همواره وعده سرنگونی دلار را می‌دهند و شهروندان را در تیررس تبلیغات قرار می‌دهند با سرنگونی دلار از دادوستد خارجی شان وضعیت آنها بهتر خواهد شد. با این همه در بیشتر کشورهایی که دولت‌های آنها گرایش‌های ضد امریکایی شدید دارند شهروندانشان عاشق پس‌انداز دلاری هستند و هر میزان پس‌انداز خود را به دلار تبدیل می‌کنند. این داستان در ایران نیز دیده می‌شود. دولت‌های ایران باور دارند با سرکوب کردن قیمت دلار و میخکوب کردن قیمت آن به پول ملی به کاهش نرخ تورم کمک خواهند کرد. با این همه هرگز این خواست دولت‌ها به بار ننشسته است. آرژانتینی‌های احساساتی که در دهه‌های تازه سپری شده بارها و بارها به چپ‌گرایان رای داده‌اند حالا در وضعیتی قرار دارند که ممکن است یک راست افراطی رییس‌جمهور شود. نوشته حاضر این موضوع را بررسی می‌کند که چرا آرژانتینی‌ها عاشق دلارند.

اگر خاویر مایلی، نامزد پیش‌تاز مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری آرژانتین، در انتخابات اواخر امسال پیروز شود، شاید واحد پول این کشور از دور خارج و دلار امریکا جایگزین آن شود.

آرژانتینی‌ها بیش از هر جای دیگر خارج از ایالات متحده دلار دارند و احتکار دلار برای بسیاری از مردم یک روش زندگی است. این حرکت بخشی از طرح شوک‌درمانی راست‌گرایان این کشور با هدف تغییر چشم‌انداز اقتصادی است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ۶۰ درصد آرژانتینی‌ها با این فکر مخالف هستند، زیرا قدرت زیادی به فدرال‌رزرو، بانک مرکزی امریکا، می‌دهد. قبل از قهرمانی جام جهانی ۲۰۲۲، مسی تا آستانه رسیدن به جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل پیش رفته بود، اما با شکست در وقت اضافه دیدار نهایی برابر آلمان، به آرزوی خود نرسید. اما چه خواهیم چه نخواهیم، دلار در حال حاضر نقش مهمی در اقتصاد آنها ایفا می‌کند که برای برخی این ایده مانند یک نتیجه از پیش تعیین شده به نظر می‌رسد. آرژانتینی‌ها به‌طور سنتی ذخیره کمی از واحد پول خود دارند و ترجیح می‌دهند پزو اضافی خود را در اسرع وقت به دلار تبدیل کنند. آنها به موسسات مالی هم اعتماد چندانی ندارند، بنابراین به چیزی متوسل می‌شوند که در زبان محلی به عنوان «بانک کولشون» شناخته می‌شود، یعنی

می‌داد که هیچ‌کس مدتی طولانی آنها را نگه نمی‌داشت. به‌طور کلی دو راه برای ادامه وجود داشت: خرید کالا به صورت عمده یا خرید دلار امریکا، زیرا هر یک از آنها ارزش خود را بهتر حفظ می‌کرد. اکنون آرژانتین دوباره با مشکل هزینه‌های زندگی مواجه است و تورم سالانه ۱۱۵ درصد است. این منجر به افزایش شوکه‌کننده افرادی شده که در فقر زندگی می‌کنند، به این ترتیب که از حدود یک‌چهارم جمعیت در سال ۲۰۱۷ به بیش از ۴۰ درصد در حال حاضر رسیده است. ممکن است فکر کنید که هیچ حکومتی، که برای خود اعتبار و احترامی قائل باشد، نمی‌خواهد این وضعیت برای همیشه ادامه یابد. حق با شما است.

تلاش‌های مختلف برای بازگرداندن اعتماد آرژانتین به واحد پول خود صورت گرفته است یا با تقویت ارزش آن یا صرفاً با محدود و متوقف کردن عرضه دلار. اما همه این تلاش‌ها در نهایت شکست خورده است.

دلارهای خود را زیر تشک می‌گذارند. حکایت‌های زیادی درباره افرادی وجود دارد که پول‌هایی را در باغ دفن می‌کنند، در دیوارها پنهان می‌کنند یا حتی در دستگاه‌های گرمایشی مخفی می‌کنند در نتیجه اگر گاهی سرمای غیرمنتظره‌ای رخ دهد و پول نقد قبل از دود شدن بازیابی نشود، عواقب فاجعه‌باری در پی دارد. این امر نشانه مشکلات اقتصادی ساختاری عمیق کشور است و مثل همه بیماری‌های مزمن، یک‌شبه ایجاد نشده است. برای پی بردن به ریشه وسواس مردم آرژانتین نسبت به دلار امریکا، باید به روزهای تاریک دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ برگردیم؛ زمانی که دوره‌های تورم شدید اقتصاد این کشور را نابود کرد. تخمین زده می‌شود که تنها در دهه ۱۹۸۰، آرژانتینی‌های طبقه متوسط شاهد کاهش ۳۰ درصدی قدرت خرید خود بودند. در آن زمان، افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، ارزش دستمزدها را کاهش داد و پس‌انداز کردن را به کاری بی‌هوده تبدیل کرد تا جایی که مردم اعتمادشان را به پول خودشان از دست دادند. پژوهی موجود در جیب آنها آنقدر سریع ارزش خود را از دست

تورم منفی در چین



هم‌زمان با کاهش قیمت برای مصرف‌کنندگان چینی در ماه گذشته میلادی، برای اولین بار در دو سال اخیر تورم در این کشور منفی شده است. آمار رسمی نشان می‌دهد شاخص قیمت مصرف‌کننده، که معیاری برای محاسبه تورم است، در ماه ژوئیه نسبت به یک سال قبل از آن ۳/۰ درصد افت کرده است. تحلیلگران می‌گویند این وضعیت فشار روی دولت چین برای احیای بازار در دومین اقتصاد بزرگ جهان را افزایش داده است. تورم منفی در حالی رخ می‌دهد که تازه‌ترین آمار صادرات و واردات چین هم امیدوارکننده نیست، و همه اینها ابهامات درباره سرعت احیای اقتصادی بعد از دوره همه‌گیری کووید در این کشور را بیشتر کرده است. مقام‌های چین هم‌زمان درگیر افزایش شدید بدهی دولت و معضلات مربوط به بازار مسکن هم هستند. از سوی دیگر در حالی که بیش از ۵/۱۱ میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها امسال وارد بازار کار خواهند شد، آمار بیکاری جوانان - که بالاترین رکورد را ثبت کرده - باعث افزایش نگرانی‌ها شده است.

به گفته کارشناسان اقتصادی سقوط قیمت‌ها کار چین را برای کاهش بدهی دولتی سخت‌تر می‌کند و به تبع آن مشکلات دیگری مانند کند شدن نرخ رشد اقتصادی تشدید می‌شود. دنیل ماری، از شرکت سرمایه‌گذاری «مدیریت دارایی ای‌اف‌جی» می‌گوید: «هیچ راهکار معجزه‌آسایی برای بالا بردن تورم وجود ندارد.» به گفته او شاید «ترکیبی از افزایش مخارج دولتی و کاهش مالیات‌ها، هم‌زمان با سیاست‌های کمتر سختگیرانه پولی» بتواند در این موقعیت به کمک دولت چین بیاید. بیشتر کشورهای توسعه‌یافته بعد از پایان محدودیت‌های همه‌گیری کرونا، شاهد افزایش شدید مخارج مصرف‌کنندگان بودند. کسانی که پس‌انداز داشتند ناگهان می‌خواستند و می‌توانستند پول خرج کنند در حالی که کسب و کارها برای برآورده کردن تقاضا در بازار به تکاپو افتاده بودند. رشد چشمگیر تقاضا برای کالاهایی که تامین آنها با محدودیت روبرو شده بود - به علاوه افزایش قیمت انرژی بعد از حمله روسیه به اوکراین - باعث بالا رفتن قیمت‌ها و افزایش تورم در این کشورها شد. اما در چین این اتفاق نیفتاد. بعد از پایان سخت‌ترین محدودیت‌های مربوط به کرونا در جهان، و هم‌زمان با به کار افتادن دوباره اقتصاد، قیمت‌ها صعود قابل توجهی نداشت. آخرین افت شاخص قیمت مصرف‌کننده در چین مربوط به فوریه سال ۲۰۲۱ بود. واقعیت این است که اقتصاد چین ماه‌هاست که در معرض تورم منفی بوده است و ابتدای سال جاری میلادی به دلیل کساد تقاضا در بازار، در عمل رشدی نداشته است. قیمت تولیدکنندگان یا همان

این وضعیت برای خود چین چه معنایی دارد؟

اقتصاد چین همین الان با مشکلات دیگری هم روبرو است. یکی از آنها این است که سرعت احیای اقتصاد این کشور بعد از همه‌گیری کرونا کمتر از حد انتظار بوده است. تازه‌ترین آمار رسمی چین نشان می‌دهد که صادرات این کشور در ماه ژوئیه نسبت به سال قبل از آن ۵/۱۴ درصد کمتر شده و واردات هم ۴/۱۲ درصد کاهش یافته است. این ارقام ناامیدکننده هم‌زمان با پیش‌بینی‌های مربوط به کندتر شدن رشد اقتصادی چین در سال جاری میلادی منتشر شده و بر نگرانی‌ها افزوده است. چین همچنین با بحران در بازار مسکن خود هم دست و پنجه نرم می‌کند که در پی سقوط «گروه اورگرند»، بزرگ‌ترین شرکت ساخت و ساز مسکن در این کشور تشدید شده است.

دولت چین تلاش می‌کند این پیام را به جهان ارسال کند که همه‌چیز تحت کنترل است، اما تا الان هیچ اقدام قابل توجهی برای کمک به افزایش رشد اقتصادی نکرده است. اسوار پراساد، استاد سیاست تجاری و اقتصاد در دانشگاه کرنل، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان را برای احیای اقتصادی چین حیاتی می‌داند. او می‌گوید: «مسئله اصلی این است که دولت تا چه حد می‌تواند بار دیگر اعتماد بخش خصوصی را جلب کند تا خانوارها هم به جای پس‌انداز کردن، مخارج خود را افزایش دهند و سرمایه‌گذاری روی کسب و کارها شروع شود؛ اتفاقاتی که تاکنون رخ نداده است.

قیمت‌های کارخانه‌ای در چین هم رو به کاهش بوده است. آلیسیا گارسیا-ارو، استاد دانشگاه علوم و فناوری هنگ‌کنگ می‌گوید: «مسئله نگران‌کننده این است که تقاضا در چین ضعیف بوده، در حالی که در بقیه جهان، به ویژه در غرب رشد کرده است. تورم منفی کمکی به اقتصاد چین نمی‌کند. بدهی دولتی سنگین‌تر خواهد شد. و هیچ کدام اینها خبر خوبی برای چین نیست.»

چرا تورم منفی مشکل‌زا است؟

درصد بالایی از کالاهایی که در بازارهای سرتاسر جهان فروخته می‌شود، در چین تولید می‌شود. یکی از تأثیرات بالقوه مثبتی که یک دوره تورم منفی در چین می‌تواند داشته باشد این است که باعث می‌شود افزایش قیمت‌ها را در نقاط دیگر جهان - مثلاً در بریتانیا - مهار کند. اما ورود اجناس ارزان‌تر چینی به بازارهای جهانی برای تولیدکنندگان در کشورهای دیگر پیامدهای منفی خواهد داشت. چنین وضعیتی می‌تواند سرمایه‌گذاری در کسب و کار در کشورهای دیگر را با مشکل جدی روبرو کند و باعث افزایش بیکاری شود. از سوی دیگر ادامه سقوط قیمت‌ها در چین ممکن است تأثیر منفی روی سود شرکت‌ها و مخارج مصرف‌کنندگان داشته باشد. چنین حالتی هم می‌تواند به آمار بالاتر بیکاری منجر شود. این وضعیت باعث می‌شود تقاضای چین - به عنوان بزرگ‌ترین بازار فروش جهان - برای انرژی، مواد خام و مواد غذایی به شدت کاهش یابد و باعث ضربه‌ای قابل توجه به صادرات جهانی شود.

بنگاه‌های ارزشمند جهان در سال ۲۰۲۳



۱۰ بنگاه با ارزش جهان

طبق گزارشی که به تازگی ویژوال کاپیتالست منتشر کرده، شرکت اپل در میان ۱۰ بنگاه برتر جهان با ارزش بازار ۲/۷۷ تریلیون دلار در رتبه نخست قرار دارد. بعد از اپل مایکروسافت آمریکا با ۲/۳۸ تریلیون دلار در مکان دوم و شرکت نفت آرامکوی عربستان با ۲/۲۲ تریلیون دلار در رتبه سوم قرار دارند. همچنین آلفابت، آمازون، NVIDIA نیز به ترتیب با ارزش بازار ۱/۶۳، ۱/۳۸، ۱/۰۱، تریلیون دلار در رتبه‌های چهارم و ششم قرار دارند. پس از اینها، برکشایر هارتوی، متا، تسلا و الی لیلی هم هر کدام با ارزش بازار ۷۷۴، ۷۵۴، ۷۱۵ و ۵۱۹ میلیارد دلار در مکان‌های هفتم و دهم قرار دارد. نکته قابل توجه این است که در میان ۱۰ بنگاه ارزشمند جهان به غیر از آرامکوی عربستان، تمامی ۹ بنگاه دیگر متعلق به ایالات متحده آمریکا هستند. طبق آمارهای منتشر شده، از غرب آسیا به غیر از آرامکوی عربستان، شرکت اینترنشنال هلدینگ کمپانی امارات در میان ۵۰ بنگاه بزرگ جهان با ارزش بازار ۲۴۰ میلیارد دلار قرار دارد. از شرق آسیا نیز Tencent با ۳۸۹ میلیارد دلار، مواتی با ۳۱۹ میلیارد دلار و علی بابا با ۲۲۸ میلیارد دلار حضور دارند. علاوه بر اینها TSMC تایوان با ۴۷۶ میلیارد دلار، سامسونگ کره با ۳۴۱ میلیارد دلار، تویوتای ژاپن با ۲۲۰ میلیارد دلار و Reliance Industries هند با ۲۱۳ میلیارد دلار نیز مشاهده می‌شوند. همچنین شرکت‌های اروپایی این فهرست به ترتیب ارزش بازار عبارتند از

ارزش بازار یک شرکت معمولاً معیار اصلی برای تعیین جایگاه جهانی آن در نظر گرفته می‌شود. در همین رابطه آمارهای ارائه شده برای ماه جاری میلادی نشان می‌دهد از میان ۵۰ بنگاه اقتصادی پرارزش در سال ۲۰۲۳ که ارزش بازار آنها در مجموع به بیش از ۲۶/۵ تریلیون دلار می‌رسد، همچنان شرکت‌هایی نظیر اپل، مایکروسافت، آرامکوی عربستان، آمازون، آلفابت و انویدیا در صدر جدول قرار دارند. این در حالی است که دو شرکت بزرگ متا (صاحب اینستاگرام، واتساپ و فیس‌بوک) و تسلا که تا سال گذشته از جمله باارزش‌ترین شرکت‌های جهان بودند، حالا به ترتیب با ۷۵۴ و ۷۱۵ میلیارد دلار در جایگاه‌های نهم و هشتم قرار دارند، چراکه هر دو در سال ۲۰۲۲ بخش قابل توجهی از درآمدهای خود را از دست دادند. علاوه بر این بررسی‌ها نشان می‌دهد که در میان ۵۰ بنگاه ارزشمند جهان، بخش فناوری اطلاعات با ۹/۳ تریلیون دلار از ۲۶/۵ تریلیون دلار، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است.

همچنین تفکیک جغرافیایی این شرکت‌ها نشان می‌دهد که اکثریت آنها آمریکایی هستند. پس از ایالات متحده نیز، سه کشور سوئیس، فرانسه و چین قرار دارد؛ به طوری که از سوئیس سه شرکت نستله، روشه و نوارتیس و از فرانسه هم شرکت‌های نظیر LVMH، هرمس و اورتال قرار دارند. از چین نیز سه شرکت Tencent، علی بابا و مواتی در فهرست ۵۰ بنگاه ارزشمند جهان به چشم می‌خورند.

LVMH فرانسه با ۴۴۲ میلیارد دلار، نوونوردیسک دانمارک با ۴۱۸ میلیارد دلار، ASML هلند با ۲۵۸ میلیارد دلار، اورتال فرانسه با ۲۴۴ میلیارد دلار، روشه سوئیس با ۲۴۱ میلیارد دلار، هرمس فرانسه با ۲۲۷ میلیارد دلار، نوارتیس سوئیس با ۲۱۶ میلیارد دلار، آسترازنکای انگلیس با ۲۱۶ میلیارد دلار و شرکت نفتی شل بریتانیا با ۲۰۴ میلیارد دلار قرار دارند.

درصد پراکندگی بنگاه‌ها

در همین راستا، بررسی‌ها نشان می‌دهد که از میان ۵۰ بنگاه ارزشمند جهان ۳۱ شرکت آمریکایی بوده و در مجموع بیش از ۶۲ درصد از بزرگ‌ترین شرکت‌های جهان را از لحاظ ارزش بازار در اختیار دارند. این بدان معنی است که از ۲۶/۵ تریلیون دلار ارزش بازار شرکت‌ها، بیش از ۱۵/۶ تریلیون دلار سهم شرکت‌های آمریکایی است. پس از آمریکا نیز به ترتیب چین، فرانسه و سوئیس با ۶ درصد و بریتانیا با ۴ درصد در مکان‌های بعدی قرار دارند. همچنین اگر قرار باشد از لحاظ قاره‌ای هم سهم شرکت‌ها مورد محاسبه قرار بگیرد، بررسی‌ها نشان می‌دهد که به غیر از آمریکا با سهم بیش از ۶۲ درصدی، اروپا با ۲۰ درصد، شرق آسیا با ۱۲ درصد و غرب آسیا با ۴ درصد در رتبه‌های بعدی جای گرفته‌اند. نکته جالب توجه دیگر این است که در سال ۲۰۲۱ یعنی حدود ۲ سال قبل بنگاه‌های Tencent و علی‌بابای چین هر یک با ۷۵۳ و ۶۱۵ میلیارد دلار در رتبه‌های هفتم و نهم ارزشمندترین شرکت‌های جهان قرار داشتند، اما امروز مطابق آمارها سهم بازار هر یک از آنها با کاهش قابل توجه به ترتیب به ۳۸۹ و ۲۱۶ میلیارد دلار رسیده است.

سبقت چراغ خاموش امارات از عربستان

در حالی که عربستان و روسیه به صورت هماهنگ در بازار نفت عمل کرده و با کاهش تولید به دنبال حفظ و حتی افزایش قیمت هستند، به نظر می‌رسد امارات بی‌سروصدا و به صورت چراغ خاموش برنده این میدان رقابت شده است. زمانی که اعضای اوپک و اوپک پلاس در ماه ژوئن جلسه‌ای را به منظور کاهش تولید نفت برگزار کردند، برخلاف رویه جاری در این نشست، امارات با افزایش ۲۰۰ هزار بشکه‌ای سهمیه نفت، به دنبال تولید روزانه ۳/۲ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۴ است. در این رابطه میدل ایست‌آی در گزارشی آورده که چنین موضوعی هر چند تا حدودی نادیده گرفتن سهمیه تولید امارات بوده، اما پیروزی بزرگی برای این کشور محسوب می‌شود، زیرا از میان تمامی اعضای اوپک پلاس، این امارات بوده که در موقعیت بسیار خوبی قرار گرفته است. در واقع از آنجا که عربستان سعودی سهمیه تولید نفت خود را تا یک میلیون بشکه در روز کاهش داده و آن را تا ماه سپتامبر تمدید کرده است، قیمت نفت امارات ۱۵ درصد بالاتر از یک ماه گذشته قرار گرفته و این کشور را برنده بازار تابستانی نفت کرده است. به گفته کارشناسان این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که در بطن تحولات ناشی از جنگ اوکراین و در حالی که روسیه تلاش می‌کند دوباره جایگاه خود را به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده اوپک پلاس به دست آورد، سعودی‌ها اکنون به‌طور فزاینده‌ای با یک رقیب ژئوپلیتیکی و اقتصادی به نام امارات مواجه شده‌اند.

امارات از عربستان ثروتمندتر است

برای سال‌ها امارات و عربستان همسویی نزدیکی در خصوص مسائل مهم و حساس خاورمیانه داشتند. این دو کشور به عنوان دو شریک امنیتی آمریکا از بهار عربی گرفته تا محاصره قطر و نیز جنگ یمن و مقابله با بشار اسد متحدان استراتژیک یکدیگر محسوب می‌شدند، اما حالا مدتی است که میان دو متحد سابق شکاف‌هایی آشکار ایجاد شده، به طوری که سال گذشته طبق گزارشی که وال استریت ژورنال منتشر کرده بود، محمد بن سلمان ولیعهد عربستان در یک نشست دولتی، امارات را تهدید به محاصره کرده است. در واقع امارات در حالی در سال ۲۰۱۹ از عربستان در جنگ یمن جدا شده و با حمایت از شورای انتقالی جنوب، عملاً در برخی مواقع مقابل سعودی‌ها قرار گرفت که غیراز یمن، این دو کشور در بازار جهانی نفت نیز دچار واگرایی شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد اختلافات دو کشور بر سر سیاست‌های نفتی در سال ۲۰۲۱ آشکار شد؛ جایی که امارات مانند سعودی‌ها ضمن سرمایه‌گذاری‌های زیاد در صنعت انرژی، اعلام کرد که تا سال ۲۰۲۷ قصد دارد ظرفیت تولید نفت خود را روزانه به ۵ میلیون بشکه برساند. این موضوع دقیقاً برخلاف سیاست‌های عربستان سعودی است؛ سعودی‌ها قصد دارند با کاهش عرضه، قیمت نفت را بالا ببرند و منابع مالی خود را به منظور تامین سرمایه‌های مربوط به پروژه‌های بزرگی همچون شهر هوشمند نئوم و طرح گردشگری ساحل دریای سرخ تامین کنند. این در حالی که امارات بخش خصوصی توسعه‌یافته‌تری دارد و از منظر درآمد سرانه نیز از عربستان ثروتمندتر است؛ در نتیجه سعودی‌ها بیشتر از امارات نگران درآمدهای نفتی و تامین مخارج دولتی هستند. در واقع در شرایطی که بن‌سلمان و دولت عربستان نگران‌های زیادی در خصوص تامین بودجه و منابع مالی جهت اصلاحات اقتصادی و اجتماعی دارند، اماراتی‌ها با جمعیتی ۱۸ برابر کمتر از عربستان، چندان دغدغه خاصی در خصوص قیمت‌های کوتاه‌مدت بازار نفت و انرژی ندارند.

علاوه بر این یکی دیگر از موارد رقابت میان دو کشور، موفقیت بزرگ اماراتی‌ها در جذب تاجران روسی بعد از آغاز جنگ اوکراین است؛ به طوری که اکنون بندر فجیره به مرکز اصلی انتقال نفت روسیه تبدیل شده و تاجران انرژی روسیه به سرعت در حال هجوم آوردن به سمت دبی هستند. این در شرایطی است که سعودی‌ها با هزینه‌های هنگفتی که انجام داده‌اند به مراتب کمتر از اماراتی‌ها قادر به جذب خارجی‌ها بوده‌اند. همچنین هم‌زمان با اینکه سعودی‌ها به‌طور چشمگیری در حال سرمایه‌گذاری و گسترش بازارهای جهانی برای تولیدات پتروشیمی خود هستند، امارات نیز از طریق شرکت نفت دولتی، به نام Adnoc به صورت بی‌سر و صدا مشغول تقویت حضور جهانی خود است؛ به طوری که شاهد هستیم علاوه بر پیشنهاد خرید شرکت اروپایی Covestro و غول پتروشیمی برزیلی Braskem، اخیراً اماراتی‌ها ۳۰ درصد از سهام یک میدان گازی در جمهوری آذربایجان را نیز به دست آورده‌اند. به گفته تحلیلگران، اماراتی‌ها به این دلیل هزینه‌های هنگفتی را انجام می‌دهند که احساس می‌کنند در مقایسه با آرامکوی عربستان دیر وارد چنین بازار پرسودی شده‌اند. بنابراین در چنین شرایطی است که سعودی‌ها قصد دارند تا سال ۲۰۲۷، ظرفیت تولید نفت خود را به ۱۳ میلیون بشکه در روز برسانند؛ موضوعی که هیچ کدام از رقبای آنها مانند امارات و حتی ایالات متحده قادر به رقابت با چنین حجمی از تولید نخواهند بود.





اقتصاد جهان در سرازیری

گروه بین‌الملل - تازه‌ترین چشم‌انداز صندوق بین‌المللی پول در خصوص وضعیت اقتصاد جهانی حاکی از آن است که در سال جاری و سال آینده میلادی رشد اقتصادی جهان از ۳/۵ درصد به ۳ درصد کاهش خواهد یافت؛ این اتفاق در حالی افتاده که پیش از این در خصوص رشد اقتصاد جهانی برآوردها بالاتر از رقم ۳ درصد بوده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد افزایش نرخ بهره از سوی بانک‌های مرکزی برای مهار تورم همچنان ادامه داشته باشد که این قضیه قطعا بر فعالیت‌های اقتصادی تاثیرگذار خواهد بود. با این حال برآورد می‌شود که نرخ تورم جهانی از ۸/۷ در سال ۲۰۲۲ به ۶/۸ درصد در سال جاری و ۵/۲ در سال ۲۰۲۴ برسد. هر چند که در این سال احتمالا دوباره شاهد افزایش تورم در سطح جهانی خواهیم بود.

علاوه بر این اقدامات دولت آمریکا در خصوص نرخ بهره و همچنین سقف بدهی این کشور هر چند که باعث کاهش آشفته‌گی‌ها در بانکداری جهانی شد، اما تعدیلات در خصوص سقف بدهی همچنان خطر کاهش رشد جهانی اقتصاد را در پی خواهد داشت، چراکه در صورت وقوع شوک‌های اقتصادی مانند افزایش و تشدید تورم که با جنگ اوکراین و مسائل آب و هوایی پیوند می‌خورد، می‌تواند باعث شود که دولت‌ها دست بسته‌تری در خصوص اتخاذ سیاست‌های پولی داشته باشند. البته در این میان بهبود اقتصاد چین می‌تواند برای اقتصاد جهانی مفید باشد، هر چند که افزایش بدهی‌های دولتی قادر خواهد بود که به گروه وسیع‌تری از اقتصادها سرایت کند.

اولویت مهار تورم و ثبات مالی

علاوه بر این صندوق بین‌المللی پول تاکید کرده که در اکثر اقتصادها اولویت دولت‌ها دستیابی به کاهش تورم و در عین حال تضمین ثبات مالی است. به همین دلیل است که احتمالا نقش بانک‌های مرکزی برای بازگرداندن ثبات قیمت‌ها و تقویت نظارت مالی افزایش خواهد یافت. هر چند که سازمان جهانی بهداشت وضعیت اضطراری در خصوص همه‌گیری کرونا را لغو کرده، اما همچنان بهبود اقتصاد جهانی پس از همه‌گیری و در سایه حمله روسیه به اوکراین به کندی پیش می‌رود. در این میان شاهد هستیم که زنجیره‌های تامین تا حد زیادی بهبود یافته و هزینه‌های حمل‌ونقل نیز به پیش از دوران همه‌گیری بازگشته‌اند. با این حال شاهد هستیم که تورم همچنان بالا بوده و به موازات آن قدرت خرید خانوارها نیز کمتر شده است. از سوی دیگر اقدامات بانک‌های مرکزی در واکنش به مهار تورم سبب افزایش هزینه‌های استقراض شده است. همچنین در حالی که بانک‌ها استانداردهای خود را به منظور وام‌دهی افزایش داده‌اند، در عین حال عرضه اعتبارات محدودتر شده است. از این رو با توجه به افزایش نرخ بهره پیش‌بینی می‌شود که در کشورهای فقیرتر که با بدهی‌های بالا دست و پنجه نرم می‌کنند، هزینه‌ها افزایش یابد و سرمایه‌گذاری نیز روند کاهشی به خود بگیرد. در نتیجه این امر ما شاهد کاهش تولید در مقایسه برآوردهای قبلی

در کشورهای کمتر توسعه یافته خواهیم بود. البته با توجه به کاستی‌ها و مشکلاتی که وجود دارد، شواهد نشان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی در جهان در سه ماهه اول سال جاری میلادی منعطف‌تر شده و تاب‌آوری به خصوص در بخش خدمات افزایش یافته است، چراکه همزمان با افزایش مصرف پس از دوران همه‌گیری کرونا، اقتصادهایی مانند جنوب اروپا که وابسته به گردشگری هستند در حال پیشرفت هستند. این در حالی است که در بخش‌های غیرخدماتی همچنان شش‌اخص‌ها ضعیف بوده و به واسطه عدم اطمینان موجود در خصوص چشم‌انداز ژئواکونومیکی و بهره‌وری ضعیف، نه تنها رشد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کاهش یافته، بلکه سرمایه‌گذاری، تشکیل سرمایه ثابت و صنعتی نیز روندی نزولی داشته است.

کاهش فشار بر بانک‌ها

با توجه به وقایعی که چند ماه قبل برای برخی از بانک‌ها در آمریکا و سویس اتفاق افتاد و منجر به ورشکستگی آنها شد، شواهد نشان می‌دهد که علی‌رغم مخاطرات این قضیه، اکنون فشار شدید از روی بانک‌ها به خصوص در اقتصادهای غربی برداشته شده است. با این حال بانک‌ها به دو صورت مستقیم (افزایش هزینه‌های تامین مالی) و غیرمستقیم (افزایش ریسک اعتباری) در سه ماهه نخست سال جاری میلادی به میزان قابل توجهی دسترسی به اعتبارات را محدود کرده‌اند که پیش‌بینی می‌شود این رویه همچنان در ماه‌های آینده نیز ادامه داشته باشد.

تداوم مبارزه با تورم

هر چند که آمارها نشان می‌دهد نرخ تورم نسبت به سال گذشته کاهش یافته، اما میزان آن همچنان بالاست. در واقع در میان واگرایی بین اقتصادها و معیارهای تورم، افزایش موجودی گاز و انرژی در اروپا و نیز تقاضای ضعیف در چین باعث کاهش قیمت انرژی و مواد غذایی نسبت به سال ۲۰۲۲ شده است. در این رابطه هر چند که در اکثر کشورها تورم به صورت متوسط روند نزولی داشته، اما همچنان بسیار بالاتر از هدف‌گذاری بانک‌های مرکزی است. این مسأله در شرایطی پیش می‌آید که

چین «بمبی در آستانه انفجار» است؟

شش ماه گذشته جریانی از اخبار بد را برای اقتصاد چین به ارمغان آورده است: رشد آهسته، بیکاری بی‌سابقه جوانان، سرمایه‌گذاری خارجی پایین، صادرات و ارز ضعیف، و بحران در بخش املاک. جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، دومین اقتصاد بزرگ جهان را «بمبی در آستانه انفجار» توصیف کرد و نارضایتی فزاینده در این کشور را پیش‌بینی کرد. شی جین‌پینگ، رهبر چین، با دفاع از «تاب‌آوری قوی، پتانسیل فوق‌العاده و سرزندگی عالی» اقتصاد، به گفته‌های بایدن پاسخ داد: پس حق با کیست - آقای بایدن یا آقای شی؟ - مثل خیلی از موارد، احتمالاً پاسخ در جایی بین این دو قرار دارد. بعید است اقتصاد به این زودی دچار درون‌پاشی شود، اما چین با چالش‌های ریشه‌ای و عظیمی مواجه است.

بحران املاک و خانوارهای فقیرتر

مرکز مشکلات اقتصادی چین، بازار املاک آن است. تا همین اواخر، املاک و مستغلات یک سوم کل ثروت آن را تشکیل می‌دادند. نتونیو فتاس، استاد اقتصاد در مدرسه بازرگانی اینسیدر سنگاپور می‌گوید: «این هیچ منطقی نداشت. اصلاً معنی ندارد.» به مدت دو دهه، بخش ساختمان‌سازی سوار بر موجی از خصوصی‌سازی رونق گرفت. اما بحران در سال ۲۰۲۰ رخ داد. یک بیماری همه‌گیر جهانی و کاهش جمعیت در خانه، اجزای خوبی برای برنامه خانه‌سازی بی‌امان نیستند. دولت، از ترس یک فروپاشی به سبک ایالات متحده در سال ۲۰۰۸، محدودیت‌هایی را برای وام ساخت‌وساز توسعه‌دهندگان املاک تعیین کرد. کمی بعد آنها میلیاردها بدهی داشتند که نمی‌توانستند بازپرداخت کنند. اکنون تقاضا برای خانه کاهش یافته و قیمت ملک کاهش یافته است. این امر صاحب‌خانه‌های چینی را - که از سه سال محدودیت‌های سخت کرونا بیرون آمده‌اند - فقیرتر کرده است. آلیشا گارسیا هررو، اقتصاددان ارشد آسیایی در شرکت مدیریت ثروت ناتیکزیس می‌گوید: «در چین، ملک عملاً پس‌انداز شماسست. تا همین اواخر، به نظر می‌رسید خرید ملک بهتر از این بود که پول‌تان را در بازار سهام دیوانه یا یک حساب بانکی با نرخ‌های بهره پایین بگذارید.» یعنی بر خلاف کشورهای غربی، رونقی در فضای هزینه‌کرد پس از همه‌گیری یا بازگشت اقتصادی عظیمی رخ نداده است. خانم گارسیا هررو می‌گوید: «این تصور وجود داشت که مردم چین پس از محدودیت‌های شدید کووید، دیوانه‌وار خرج می‌کنند. سفر می‌روند، به پاریس



نوع فعالیت: خراش، ساخت و تامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و رفت و برگشتی جهت استفاده در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، فولاد، دارویی، نسبته سازی خودرو
 نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ونک غربی، پلاک ۶۱
 تلفن: ۰۲۵-۴۷۰۳۵-۸۸۶-۴۷۳۶
 فاکس: ۰۲۵-۴۷۳۹-۸۸۶
 پست الکترونیک: office@otce-co.com



OTCE
 OIL TOOL COMPANY ESTABLISHED IN 1987

نخبه‌پژات نورو کمپرسور نفت
 مدیر عامل: مرتضی کاظمی

نوع تولید: ظروف آشپزخانه
 نشانی: مشهد، شهرک صنعتی توس، فاز ۱، کوستن شمالی ۵، گروه
 کارخانجات مقصود
 تلفن: ۰۵۱۳۵۱۵۲۰۰۰
 فاکس: ۰۵۱۳۵۴۱۰۴۵۱
 پست الکترونیک: info@grandmaghsoud.com
 وب سایت: www.grandmaghsoud.com



گروه کارخانجات مقصود
 مدیر عامل: مهدی ایمانی

نوع فعالیت: ارائه دهنده خدمات بیمه‌ای
 نشانی: تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان قائم مقام فراهانی، کوچه شمشیر، پلاک ۳۲، ساختمان بیمه تعاون
 کد پستی: ۱۵۸۶۸۴۳۹۱۱
 تلفن: ۱۶۰۲
 فاکس: ۰۴-۸۸۵۴۷۸
 پست الکترونیک: info@taavon-ins.ir
 وب سایت: www.taavon-ins.ir



بیمه تعاون

بیمه تعاون
 مدیر عامل: یونس مظلومی

نوع تولید: لوازم خانگی
 نشانی: تهران، خیابان فیاضی (فرشته)، رویه روی خیابان آقا بزرگی، پلاک ۷۰، ساختمان نسل
 طبقه ۴، واحد ۷
 کد پستی: ۱۹۶۴۹۳۳۹۶۰
 تلفن: ۰۲۳۶۵۵۰۰
 فاکس: ۰۴-۲۲۰۳۷۸
 پست الکترونیک: Info@neico.net
 وب سایت: www.neico-electric.com



صنایع الکتریکی ناسیوتال ایران

صنایع الکتریکی ناسیوتال ایران
 رئیس هیئت مدیره: شاهین علیمحمدی

نوع تولید: تولید انواع چسب خانگی و صنعتی
 نشانی: تهران خیابان خالد اسلاصولی نبش خیابان احمدیان جنب بانک
 ابنده پلاک ۱۲۷ طبقه ۵، کد پستی: ۱۵۱۲۸۳۳۱۱۷
 تلفاگس: ۰۵۲۳-۸۸۵۵
 وب سایت: www.RaziChemical.com



RAZI[®]
 Chemical Co.

شیمیایی رازی
 مدیر عامل: امیررضا نفی گنجی



لیزینگ اقتصاد نوین

EGHTEHAD NOVIN LEASING CO.

لیزینگ اقتصاد نوین
مدیر عامل: اجمان فرجام تبا

نوع خدمت: تأمین منابع مالی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در صنایع مختلف جهت خرید تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، خودروهای کار و سنگین، خودروهای سواری، ماشین‌آلات راهسازی، دفاتر اداری و تجهیزات پزشکی
نشانی: تهران، خیابان قائم مقام طراهانی، جنب تهران کلینیک، کوچه ازادگان، پلاک ۱۵۲
تلفن: ۸۸۷۰۰۷۷۶

پست الکترونیک: info@enleasing.com

وب سایت: www.enleasing.com



شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی رازی
Razi Industrial Group Investment

گروه صنعتی رازی
مدیر هماهنگی: محمدرضا تقی گنجی

نشانی: تهران، خیابان گاندی جنوبی، کوچه یکم، ساختمان گروه صنعتی رازی
تلفن: ۸۸۸۸۰۰۷۲

فاکس: ۸۸۸۸۰۰۷۱

وب سایت: razi-group.com



دژپاد
مدیر عامل: احمد مؤمنی

نوع فعالیت: بزرگترین خراج، سازنده و مجری سیستم های انبارش مواد و کالا در خاورمیانه و ایران

نشانی: کیلومتر ۱۴ بزرگراه شهید لشکری، چهار راه ایران خودرو، جنب چاپخانه روزنامه همشهری، کدیستی: ۱۳۸۶۱۶۴۸۷۶

تلفن: ۷۴۴۳۵۰۰۰

فاکس: ۷۴۴۳۵۵۵۵

وب سایت: www.dozhpad.com



بانک کارآفرین
KARAFARIN BANK

بانک کارآفرین
مدیر عامل: احمد بهاروندی

نوع فعالیت: بانکداری

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر روبروی پارک ملت خیابان ناهید غربی پلاک ۹۷

تلفن: ۲۶۲۱۵۰۰۰

فاکس: ۲۶۲۱۵۱۵۸

پست الکترونیک: Info@karafarinbank.ir

وب سایت: www.karafarinbank.ir



VINA FIBERBOARD INDUSTRY (P)SC
صنعت فیبر و پانل

صنعت فیبر و پانل
مدیر عامل: محسن انصاری

نوع تولید: تولید کننده اوراق فشرده، نخته فیبر

نشانی: خ خرمشهر، خ عربعلی، کد پستی: ۱۵۳۳۸۸۳۸۷۴

تلفن: ۰۲۱۴۱۱۹۲

وب سایت: www.visspan.com / www.vinagroup.co



انجمن مدیران صنایع به عنوان تشکل کارفرمایی غیردولتی با نقش میانجیگری بین دولت و بخش خصوصی و جلب مشارکت فعالان بخش خصوصی به عضویت در انجمن و ارائه خدمات به اعضا در راستای تأثیرگذاری بر سیاستها از طریق طرح مشکلات، ضرورتها، موانع و وضعیت بنگاه ها در شاخه های مختلف کسب و کار در عرصه عمومی تلاش میکند.

بر این باوریم مادامی که نیازها و خواسته های ما در حوزه های مختلف در گستره عمومی در منظر سیاست گذاران قرار نگیرد و اهمیت آنها مورد پذیرش واقع نشود در دستور کار نیز نخواهد بود. انجمن تلاش میکند با تغییر قوانین، سیاستها و تصمیمات اتخاذ شده در راستای بهبود محیط کسب و کار و پیگیری حقوق اعضای خود قدم بردارد.

به جمع ما بپیوندید
 ۸۸۸۱۳۰۴۷ - ۸۸۳۰۴۰۷۰
 ۰۹۱۲۰۷۰۲۰۳۶
 www.amsiran.com

DORSA

Manufactred by GRAND MAGHSOUD

تولید شده در گروه کارخانجات مقصود



WWW.GRANDMAGHSOUD.COM

WWW.DORSAFACTORY.IR

0 5 1 3 5 1 5 2

پدیده گویای پیچ
چنگال مرغ



آیروپال

Manufactured by GRAND MAGHSOUD

تولید شده در گروه کارخانجات مقصود



آیروپال
سرویس های نوری آریال



WWW.GRANDMAGHSOUD.COM

0 5 1 3 5 1 5 2

RAZI
Chemical Co.

چسب قطره ای **MINI**

رازی



Razichemicals



021 88 550 523



Razichemical.com



باهم، برای هم

ما در بانک خاورمیانه خردمان را در قبال جامعه مسئول می‌دانیم و تلاش می‌کنیم، در کنار سودآوری و انجام وظیفه در قبال مشتریان و سهامداران خود، به بهبود شرایط آن، از جمله در زمینه‌های آموزش و سلامتی اشرار امیدپذیر، کمک کنیم.

در بخش آموزش، اقدامات بانک خاورمیانه شامل ساخت مدرسه (دبستان، دبیرستان و هنرستان) و تجهیز مدارس و کتابخانه‌ها با وسایل آموزشی و امکانات رفاهی می‌شود.

در بخش درمانی، اقدامات این بانک عبارتند از تهیه اقلام بهداشتی، تأمین کمک‌هزینه تهیه دارو برای بیماران کم‌برخوردار، خرید اقلام موردنیاز مؤسسات خیریه و تأمین تجهیزات بیمارستانی و مراکز بیماران خاص. امید داریم که این اقدامات، گام‌هایی به سوی آبادانی ایران‌مان باشد.



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir